



دولت سیزدهم،
غایت و نهایت
جمهوری اسلامی



بنیانگذار:

دکتر مصطفی مصباح‌زاده

KAYHANLIFE
SPOTLIGHT ON A GLOBAL IRANIAN COMMUNITY

- @KayhanLife
- @kayhanlife
- @KayhanLife
- <https://kayhanlife.com/newsletters-subscription>

کیهان شما، کیهان لندن

- @KayhanLondon
- @kayhanlondon
- @kayhanlondon
- https://t.me/kayhan_london

P.O. Box 435, Old Brompton Road 2, London, SW7 3DQ

Tel: +(44)-(0)20 3633 3684
Fax: +(44)-(0)20 3633 3685

e-mail: ads@kayhan.london

www.kayhan.london

سال چهارم

کیهان شماره ۱۸۹۰ (۴۲۴)

جمعه ۲۰ تا ۲۶ مرداد ماه ۱۴۰۲

۱۱ تا ۱۷ اوت ۲۰۲۳



مژده به هم‌میمنائی که خواستار کتاب **سقوط بهشت** بودند می‌توانند چاپ دوم این کتاب را از کیهان خریداری نمایند

نسخه دیجیتال کتاب نیز به‌زودی در دسترس خواهد بود

سقوط بهشت

خاندان پهلوی و روزهای پایانی ایران پادشاهی

اندر و اسکات کوپر ترجمه رضا تقی‌زاده



آگهی در کیهان آگاهی می‌آورد

نشانی سایت:

www.kayhan.london

روابط عمومی:

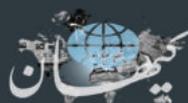
info@kayhan.london

آگهی و تبلیغات:

ads@kayhan.london

سردبیری:

editorial@kayhan.london



وبسایت کیهان لندن به زبان انگلیسی

KAYHANLIFE

SPOTLIGHT ON A GLOBAL IRANIAN COMMUNITY

www.kayhanlife.com

کیهان لندن منتشر کرد:



کتاب «سوریه: چاله عنکبوت» به قلم حامد محمدی (افسر خلبان)

برای نخستین بار ابعاد گسترده حضور نظامی و ناگفته‌های دخالت رژیم جمهوری اسلامی در جنگ داخلی سوریه را به صورت مستند از آغاز این جنگ تا به امروز به تصویر می‌کشد. علاقمندان می‌توانند این کتاب را مستقیماً از طریق تماس با کیهان لندن ads@kayhan.london و یا انتشارات ساتراپ و سوپر هرمز در لندن و کتابفروشیهای معتبر ایرانی در اروپا و آمریکا به نشانی‌های زیر به مبلغ معادل ۳۰ پوند شامل هزینه بسته بندی و پست خریداری کنند.

Satrap Publishing: Email: satrap@btconnect.com www.satrap.co.uk

Super Hormuz, Finchley Road, Golders Green, NW11 0AD

Ibex Publishers Bookshop, Inc. PO Box 30087, Bethesda, MD 20824-0087, USA

Ferdosi Bookshop, Box 45095, SE-104 30 Stockholm, SWEDEN

UTOPIRAN, 89 Rue du Ruisseau, 75018 Paris, FRANCE

Forough Publishing and Bookshop, Jahnstraße 24, 50676 Köln, GERMANY

کیمهان

* فهرست مطالب *

۴ سرمقاله - جمهوری اسلامی خطر را درست تشخیص داده، شما چطور؟! / الا هه بقراط

۴-۵ دولت سیزدهم، غایت و نهایت جمهوری اسلامی ... / روشنگر آستر کی

۶ نامزدی شاهدخت ایمان پهلوی و پردشمن ... /

۶-۷ دوران سیاه روزنامه نگاری در ایران ... /

۸ علی خامنه ای: «در دوره ننگین پهلوی شناختی از ظرفیت دریاها وجود نداشت!» ... /

۹ ادعای رئیس کمیسیون انرژی مجلس شورای اسلامی: ایران در دوران پهلوی ... /

۱۰-۱۱ فریدون فرخزاد: «برای گذران زندگی، عمر لازم نیست، شهامت لازم است» ... /

۱۱ باغبانی صدام ... / خیر اندیش (احمد/حرار)

۱۲-۱۴ آخرین روزها، پان پان سلطنت و درگذشت شاه (۲۵) ... / دکتر هوشنگ نهاوندی

۱۴ عدم سرمایه گذاری شرکت های دولتی چینی و روسی در ایران ... /

۱۵ ریزش تعداد موافقان حجاب اجباری در ایران ... /

۱۶ جلوگیری از ورود مریز جوی به آلبانی ... / احمد رافت

۱۶-۱۷ ورشکستگی ۱۵ صندوق از ۱۷ صندوق فعال بازنشستگی در ایران ... /

۱۸-۱۹ «حجاب بان» با حقوق و مزایا، شغل جدید در جمهوری اسلامی! ... /

۱۹ گروگانگیری یک شهر و ندادن تابعیتی دیگر به اتهام «جاسوسی» ... /

۲۰ جستاری در مشروطه پژوهی ... / علی اصغر حقدار

۲۱ آکسیوس: بنیامین نتانیاهو خواستار «تضمین امنیتی» آمریکابه اسرائیل و عربستان ... /

۲۲ تخلیه زندان «رجایی شهر»؛ تلاش سیستماتیک حکومت برای پاک کردن آثار ... /

۲۳ جمهوری اسلامی به دنبال «صادرات آب سنگین» ... /

۲۴-۲۵ «دولت ایران بزرگترین تهدید علیه انگلیس است» ... /

۲۵ حسین امیرعبداللهیان در توکیو: هیچگاه برای جنگ او کراین پهباد به ... /

۲۶ دو جایجایی و انتصاب در قوه قضائیه: محمد جعفر منتظری رئیس «دیوان» ... /

۲۶-۲۷ افزایش قیمت نان با بخشنامه دولت صورت می گیرد ... /

۲۸-۲۹ «آمارهای محرّمی» برای لاپوشانی اعتراضات مردم ... /

۲۹ اگران اولین فیلم بدون حجاب اجباری ساخته شده پس از انقلاب ... / احمد رافت

۳۰-۳۱ نان در پایتخت هم گران شد؛ افزایش ۵۰ تا ۶۰ درصدی ... /

۳۱ آسوشیند پرس: احتمال استقرار تفنگداران آمریکادر کشتی های تجاری ... /

۳۲ فاینشال تایمز: اختلاف بین وزارت کشور و وزارت خارجه بریتانیا بر سر ... /

۳۲-۳۳ مین های جنگی علت اختلال مهار حریق در جنگل های کردستان ... /

۳۳ بلومبرگ: طالبان با «بمب گذاران انتحاری» آماده جنگ با ایران ... /

۳۴-۳۷ دین سیاسی و بی اخلاقی اجتماعی ... / محمود مسائلی

۳۷ بیانیه مشترک سفرای هشت کشور در انتقاد از بازداشت روزنامه نگاران در ایران ... /

۳۸ تسویه حساب حکومت با کسانی که در «دهه محرّم» با مردم و جانباختگان میهن ... /

۳۹ ادامه بحران برق و آب در ایران؛ تجمعات و شعارهای شبانه شهر وندان معترض ... /

۴۰-۴۱ سیاست گذاری های آموزش و پرورش در فردای ایران ... / فائزه علوی

۴۲-۴۳ جایگاه ادبیات ایران در مهاجرت و جوامع میزبان در گفتگو با سرور کسمائی ... /

۴۴ ترس حکومت از حضور زنان و شعارهای ضد رژیم در استاد یومها ... /

۴۴-۴۵ مردم می گویند آتش سوزی جنگل های زاگرس «عمدی» است ... /

۴۵ رجز خوانی اسماعیل قانی در مرزهای سوریه ... /

۴۶-۴۷ تلاش حکومت علیه پوشش اختیاری ... /

۴۸ پشت جلد - عکس هفته / توماج صالحی

بازنشر
بازنشر



دولت سیزدهم، غایت و نهایت جمهوری اسلامی

جمهوری اسلامی خطر را درست
تشخیص داده، شما چطور؟!*

کیهان لندن در همان دورانی که چاپ می‌شد و نه اینترنت و تلویزیون‌های فارسی‌زبان در کار بود و نه رسانه‌های اجتماعی، روند پهلوی‌ستیزی توسط جمهوری اسلامی را زیر نظر داشت و نوسانات آن را با شرایط اعتراضی جامعه دنبال می‌کرد. از همان زمانی که عده‌ای جلال و مقامات بعدی که یا بر مسند نشستند و یا در «حصر» قرار گرفتند دور رهبرشان خمینی بر زمین نشسته و به کنایه‌های او درباره «رضای دوم» که «چنان محبوبیتی دارد که مردم همه با او هستند» نقلی می‌خندیدند و خمینی هم توصیه می‌کرد که «این بچه پره سرخ تحصیل و پره سرخ یه کاسبی» چون «مردم اگر چنانچه جمهوری اسلامی هم نباشد، دیگه سلطنت طلب نیستند؛ این شکی در کار نیست!»



حالا بعد از اینهمه سال باید پرسید اگر «شکی در کار نیست» پس اینهمه تبلیغات و «جهاد تبیین» و تحریف و تخریب و حتا تهدید به ترور برای چیست؟! این تلاش نحیف برای پروژه نمایشی مشروطه و ملی‌گرایی که یکبار در دوران احمدی‌نژاد توسط اصلاح‌طلبان به راه افتاد و حالا دوباره آن را علم کرده‌اند بر سر چیست؟

در این میان، مشکل اصلی جمهوری اسلامی در پیشبرد این پروژه آنجاست که چون مشروطه و ملی‌گرایی با دوران پهلوی‌ها گره خورده، پس می‌بایست آن را هرطور شده از پهلوی تهی کرد! یکی از دلایل افزایش اظهارات مقامات رژیم و انتشار مطالب بی‌پایه علیه دستاوردهای زیربنایی آن دوران از جمله در زمینه صنایع و اقتصاد و رفاه و حتا ارتش از یکسو برای توجیه ناکارآمدی مرمز نظام انجام می‌شود و از سوی دیگر در خدمت همین نمایش ملی‌گرایی قرار دارد. غافل از اینکه مردم همه رشته‌های تبلیغاتی رژیم را پنبه می‌کنند. همان مردمی که در زمان ده سال رهبری خمینی بر جمهوری اسلامی نیز در صف کالاهای کوپنی زیر لب می‌گفتند «نور به قبرت بباره!» و اکنون نسل‌های تازه شعارهای صریح و روشن خود را علیه کل نظام جمهوری اسلامی در خیابان‌ها فریاد می‌زنند.

خیزش ملی‌کنونی نیز عین انقلاب مشروطه برای پیوستن به جهان به‌روز و آینده است. پهلوی بخش ناگسستنی از این پیوستن، چه آن زمان و چه این زمان، است. مشروطه و ملی‌گرایی در ایران بدون پهلوی دستور کار نیست که از درون دستگاه‌های امنیتی جمهوری اسلامی و در مقابله با اعتراضات و تمایلات و اراده‌ی مردم صادر شده و در خارج با عوامل پیدا و پنهان‌اش و در داخل با فشار و تطمیع بین «چهره»‌ها پیش برده می‌شود.

اما غیرعقلانیست اگر گمان شود که آنچه بیش از چهار دهه نتیجه‌ی عکس داده، اکنون به نتیجه‌ی دیگری به سود جمهوری اسلامی می‌انجامد!

در شرایطی که حکومت دینی سال‌هاست خطر ذهنی و عینی علیه خود را در پهلوی‌ها به عنوان منادیان مشروطه و ملی‌گرایی تشخیص داده، آیا هنوز برخی مدعیان دموکراسی ترجیح می‌دهند همگام با رژیم همچنان با پهلوی مبارزه کنند؟!*



● تنها نقطه اختلاف جریانات حکومتی توزیع رانت و چپاول دارایی‌های ملی کشور است و همین موضوع سبب افشاگری‌های پراکنده در زمینه فسادهای اخلاقی، سیاسی و اقتصادی برخی مقامات در سطوح مختلف می‌شود وگرنه خدای همه آنها همان خدای سال ۶۰ و دهه ۶۰ است!

سپاه پاسداران انقلاب اسلامی اختصاص داد و چند عضو آن از جمله احمد وحیدی وزیر کشور از لایه‌های بالای سپاه پاسداران آمده‌اند. حضور افرادی چون محمد مخبر دزفولی به عنوان معاون اول وی و مسعود میرکاظمی به عنوان رئیس سازمان برنامه و بودجه نشان می‌دهد مافیاهای سیاسی- اقتصادی درون حکومت نیز مهره‌های خود را در هیئت دولت سیزدهم جاسازی کرده‌اند.

احسان خاندوزی وزیر اقتصاد و سخنگوی تیم اقتصادی دولت که از کمیسیون اقتصادی مجلس یازدهم به کابینه راه یافت، از منتقدان جدی عملکرد اقتصادی دولت‌های پیشین بود. او از جمله فعالان جریان موسوم به «عدالتخواه» و یکی از جوانترین چهره‌های دولت سیزدهم به شمار می‌رود که با ادعاهای ساماندهی اقتصاد به وزارت رسید.

در اوایل تشکیل این دولت، ادعایی نیز درباره تدوین برنامه‌های هفت هزار صفحه‌ای برای اداره کشور با تمرکز بر مسائل اقتصادی مطرح بود. این برنامه اما هیچوقت در دو سال گذشته به صورت عمومی منتشر نشد و هیچ خلاصه‌ای از آن نیز در اختیار افکار عمومی و یا حتی کارشناسان اقتصادی قرار نگرفت. اکنون با گذشت دو سال به نظر می‌رسد اساساً برنامه‌ای در کار نبوده و صرفاً یک ادعای تبلیغاتی از سوی دولت تازه بر مسند نشسته بوده است.

بدون آب و برق در جستجوی نان نصفه

اقتصاد یکی از مهمترین دغدغه‌های شهروندان در سال‌های گذشته بوده چرا که بیش از چهار دهه ناکارآمدی و سوء مدیریت فراگیر به ویژه در اقتصاد، همراه با سال‌ها فساد ساختاری و تباهکاری از سوی مافیاهای

امرداد امسال دولت سیزدهم جمهوری اسلامی به نیمه راه رسید. بررسی عملکرد دولت سیدابراهیم رئیسی نشان از فاصله عمیق میان وعده‌های آن و آنچه در کارنامه‌ی دو ساله آن ثبت شده دارد. با توجه به شرایط کشور به نظر می‌رسد ناتوانی تیم اقتصادی دولت سیزدهم برای مردم برجسته‌تر از ناکارآمدی‌ها و بی‌عملی‌ها در دیگر حوزه‌ها باشد اما در مجموع کارنامه دولت سیزدهم در همه زمینه‌ها مردود است. از سوی دیگر با توجه به تقویت و سازماندهی جنبش ملی علیه جمهوری اسلامی که خود را در اعتراضات بی‌سابقه و چشمگیر نیمه دوم ۱۴۰۱ نشان داد، دولت رئیسی نیز همسو و هماهنگ با دیگر ارکان حکومت، از هیچ اقدامی برای نجات نظام نیمه‌جان جمهوری اسلامی کوتاهی نمی‌کند.

کابینه پردعا اما مردود

دو سال پیش در ۱۲ مرداد ۱۴۰۰ دولت سیزدهم در نتیجه‌ی یکی از مفتضح‌ترین انتخابات نمایشی جمهوری اسلامی با ریاست سیدابراهیم رئیسی تشکیل شد و وزرای پیشنهادی در ۲۰ مرداد به مجلس شورای اسلامی معرفی شدند.

رئیس‌ی با تمرکز بر وعده‌های اقتصادی توانسته بود نظر اندکی از شهروندان را به خود جلب کند تا به عنوان رئیس دولت نام‌اش از صندوق نمایشی رأی بیرون بیاید. با اینهمه تیم اقتصادی وی از همان ابتدا تردیدها نسبت به توانایی دولت برای مهار بحران‌های اقتصادی تلنبار شده در شرایط تحریم را افزایش داد.

دولت رئیسی در آرایش کابینه سهم قابل توجهی را به

فساد ساختاری و تباهکاری از سوی مافیاهای

به معنی این نیست که دولت‌های پیش از وی خوب یا قابل دفاع بوده‌اند! دولت سیزدهم نیز مانند همه دولت‌های اصلاح‌طلب و اصولگرای پیش از خود، در چهارچوب نظام جمهوری اسلامی عمل کرده است.

با وجود آنکه زبان انتقاد اصلاح‌طلبان و مقامات دولت حسن روحانی در دومین سالگرد دولت رئیسی علیه وی فعال شده اما نگاهی به عملکرد دولت‌های مورد دفاع آنها نیز نشان می‌دهد چیزی جز سوء مدیریت، فساد، تباہکاری و حرکت در چهارچوب نظام و سیاست‌های رهبرش نبوده است.

برای نمونه در حالی این روزها اعضای هیئت دولت روحانی انتقادهای زیادی از عملکرد اقتصادی دولت ابراهیم رئیسی دارند که توضیح نمی‌دهند چرا آمارها و شاخص‌ها در دولت خودشان قابل دفاع نبود؟! به ویژه آنکه دولت روحانی در زمینه اقتصاد، فرصت طلایی «پسابرجام» و درآمدهای میلیاردی حاصل از صادرات نفت و گاز و معامله با دولت اوپاما را داشت! نتیجه‌ی عملکرد آن دولت نیز پرونده‌های فساد مقامات دولت و وابستگانشان از جمله حسین فریدون برادر حسن روحانی و مهدی جهانگیری برادر اسحاق جهانگیری بود. همچنین بخش زیادی از پول‌های سرازیر شده به کشور در دوران پسابرجام صرف پولپاشی به «خودی»‌ها و حامیان دولت در قالب پروژه‌های مختلف شد تا اصلاح‌طلبان و مبلغان دولت بتوانند همچنان از «سفره انقلاب» بهره ببرند.

همچنین موضوع حجاب و فشار علیه زنان به دلیل استفاده از پوشش عادی و اختیاری در حالی طی دولت اصولگرای سید ابراهیم رئیسی افزایش یافته که نباید فراموش کرد طرح «گشت ارشاد اسلامی» نخستین بار در دولت اصلاح‌طلب سید محمد خاتمی و توسط افرادی که امروز رُخ منتقد و «روشنفکر» گرفته‌اند تدوین و تصویب شد.

اینهمه نشان می‌دهد فرای «جنگ زرگری» بین جناحین جمهوری اسلامی همه آنها در ماهیت و عمل در چهارچوب نظام جمهوری اسلامی و سیاست‌گذاری‌های آن حرکت می‌کنند. چه اصلاح‌طلبان و چه اصولگرایان با هر عنوانی اعم از «اعتدالگرا» و «عدالتخواه» و غیره که ظاهر شوند، تنها یک هدف دارند و آن حفظ نظام جمهوری اسلامی و انقلاب‌شان است. به همین دلیل است که سال گذشته با شدت گرفتن اعتراضات انقلابی مردم، خبرهایی از نشست چند ساعته فاطمه هاشمی رفسنجانی با مجتبی خامنه‌ای منتشر شد و هیئتی از اصلاح‌طلبان با علی شمخانی دبیر «شورای امنیت ملی» جمهوری اسلامی و غلامحسین محسنی اژه‌ای، یکی از قاضیان مرگ رژیم، در رابطه با اعتراضات جلسه‌ای چند ساعته برگزار کردند.

به بیان دیگر، آنجا که لازم باشد اصلاح‌طلبان سکاندار می‌شوند و هر جا تدبیر نظام و رهبرش اقتضاء کند که اصولگرایان به میدان بیایند امثال ابراهیم رئیسی و محمود احمدی‌نژاد را بر کرسی ریاست جمهوری‌شان می‌نشانند. تنها نقطه اختلاف جریانات حکومتی، توزیع رانت و چپاول دارایی‌های ملی کشور است و همین موضوع سبب افشاکاری‌های پراکنده در زمینه فسادهای اخلاقی، سیاسی و اقتصادی برخی مقامات در سطوح مختلف می‌شود.

نگاه طالبانی و رویکردهای دهه شصتی اخیر نیز نه سلیقه یا اراده شخص ابراهیم رئیسی بلکه سیاست اتاق فکریهای امنیتی اصلاح‌طلب و اصولگرا در مواجهه با مردم معترض و جلوگیری از سقوط نظام در لبه پرتگاه است. وگرنه خدای همه آنها همان خدای سال ۶۰ و دهه ۶۰ است!

روشنگ آسترکی

کشور را دچار اختلال می‌کند» و «آنچه که بخش خصوصی را گند می‌کند، باید مورد تجدید نظر قرار بگیرد.»

اما امروز دو سال پس از آن وعده‌ها بخش خصوصی به شدت تضعیف شده و موج خروج از بازار در اصناف و

حکومتی و همچنین تحریم و انزوای همه‌جانبه‌ی کشور، در نهایت مردم را دچار بحران‌های پی در پی معیشتی کرده است.

کابینه رئیسی هرچند با ادعاهای پرطمطراق اقتصادی



بخش‌های مختلف اقتصادی به اوج رسیده است. مهاجرت نیروی کار متخصص و کسب و کارها به کشورهای دیگر از جمله نتایج نگاه و عملکرد حکومت و دولت سیزدهم است که هم روند سرمایه‌گذاری را منفی کرده و هم هشدارهای کارشناسان نسبت به تُنگ شدن اقتصاد و سرمایه انسانی کشور را در بر داشته است.

«جراحی اقتصادی» با حذف ارز ترجیحی مهمترین پروژه اقتصادی دولت رئیسی بود که نتیجه آن تنها سه ماه پس از اجرا، رساندن تورم مواد خوراکی به مرز ۹۰ درصد بود و همچنان ترکش‌های آن، بازارهای مختلف و سفره‌های مردم را نشانه می‌گیرد.

نتیجه آنکه عملکرد دولتی که با این ادعا آمده بود تا فساد را برچیند، عدالت را جاری کند، رفاه را افزایش دهد و فقر مطلق را از بین ببرد و طرح‌های توسعه را پیش ببرد، این روزها فقر و گرانی را چنان عمیق کرده که مردم به خرید «نصفه نان» روی آورده‌اند و قطع مداوم برق و آب به عنوان امکانات اولیه، زندگی میلیون‌ها تن را در شهرهای مختلف مختل کرده است. بر اساس اعلام مدیرعامل شرکت ملی گاز درباره تاترازی ۳۰۰ میلیون مترمکعب گاز در ماه‌های آینده، پاییز و زمستان امسال نیز قطع گاز منازل حتمی خواهد بود. وعده‌های بلندبالای دولت‌مردان سیزدهم در حوزه اقتصادی این روزها به «قسم و آیه» برای وصل آب و برق خانه‌ها رسیده است. اینهمه در حالیست که پیش‌بینی می‌شود بحران بنزین هم در راه باشد چرا که گزارش‌های غیررسمی نشان می‌دهد مصرف بنزین مدت‌هاست از تولید پیشی گرفته و دولت در حال استفاده از ذخایر استراتژیک بنزین است و البته پولی هم برای واردات بنزین ندارد!

دولت سیزدهم آینه‌ی تمام‌های چهار دهه تباہی
 هرآنچه از عملکرد فلاکت‌بار دولت رئیسی مطرح می‌شود

مانند برنامه هفت هزار صفحه‌ای آغاز به کار کرد اما هنوز عمرش به نیمه نرسیده، گسترش فقر و فلاکت را گسترش داده و بیش از دو سوم جمعیت کشور را به زیر خط فقر رانده است.

یکی از اساسی‌ترین وعده‌های تیم اقتصادی رئیسی این بود که با توقف رشد بدهی دولتی و چاپ اسکناس بدون پشتوانه، تورم را مهار و ارزش ریال را افزایش خواهد داد. این در حالیست که طی دو سال گذشته چاپ پول ۸۳ درصد و نقدینگی ۷۳ درصد افزایش یافته است. تورم همواره بر مدار ۴۰ تا ۵۰ درصد چرخیده و قیمت دلار به عنوان رایج‌ترین ارز در ایران تقریباً دو برابر شده و به همین نسبت نیز ارزش پول ملی ایران سقوط آزاد داشته است.

ساخت چهار میلیون مسکن و مهار قیمت افزایشی اجاره‌بها از مهمترین وعده‌های اقتصادی دولت رئیسی بود در حالی که طی دو سال گذشته نه تنها نتوانسته ساخت سالانه یک میلیون واحد مسکونی را بر اساس ادعای خود پیش ببرد بلکه تورم در بازار خرید و فروش مسکن به قیمت‌های بی‌سابقه انجامیده و گرانی اجاره‌بها از ۵۰ تا ۱۵۰ درصد در محله‌های مختلف مستأجران را کلافه کرده و جمعیت بی‌خانمان‌ها به شدت افزایش یافته است. کسری انباشته‌ی بودجه دولت نیز به بیش از ۷۰۰ هزار میلیارد تومان رسیده و دولت نتوانسته درآمدهایش را در دو سال گذشته افزایش دهد و مدام دست به صندوق توسعه ملی دراز کرده و یا با فروش اوراق قرضه و فروختن اموال و دارایی‌های کشور که نزدش امانت بوده تلاش کرده امروز را به فردا برساند و هزینه‌های جاری را تأمین کند.

تقویت بخش خصوصی یکی دیگر از وعده‌های دولت سیزدهم بود. رئیسی از جمله در رقابت‌های انتخاباتی در نشست‌ی در «اتاق ایران» مدعی شده بود که «بازار را باید در تصمیم‌سازی و تصمیم‌گیری سهیم کرد تا تصمیمات اجرایی باشند»، «تصمیمات خلق الساعه و لحظه‌ای، اقتصاد

نامزدی شاهدخت ایمان پهلوی و برد شرمین



خانواده شاهزاده رضا پهلوی و بانو یاسمین در مراسم نامزدی دومین دخترشان ایمان / ۴ اوت ۲۰۲۳

سوی خود و همسرش بانو یاسمین در اینستاگرام منتشر شد همراه با یک عکس خانوادگی از مراسم نامزدی نوشت: «با خوشحالی، نامزدی دخترمان ایمان با آقای بردلی شرمین را به



شاهدخت نور پهلوی و برد شرمین / ۴ اوت ۲۰۲۳

اطلاع هم‌میهنان عزیز می‌رسانیم. از تمام پیام‌های شادباش شما سپاسگزاریم و مشتاقانه در انتظار این فصل جدید در زندگی ایمان هستیم.» نور و فرح، خواهران ایمان، نیز در پست‌های اینستاگرامی با انتشار عکس و ویدئوهایی از این نامزدی، برای وی و نامزدش آرزوی خوشبختی کردند.

مراسم نامزدی ایمان پهلوی و برد شرمین در جمع خصوصی و خانوادگی و بسیار ساده و خودمانی برگزار شد. این نامزدی در رسانه‌های اجتماعی بازتاب گسترده داشت و کاربران ایرانی با انتشار ویدئو و عکس‌های آن برای این زوج جوان آرزوی خوشبختی کردند. برخی از کاربران هم با شادی و امید نوشتند که عروسی نبیره رضاشاه بزرگ و نوه شاه فقید را در ایران جشن خواهند گرفت.

● شاهدخت ایمان پهلوی جمعه ۴ اوت در یک مراسم خصوصی به خواستگاری بردلی شرمین که از مدت‌ها قبل با هم دوستی داشته‌اند، پاسخ مثبت داد. وی در ویدئویی که خواهر بزرگترش، نور، در اینستاگرام منتشر کرده، دستش را که حلقه‌ای نقره‌ای با طرح قطره بر انگشت دارد نشان می‌دهد.

● شاهزاده رضا پهلوی در پیام کوتاهی که یکشنبه ۶ اوت از سوی خود و همسرش بانو یاسمین در اینستاگرام منتشر شد نوشت: «با خوشحالی، نامزدی دخترمان ایمان با آقای بردلی شرمین را به اطلاع هم‌میهنان عزیز می‌رسانیم. از تمام پیام‌های شادباش شما سپاسگزاریم و مشتاقانه در انتظار این فصل جدید در زندگی ایمان هستیم.»

روز شنبه ۵ اوت ۲۰۲۳ برابر با ۱۴ مرداد ۱۴۰۲ خبر نامزدی شاهدخت ایمان در صفحه اینستاگرام خواهرش شاهدخت نور فرزند ارشد شاهزاده رضا پهلوی و بانو یاسمین منتشر شد.

شاهدخت ایمان پهلوی جمعه ۴ اوت در یک مراسم خصوصی به خواستگاری بردلی شرمین که از مدت‌ها قبل با هم دوستی داشته‌اند، پاسخ مثبت داد. وی در ویدئویی که خواهر بزرگترش، نور، در اینستاگرام منتشر کرده، دستش را که حلقه‌ای نقره‌ای با طرح قطره بر انگشت دارد نشان می‌دهد.

ایمان دومین فرزند شاهزاده رضا پهلوی و بانو یاسمین در ۲۱ شهریور ۱۳۷۲ خورشیدی در شهر واشنگتن ایالات متحده آمریکا به دنیا آمد. او دو خواهر به نام‌های نور و فرح دارد. وی تحصیلات خود را در مدرسه بین‌المللی در مرینلند گذراند. سپس در دانشگاه میشیگان دو مدرک لیسانس در رشته ارتباطات و همچنین روانشناسی دریافت کرد. او از مدیران ارشد در بخش بازاریابی شرکت «آمریکن اکسپرس» است. برد شرمین در دانشگاه آریزونا در رشته مدیریت بازرگانی تحصیل کرده و رئیس شرکت «لاکی» است که در زمینه داده‌ها و تکنولوژی فعالیت دارد.

شاهزاده رضا پهلوی در پیام کوتاهی که یکشنبه ۶ اوت از

دوران سیاه روزنامه‌نگاری در ایران؛ رئیس: افتخار نظام آزادی قلم و بیان است!

● دست‌کم ۹۵ روزنامه‌نگار از شهریورماه ۱۴۰۱ همزمان با آغاز اعتراضات جنبش ملی تا کنون در ایران بازداشت شده‌اند که دست‌کم ۲۴ نفر از این خبرنگاران بازداشتی، زن هستند.

● «فشارهای رسمی و غیررسمی، نگاه توأم با بدبینی به عملکرد رسانه‌ها، احضار، بازداشت، بازجویی مکرر و تفهیم اتهامات تکراری نشان می‌دهد که روزنامه‌نگاری حرفه‌ای در ایران در وضعیتی بغرنج و وخیم گرفتار است.»

● ایران از لحاظ آزادی رسانه‌ها در میان ۱۸۰ کشور جهان در جایگاه ۱۷۷ قرار گرفته است. وضعیت آزادی رسانه‌ها تنها در سه کشور ویتنام، چین و کره شمالی از ایران بدتر است.

در حالی که حدود ۱۰۰ روزنامه‌نگار در ماه‌های گذشته در ایران بازداشت شدند و شماری از آنها همچنان در زندان بس می‌برند، سیدابراهیم رئیسی که خود معروف به «قاضی مرگ» است، مدعی شده «از افتخارهای نظام اسلامی آزادی قلم و بیان است!»

در تقویم جمهوری اسلامی ایران ۱۷ مرداد به عنوان روز خبرنگار نامگذاری شده است و مناسبت این نامگذاری به کشته شدن محمود صارمی مسئول دفتر خبرگزاری جمهوری اسلامی توسط طالبان در مزارشریف افغانستان باز می‌گردد که در ۱۷ مرداد سال ۱۳۷۷ به همراه هشت تن از اعضای کنسولگری ایران در این شهر کشته شد.

روزنامه‌نگاران و خبرنگاران در خود ایران نیز بیش از چهار دهه است که با انواع تهدیدهای قضایی و امنیتی و جانی از سوی جمهوری اسلامی روبرو هستند. آمارها نشان می‌دهد طی ماه‌های گذشته و از ابتدای اعتراضات سال ۱۴۰۱ که از شهریورماه گذشته آغاز شد تا کنون حدود ۱۰۰ روزنامه‌نگار بازداشت شدند که شماری از آنها همچنان در زندان بسر می‌برند. همچنین ده‌ها روزنامه‌نگار دیگر طی این مدت با احضار و تماس تلفنی، بازجویی و تهدید شده‌اند.

نیلوفر حامدی و الهه محمدی دو روزنامه‌نگاری که گزارش‌هایی از به‌کما رفتن مهسا امینی و مراسم خاکسپاری او منتشر کرده بودند اکنون ۳۲۰ روز است که بدون صدور حکم و به‌عنوان «بازداشت موقت» در زندان بسر می‌برند. چند روز پس از آغاز اعتراضات سراسری به قتل حکومتی مهسا امینی و در پامداد ۳۱ شهریور مأموران با حضور در منزل نیلوفر حامدی او را بازداشت کردند، همان روز وسایل الکترونیکی الهه محمدی هم ضبط شد اما بازداشت این روزنامه‌نگار یک هفته بعد صورت گرفت.

سخنگوی قوه قضاییه جمهوری اسلامی دهم مرداد امسال درباره پرونده نیلوفر حامدی و الهه محمدی مدعی ←

دولتمردان نقشی اجرا نمی‌کنند از همین رو تا حکومت دیدگاه خود را در مورد لزوم و وجود حضور رسانه‌های رسمی غیردولتی تغییر ندهد، چشم‌انداز روشنی برای تغییر این وضعیت وجود نخواهد داشت.»

فهرست آزادی بیان قرار دارد، چه معنی دارد؟! روز خبرنگار چه معنی دارد وقتی عرصه را به بولتن‌نویس‌های دولتی و فاسد واگذار کرده‌اید و هر خبرنگاری صدای مردم کشورش شد، زیر فشار قرار دادید؟ روز خبرنگار چه معنی دارد وقتی

شد موضوع اتهامی این دو خبرنگار ارتباطی با گزارش مرگ خانم مهسا امینی و حرفه خبرنگاری آنها ندارد. وی گفت نیلوفر حامدی و الهه محمدی با آمریکا همکاری داشته‌اند. نازیلا معروفیان روزنامه‌نگار و بسایت خبرنگار «رویداد



اکبر منتجبی رئیس هیات‌مدیره انجمن صنفی روزنامه‌نگاران استان تهران نیز گفته «در یک سال گذشته شرایط برای رسانه‌ها و به صورت مشخص خبرنگاران همچنان سخت است» و این مدت را «دوران سیاه روزنامه‌نگاری» خوانده است.

روزنامه «هم‌میهن» نیز صفحه نخست روز ۱۷ مرداد خود را به مناسبت روز خبرنگار به تصویری از الهه محمدی و نیلوفر حامدی، مزین کرد و در یادداشتی با عنوان «خبرنگاران تنهاتر از همیشه» نوشت: «روزنامه‌نگاری این روزها از سخت و زیان‌آور گذشته و شغلی پرخطر شده. سختی کار روزنامه‌نگار به شرایط جامعه برمی‌گردد و در جامعه‌ای که هیچ چیز سرجای خودش نیست و به هر حوزه‌ای که نگاه می‌کنیم با انبوهی از مشکلات روبرو می‌شویم و مردم از هر سو ناراضی هستند اما برای نوشتن درد آنها باید به تک‌تک واژه‌ها توجه کنیم که مبدا اطلاع‌رسانی ما مسئله‌ای ایجاد کند.»

وبسایت «خبرآنلاین» نیز در مطلبی به مناسبت روز خبرنگار در ایران نوشته که «اوضاع برای رسانه‌ها چنان سخت شده که حالا مدیران آن میان دو گزینه سرگرداند: اینکه آیا باید از حرفه و مسئولیت‌های مترتب بر کار رسانه دفاع کنند؟ یا از نیروهای خود که به دلیل انجام وظایف حرفه‌ای با آسیب‌های ناگهانی روبرو می‌شوند؟»

این مطلب افزوده که «روز خبرنگار امکانی است برای تعارف‌های معمول و گفتن جملات قصار از جایگاه خبرنگار به عنوان پرتو افکن نور در تاریکی‌ها و سخنانی پرطمطراق از این دست اما نظام سیاسی لازم است، تعریف روشنی از موقعیت و جایگاه رسانه‌ها ارائه کند چرا که تفکرات جامانده در گذشته، دیر یا زود درخواهند یافت که در زمانه حاضر نمی‌توان تفاوت‌ها را تا همیشه به رسمیت شناخت و با آن ستیز دائم داشت.»

«سازمان گزارشگران بدون مرز» پیشتر در گزارشی اعلام کرده بود که ایران از لحاظ آزادی رسانه‌ها در میان ۱۸۰ کشور جهان در جایگاه ۱۷۷ قرار گرفته است. بر این اساس، وضعیت آزادی رسانه‌ها تنها در سه کشور ویتنام، چین و کره شمالی از ایران بدتر است.

قلم در خفقان است؟! انجمن صنفی روزنامه‌نگاران استان تهران در بیانیه‌ای به مناسبت روز خبرنگار با اشاره به بازداشت حدود ۱۰۰ روزنامه‌نگار در ماه‌های گذشته از ادامه «دوران سیاه روزنامه‌نگاری» در ایران خبر داده است.

در این بیانیه آمده که «در یک سال اخیر و به ویژه پس از حوادث سال ۱۴۰۱ نهادهای دولتی مسئولیت بخشی از مشکلات به وجود آمده را مطابق یک روش تکراری و بدون زمینه عینی و عقلانی بر دوش رسانه‌های رسمی و منتشرکنندگان اخبار انداختند. فشارهای رسمی و غیررسمی، نگاه توأم با بدبینی به عملکرد رسانه‌ها، احضار، بازداشت، بازجویی مکرر و تفهیم اتهامات تکراری نشان می‌دهد که روزنامه‌نگاری حرفه‌ای در ایران در وضعیتی بغرنج و وخیم گرفتار است.»

انجمن صنفی روزنامه‌نگاران استان تهران همچنین با یادآوری بازداشت و اتهامات الهه محمدی و نیلوفر حامدی نوشته که «سخنگوی قوه قضاییه اخیرا اعلام کرده که این دو خبرنگار به دلیل انتشار گزارش‌های مربوط به کشته شدن مهسا امینی بازداشت نشده‌اند و وعده داده که به زودی گزارشی از همکاری این دو نفر با دولت آمریکا منتشر می‌کنند که بیان این سخنان پیش از صدور رای قاضی دادگاه بر شائبه‌ها و نگرانی‌های خانواده‌ها و جامعه روزنامه‌نگاری افزوده است.»

در بخش دیگری از بیانیه انجمن صنفی روزنامه‌نگاران تأکید شده که «به نظر می‌رسد روزنامه‌نگاری در ایران اسیر نگاهی رسمی است که ایشان را نه رکن اصلی مردم‌سالاری و مبارزه با فساد و نیروی محرکه توسعه و مانع خطاهای بزرگ در برنامه‌ریزی و اجرا، بلکه مخل فضای مطلوب صاحبان قدرت و وابسته به بیگانه یا دارای همدلی با بیگانگان و موجب تنش در فضای جامعه می‌داند.»

انجمن صنفی روزنامه‌نگاران استان تهران در ادامه نوشته که «نبود درک تفاوت رسانه رسمی با رسانه دولتی باعث شده تا مبالغه‌های هنگفت بودجه کشور صرف رسانه‌های دولتی‌ای شود که بجز ایجاد شکاف اجتماعی و فراهم آوردن زمینه فساد بیشتر و از همه مهمتر ایجاد زمینه خودفریبی

۲۴» که مصاحبه‌ای با پدر مهسا امینی انجام داده بود طی ماه‌های گذشته دو بار بازداشت شده است. او یکبار در آبان سال گذشته بازداشت و در زمستان همان سال آزاد شد. این روزنامه‌نگار در بهمن‌ماه گذشته به دو سال حبس تعزیری، ۵ سال ممنوع‌الخروجی و ۱۵ میلیون تومان جریمه محکوم شد.

بازداشت دوم نازیلا معروفیان در تیرماه امسال و پس از مراجعه به دادسرا اتفاق افتاد. پیش از بازداشت نازیلا نیروهای اطلاعات به منزل او وارد شده و لپ‌تاپ و گوشی او را مصادره کرده و منزل او را تفتیش کردند.

آمارها نشان می‌دهد که دست‌کم ۹۵ روزنامه‌نگار از شهریورماه ۱۴۰۱ و همزمان با آغاز اعتراضات جنبش ملی تا کنون در ایران بازداشت شده‌اند که دست‌کم ۲۴ نفر از این خبرنگاران بازداشتی، زن هستند. همزمان ده‌ها روزنامه‌نگار دیگر نیز به صورت تلفنی یا احضار به نهادهای امنیتی بازجویی و تهدید شده و زیر فشار امنیتی قرار دارند. در چنین شرایطی جمهوری اسلامی در حال حاضر ایران را به بزرگترین زندان روزنامه‌نگاران و روزنامه‌نگاران زن در جهان تبدیل کرده است.

در حالی که فضا بر روزنامه‌نگاران به ویژه در یکسال گذشته به شدت تنگ شده، ابراهیم رئیسی روز سه‌شنبه ۱۷ مرداد همزمان با روز خبرنگار در سخنانی عجیب و دروغ ادعا کرد که «از افتخارهای نظام اسلامی آزادی قلم و بیان است. آزادی بیان و قلم را تضمین کرده‌ایم و این به برکت خون شهداست. آزادی‌های مشروع در کشور تضمین شده است.» رئیس دولت سیزدهم با بیان این ادعای دروغ که «در ایران [جمهوری اسلامی] حقوق افراد محفوظ است و با حفظ همه این حقوق باید به آزادی افتخار کرد» گفت که «باید به آزادی مطبوعات افتخار کنیم. در مقاطعی از انقلاب اسلامی کسانی فریادهایی زدند که بیشتر از هرکس از این آزادی بهره برده‌اند. ما تضمین این آزادی را از جمله وظایف خود می‌دانیم.»

مریم شکرانی دبیر اقتصادی روزنامه «شرق» با بیان اینکه «روز خبرنگار چه معنی دارد وقتی قلم در خفقان است»، در توییتری نوشت: «روز خبرنگار در کشوری که در قعر

ادعای علی خامنه‌ای در جمع پرسنل نیروی دریایی ارتش: «در دوره ننگین پهلوی شناختی از ظرفیت دریاها وجود نداشت!»



بازدید محمدرضا شاه فقید از پایگاه دریایی بوشهر

قدردمندترین نیروهای دریایی را در منطقه داشت. قدرت و امکانات نیروی دریایی ارتش شاهنشاهی آنقدر زیاد بود که حتا با وجود وضعیت آشفته ارتش و اعدام و بازداشت دهها فرمانده و افسر متخصص بعد از انقلاب اسلامی، به اعتراف شهram ایرانی فرمانده فعلی نیروی دریایی جمهوری اسلامی در «عملیات مروارید» همان سال ۱۳۵۹ نیروی دریایی ارتش عراق منهدم شد.

ناخدا یکم هوشنگ صمدی فرمانده گردان تکاوران نیروی دریایی ارتش در دوران جنگ روایت می‌کند این گردان ۳۴ روز پشت دروازه‌های خرمشهر مقابل لشکر پیاده و زرهی صدام حسین ایستادگی کردند. تمام این افراد دوره‌دهی ارتش در دوران پهلوی بودند.

افسران نیروی دریایی اغلب در انگلیس، آلمان، ایتالیا و آمریکا دوره می‌دیدند و جدیدترین تجهیزات از ناوهای رزمی تا زیردریایی و هاورکرافت برای نیروی دریایی خریداری شده بود.

بخش دیگر سخنرانی رهبر جمهوری اسلامی مربوط به برگزاری مراسم عزاداری ماه محرم بود. وی در این ارتباط عنوان کرد «با وجود سعی و تلاش دشمنان برای بی‌رونق کردن محرم، امسال به برکت توجهات حضرت بقیه‌الله و درست در نقطه مقابل خواست دشمنان، دهه عاشورا پرشورتر، پر رونق‌تر و پرفایده‌تر از سال‌های قبل بود که نشان می‌دهد خداوند به هر کاری در مسیر اهداف الهی باشد، کمک می‌کند.» این ادعا نیز در حالیست که در بسیاری از هیأت‌های عزاداری علیه علی خامنه‌ای و نظام مداحی شد و حتا تعدادی از دسته‌های زنجیرزنی به خانواده‌های جانبختگان خیزش ضدحکومتی اخیر ادای احترام کردند. برخی اعضای این هیأت‌ها در روزهای اخیر از سوی نیروهای امنیتی مورد تهدید و فشار قرار گرفته و برخی حتا بازداشت شده‌اند.

علی خامنه‌ای حضور دریایی جمهوری اسلامی در مناطق دوردست و اقیانوس‌های آرام و اطلس را حضوری امنیت‌ساز خواند و توضیح داد: «ویژه‌خواری در مسائل عمومی بشریت جزو خصوصیات آمریکا و ابرقدرت‌ها است و اگر



دیدار علی خامنه‌ای با فرماندهان و پرسنل نیروی دریایی ارتش جمهوری اسلامی

بتوانند حتی دریاها را هم به نام خود سند می‌زنند تا دست دیگران از آنها کوتاه شود اما شما با حضور خود و مقابله با اقدامات خصمانه آنها برای ناکامی یا تخریب این سفر، ثابت کردید که دریاهای آزاد متعلق به همه است.» خامنه‌ای در حالی ادعا می‌کند که در دوران پهلوی شناختی از دریا و ظرفیت‌های آن وجود نداشت که ایران یکی از

رهبر جمهوری اسلامی در دیدار با پرسنل نیروی دریایی ارتش گفته «امروز آمریکایی‌ها به نفتکش‌ها تعرض می‌کنند، به باندهای قاچاق دریایی کمک می‌کنند [که] این تخلف بزرگ آنهاست که در منطقه‌ی ما این کار انجام می‌گیرد.»

وی با اشاره اقدامات نیروی دریایی ارتش و سپاه پاسداران انقلاب اسلامی گفت درس اول دریانوردی «خداشناسی» است! وی درس دیگر را درس انقلاب دانست و گفت «در دوره ننگین پهلوی و قاجار، با وجود سواحل و امکانات دریایی فراوان، شناختی از دریا و ظرفیت‌های آن در کشور وجود نداشت و نیروی دریایی نیز به کارهای دیگری سرگرم بود.»

خامنه‌ای در حالی ادعا می‌کند که در دوران پهلوی شناختی از دریا و ظرفیت آن وجود نداشت که ایران یکی از قدرتمندترین نیروهای دریایی را در منطقه داشت. قدرت و امکانات نیروی دریایی ارتش شاهنشاهی آنقدر زیاد بود که حتا با وجود وضعیت آشفته ارتش و اعدام و بازداشت دهها فرمانده و افسر متخصص بعد از انقلاب اسلامی، به اعتراف شهram ایرانی فرمانده فعلی نیروی دریایی جمهوری اسلامی در «عملیات مروارید» همان سال ۱۳۵۹ نیروی دریایی ارتش عراق منهدم شد.

رهبر جمهوری اسلامی در دیدار با فرماندهان ارتش و پرسنل نیروی دریایی ارتش ادعا کرد که نیروی دریایی آمریکا علاوه بر تعرض به نفتکش‌ها به باندهای قاچاق دریایی کمک می‌کند. وی همچنین در ادامه «جهاد تبیین» خود مدعی شد که در دوره ننگین پهلوی و قاجار شناختی از دریا و ظرفیت آن وجود نداشت!

علی خامنه‌ای روز یکشنبه ۱۵ مرداد پا تمجید از «ناوگروه ۸۶ نیروی دریایی ارتش» برای انجام ماموریت در آب‌های آزاد اقیانوسی گفت: «شما نشان دادید که دریای آزاد متعلق به همه است و اینکه می‌گویند ما اجازه نمیدهیم فلان کشتی‌ها از فلان تنگه‌ها عبور کنند غلط زیادی است.» این در حالیست که خود وی و مقامات جمهوری اسلامی بارها کشورهای منطقه و غربی را تهدید به بستن تنگه‌ی هرمز کرده‌اند!

وی ادعا کرد «امروز آمریکایی‌ها به نفتکش‌ها تعرض می‌کنند، به باندهای قاچاق دریایی کمک می‌کنند [که] این تخلف بزرگ آنهاست که در منطقه‌ی ما این کار انجام می‌گیرد در جاهای دیگر کم و بیش اطلاع داریم که انجام می‌دهند اینها نقض یک قانون بشری بین‌المللی غیر قابل اغماض است.»

وی با اشاره اقدامات نیروی دریایی ارتش و سپاه پاسداران انقلاب اسلامی گفت درس اول دریانوردی «خداشناسی» است! وی درس دیگر را «درس انقلاب» دانست و گفت «در دوره ننگین پهلوی و قاجار، با وجود سواحل و امکانات دریایی فراوان، شناختی از دریا و ظرفیت‌های آن در کشور وجود نداشت و نیروی دریایی نیز به کارهای دیگری سرگرم بود اما انقلاب دریا و دریانوردی را از تعطیلی و فراموشی خارج کرد بنابراین این دانایی، توانایی، همت، جسارت و اعتماد به نفس شما در این اقدام بزرگ، هدیه انقلاب به ایران است.»

ادعای رئیس کمیسیون انرژی مجلس شورای اسلامی: ایران در دوران پهلوی در مسیر توسعه و خودکفایی نبود!



بازدید محمدرضاشاه پهلوی از صنایع اتومبیل سازی

رسیده، اعدام شد!
 بر اساس گزارش «مرکز اسناد انقلاب اسلامی» قبل از انقلاب ۵۷، نخستین قدم جدی برای توسعه فناوری هسته‌ای در ایران در اواسط دهه ۳۰ و با حمایت ایالت متحده برداشته شد. همچنین در سال ۱۹۷۷ دولت بریتانیا با محمدرضاشاه پهلوی وارد مذاکرات محرمانه برای ساخت ۲۰ نیروگاه هسته‌ای شده بود.

پیش از انقلاب ۵۷ دولت شاهنشاهی ایران علاوه بر شرکت‌های بزرگ آمریکایی با چند شرکت بزرگ آلمانی و فرانسوی برای توسعه صنایع اتمی و نیروگاه‌های هسته‌ای و ساخت رآکتور همکاری داشت.

در سال ۱۳۵۳ سازمان انرژی اتمی ایران (AEOI) تشکیل شد، مرکز تحقیقات اتمی دانشگاه تهران تحت نظارت این سازمان قرار گرفت و اکبر اعتماد به ریاست آن منصوب شد. هدف از تأسیس این سازمان، منظم ساختن برنامه‌های هسته‌ای ایران بود. متعاقب تأسیس سازمان انرژی اتمی تعداد نیروهای شاغل در سازمان به شدت افزایش یافت و در سال ۱۳۵۷ به ۴ هزار و ۴۰۰ نفر رسید.

اکبر اعتماد دی‌ماه ۱۳۹۲ در یک مصاحبه گفته بود «در گذشته ساخت رآکتور آب سنگین در دستور کار ما نبود، علاوه بر این در آن مقطع با دنیا ارتباط خوبی داشتیم و نیازی به حرکت و برنامه‌ریزی بر روی رآکتورهای آب سنگین نبود.»
 حامیان انقلاب ارتجاعی سرخ و سیاه متشکل از مذهب‌یون و مارکسیست‌ها و چپ‌های سنتی ساخت نیروگاه اتمی را «خیانت آشکار به خلق ما» می‌دانستند.

در هفته‌های اخیر در آستانه نخستین سالگرد خیزش ملی مقامات حکومتی کارزار تازه‌ای علیه پهلوی‌ها به راه انداخته‌اند. علی‌خامنه‌ای رهبر جمهوری اسلامی ۱۵ امرداد در جمع پرسنل نیروی دریایی ارتش ادعا کرد «در دوره ننگین پهلوی شناختی از ظرفیت دریاها وجود نداشت!»

رتبه اول تولید برق قرار دارد و حدود ۷۵ درصد از برق خود را از طریق صنعت هسته‌ای تأمین می‌کند، اما ایران به دلیل اینکه از نظر فناوری در دوران پهلوی عقب‌افتادگی داشت و رشد صنعتی چندانی نداشت از کشورهایی همچون فرانسه عقب ماند.»

وی مدعی شده «ما در دوران پهلوی صرفاً با دکل‌های نفتی خارجی نفت خود را استخراج و صادر می‌کردیم و همین موضوع هم باعث رفاه عده‌ای از کارمندان دولت شده بود، اما در نهایت هیچ اقدام تحقیق و توسعه‌ای که منجر به خودکفایی در صنایع کلیدی مانند صنعت هسته‌ای شود، صورت نمی‌گرفت.»

عباسی دوانی که خودش اعتراف می‌کند از سیستماتیک کردن پروژه‌های نظامی اتمی محسن فخری‌زاده پشتیبانی می‌کرده می‌افزاید: «ما هیچوقت در دوران پهلوی در مسیر ساخت رآکتور هسته‌ای قرار نگرفته بودیم... هیچ زمینه‌ای در ساخت رآکتور اعم، از الکترونیک، متالوژی، فنی مهندسی و مکانیک نداشتیم» و همه اینها «بعد از دوران غرورآفرین دفاع مقدس [جنگ عراق و ایران] در کشور ایجاد شد، سختی‌های جنگ تحمیلی سبب شد که دانشمندان به فکر خودکفایی کشور در زمینه‌های گوناگون از جمله صنعت هسته‌ای بیفتند.» این ادعاها در شرایطی مطرح می‌شود که عمده زیرساخت‌های صنعتی در ایران از جمله در صنایع مادر و صنایع سنگین مانند مس و فولاد، ذوب‌آهن، پالایشگاه‌های نفتی و سکوها، پتروشیمی و همچنین اتومبیل‌سازی همگی دستاوردهای دوران توسعه در حکومت پهلوی است.

در حالی که عباسی دوانی مدعی شده در دوران پهلوی اقدامی برای توسعه صنعت اتمی نشد فقط در یک فونه عباسعلی خلعتبری وزیر خارجه در دولت هویدا به جرم تلاش برای اتمی کردن ایران و احداث نیروگاه هسته‌ای توسط جمهوری اسلامی که عباسی دوانی در آن به مقام و منصب

● پاسدار فریدون عباسی دوانی که در دولت محمود احمدی‌نژاد رئیس سازمان انرژی اتمی جمهوری اسلامی بود گفته ایران به دلیل اینکه از نظر فناوری در دوران پهلوی عقب‌افتادگی داشت در تولید برق اتمی از کشورهایی همچون فرانسه عقب ماند.

● وی همچنین مدعی شده «ما در دوران پهلوی صرفاً با دکل‌های نفتی خارجی نفت خود را استخراج و صادر می‌کردیم و همین موضوع هم باعث رفاه عده‌ای از کارمندان دولت شده بود، اما در نهایت هیچ اقدام تحقیق و توسعه‌ای که منجر به خودکفایی در صنایع کلیدی مانند صنعت هسته‌ای شود، صورت نمی‌گرفت.»

● این نماینده مجلس اسلامی که سابقه پشتیبانی از برنامه‌های اتمی نظامی جمهوری اسلامی را دارد گفته «ما هیچوقت در دوران پهلوی در مسیر ساخت رآکتور هسته‌ای قرار نگرفته بودیم... هیچ زمینه‌ای در ساخت رآکتور اعم، از الکترونیک، متالوژی، فنی مهندسی و مکانیک نداشتیم» و همه اینها بعد از جنگ ایجاد شد.

● در حالی که عباسی دوانی مدعی شده در دوران پهلوی اقدامی برای توسعه صنعت اتمی نشد فقط در یک فونه عباسعلی خلعتبری وزیر خارجه در دولت هویدا به جرم تلاش برای اتمی کردن ایران و احداث نیروگاه هسته‌ای توسط جمهوری اسلامی که عباسی دوانی در آن به مقام و منصب رسیده، اعدام شد!

فریدون عباسی دوانی رئیس کمیسیون انرژی مجلس شورای اسلامی می‌گوید «در دوران پهلوی کشور در مسیر توسعه صنعتی و خودکفایی قرار نداشت.»

پاسدار عباسی دوانی که در دولت محمود احمدی‌نژاد رئیس سازمان انرژی اتمی جمهوری اسلامی بود، پنجشنبه ۱۹ امرداد در مصاحبه با وبسایت «دفاع پرس» با اشاره به تأکیدات علی‌خامنه‌ای به تولدی برق هسته‌ای توضیح داده که «فرانسه در

نامه‌ای از فریدون فرخزاد به پرویز خطیبی: «برای گذران زندگی، عمر لازم نیست، شهامت لازم است»



بعد، مدت کوتاهی پیش از قتل فجیع فرخزاد، نامه‌ای از این شاعر، بازیگر و شومن فقید به دست خطیبی رسید که عینا در همان نشریه به چاپ رسید.

خطیبی در مقدمه این نامه نوشته بود: «آنچه که من درباره فریدون فرخزاد نوشتم همان مطلبی بود که بایستی نوشته می‌شد و شخصا معتقدم که نسبت به او نه زیاده‌روی کرده‌ام و نه امساک بخرج داده‌ام. اصولا ذکر خاطرات به معنی تجلیل و یا تخفیف کسی نیست. خاطرات ما درواقع همان واقعیاتی است که رخ داده و بعد از گذشت یک زمان نسبتا طولانی، بازگو کردن آن سپردن وقایع مهم به آرشیو تاریخ است. من سال‌هاست که فرخزاد را ندیده‌ام. پس از آنکه او به لس آنجلس کوچ کرد و با مسائل گوناگونی درگیر شد و باز به اروپا برگشت، خیرش را از پاریس و آلمان داشتم تا دوهفته پیش که سردبیرنشریه جوانان بسته‌ای را که از سوئد رسیده بود به من داد. این بسته محتوی نامه‌ای بود از فریدون فرخزاد با یک جلد کتاب شعر او به نام «در نهایت جمله آغاز است عشق». نامه را که خواندم به شدت تحت تاثیر قرار گرفتم زیرا شیوه نوشتن و کلمات و جملات آن نشان می‌داد که نویسنده با کمال صفا و صداقت از روزهایی حرف می‌زند که به حکم قضا و قدر من و او بر سر راه یکدیگر قرار گرفته بودیم. فرخزاد در این نامه ثابت می‌کند که نسبت به هرکسی که روزگاری دستش را گرفته حق شناس است و این صفت او بیش از آنکه مایه دلخوشی من و امثال من باشد، نشان‌دهنده طبع لطیف و احساسات یک هنرمند است که روزگاری چه در داخل و چه در خارج از ایران مطرح بوده است. دریغم آمد که شما خوانندگان عزیز این نامه زیبا را نخوانید.»

«پرویز خطیبی عزیزم،

چند روز قبل در سوئد رفیقی آمد و مجله جوانان را آورد که شما در آن خاطراتی از من نوشته بودید. خاطراتی که مرا سال‌ها به عقب بازگرداند و چیزهایی را در درونم بیدار کرد که مدت‌ها پیش از یاد برده بودم. نه فقط محله ←

عشق باقی نمی‌ماند. این عشق هم مدرسه و مکتب ندارد بلکه یا در درون یک موجود زنده وجود دارد یا ندارد.»
● «آنکه سعی داشت یا سعی دارد و یا سعی خواهد کرد که با زشتی و با دست زدن به هر عملی روز خود را به شب برساند، جز شب نخواهد دید و آنکه در تاریکی و در میان اینهمه بوی تعفن بعضی از موجودات نور را شناخت دیگر آن را هرگز از دست نخواهد داد.»

در سال‌های بین ۱۹۹۱ و ۱۹۹۳، پرویز خطیبی نویسنده، روزنامه نگار و طنزپرداز فقید خاطرات هنری خود را بطور هفتگی در مجله «جوانان» لس آنجلس به چاپ می‌رساند که قسمتی از آن به فریدون فرخزاد مربوط می‌شد. چندی

● فریدون فرخزاد در نامه به پرویز خطیبی: «شما زمانی که آمدید (و آن روزگاری بود که جامعه ما هنوز هنر و هنرمند را کامل نمی‌پذیرفت) درد سیار بردید. من از روی جاده‌ای که شما صاف کرده بودید عبور کردم، درد کمتری کشیدم، ولی این سعادت را به دست آوردم که درد، آنهم دردی از جامعه خودی را بشناسم.»

● «امروز که هزاران هزار نفر را به سالن‌های کنسرت می‌کشانم و این مدرک ذهنی را پیدا کرده‌ام که علاوه بر ساعت‌ها خواندن، ساعت‌ها نیز سخن بگویم، باز هم فقط به یک نتیجه رسیده‌ام که ابتدا و انتهای زندگی انسان عشق و آگاهی به معرفت عشق است و از انسان هیچ چیز جز



پرویز خطیبی نویسنده، روزنامه نگار و طنزپرداز با همسرش زینت مؤدب هنرپیشه نخستین فیلم سینمایی ناطق که در ایران ساخته شد

بازنشسته

باغبانی صدام

خیراندیش (احمد احرار)

(کیهان لندن شماره ۱۰۱۸) مرداد ۱۳۸۳



جنگ اول جهانی که به روسیه هم درگیر آن بود - شورشهای انقلابی شروع شد ترجیح داد تاج و تخت را به برادرش واگذار کند و برود در گوشه‌ای، بقیه سالهای زندگی را به آرامی بگذراند. توفان حوادث اما این محاسبه را به هم زد. «میشل» اوضاع را وخیمتر از آن دید که بتواند بر بحران غلبه کند. او نیز به تشویق «کرنسکی» فرمانی صادر کرد و در آن نوشت «اینجانب چون مانند سایر هموطنان سعادت کشور بزرگ خود را مافوق همه آمال و آرزوها می‌دانم قبول مسئولیت را به تشکیل مجلس مؤسسان که با اراده ملت، قوانین اساسی کشور را تدوین خواهد کرد، موکول می‌کنم». مجلس مؤسسان البته تشکیل نشد. «کرنسکی» وکیل سوسیال رولوسیونر «دوما» که با نطقهای آتشین خود شهرتی بهم زده و قدرت و نفوذی پیدا کرده بود در رأس حکومت قرار گرفت و حکومت او نیز با حمله بلشویکها به کاخ زمستانی پطروگراد (محل اقامت کرنسکی و تشکیل هیأت وزیران) فرو ریخت.

از روز هشتم نوامبر ۱۹۱۷ قدرت به دست بلشویکها افتاد. زندگی البته بر خانواده پیشین سلطنتی سخت شد اما احتمال کشتار آنها نمی‌رفت (برخلاف آنچه که در جریان کودتای عبدالکریم قاسم در عراق رخ داد) تزار نیکلای دوم به توپولسک و سپس به یکتاترینبورگ تبعید شد. تبعیدی کم و بیش محترمانه. او برای حکومت جدید، که رهبری آن را یک تبعیدی سابق بنام ولادیمیر ایلیچ «لنین» برعهده گرفته بود نامه‌ای نوشت و درخواست کرد به وی اجازه دهند به لیوادیایا - سواحل دریای سیاه در کریمه - برود و باقی عمر را در باغهای آنجا به پرورش گل و گیاه بگذراند و دعاگو باشد.

نامه تزار در کرملین - کاخ سلاطین تزاری در مسکو که به مقر حکومت انقلابی تبدیل شده بود - مورد بحث قرار گرفت. لنین شخصاً مخالفتی نداشت ولی با موج خشم و اعتراض انقلابیون تندروتر از رهبر انقلاب روبرو شد که می‌گفتند مگر ما انقلاب کرده‌ایم که تزارها باغبانی کنند؟! رأی گرفتند. درخواست تزار رد شد. بقیه‌اش را هم که می‌دانید. تزار نگوینخت شانس بهره‌گیری از مواهب «دموکراسی وارداتی» را نداشت...

شایع شده بود که صدام حسین در زندان آمریکاییها دچار سکنه مغزی شده و لکنت زبان پیدا کرده و از اشتها افتاده است.

حرف زدنش را در فیلمی که از جلسه تفهیم اتهام و گفت و شنود او با قاضی عراقی گرفته بودند دیدیم. ماشاءالله هم سر حال و قیافه بود - به عکس زمان دستگیری - هم قرص و محکم حرف می‌زد. درباره اشتها، او، و اشتغالات روزانه‌اش نیز به طوری که بختیار امین وزیر حقوق بشر دولت موقت عراق گزارش می‌دهد، جای نگرانی نیست.

بختیار امین که با صدام حسین در زندان دیدار داشته است می‌گوید او برنامه مرتبی برای ورزش روزانه دارد. قرآن می‌خواند. شعر می‌گوید و در باغچه کوچک نزدیک زندان گل و گیاه پرورش می‌دهد. در مورد رژیم غذایی خود سخت مراقب است ولی نسبت به انواعی از شیرینیهای آمریکایی علاقه خاص پیدا کرده است.

«دموکراسی وارداتی» برای ملت عراق چه ارمغانی داشته باشد هنوز معلوم نیست. باید صبر کرد و دید. اما تا همینجا برای دیکتاتور عراق بی فایده نبوده است. به او فرصت داده‌اند با یک گروه بیست نفری از وکلای زبردست عرب و اروپایی برای حضور در دادگاه علنی و دفاع از عملکرد خود آماده شود. در هجو جرج بوش شعر بگوید. ورزش کند. باغبانی کند. هرچه می‌خواهد بخورد، یا نخورد!

نیکلای دوم، تزار روسیه، بعد از آن که به نفع برادرش گراندوک میشل از سلطنت کناره گرفت در نامه‌ای خطاب به وی نوشت:

«اعلیحضرت امپراتور میشل - پطروگراد - پیشامدهای غیر منتظره ایام اخیر مرا به اتخاذ تصمیم فوق‌العاده‌ای وادار کرد. از این که فرصتی نبود تا ترا از تصمیم خود مطلع کنم پوزش می‌طلبم. من همواره برای تو یک برادر وفادار و صدیق خواهم بود. فعلا به استوگا مراجعت می‌کنم و امیدوارم تا چند روز دیگر به تزارسکوی سلو بروم. آرزو دارم که خداوند تو و ملت مرا در پناه خود محفوظ بدارد. نیکلا».

برخلاف صدام حسین، نیکلای دوم قدرت‌طلب نبود و از اول هم علاقه‌ای به تخت سلطنت نداشت. وقتی در اواخر

«کوئینز» در نیویورک را به یاد آوردم، بلکه همه شما را و خانواده شما. دوستان مشترکمان را، جلیل را، پری را و دکتر دندانم را.

مهرداد پسری که بدون صدا آواز می‌خواند و برنامه رادیویی داشت. کلاس درس انگلیسی سعید را و سگ را و عشقی را که میان انسان با انسان جریان داشت و گذشته را که وقتی به آن می‌رسیدم در قسمت بزرگی از آن شما را می‌دیدم.

من بچه بودم که ایرانیان نام شما را می‌شناختند و وقتی به رادیو آمدم برایم افتخار بود که کنار شما کارکنم. اگر گهگاه با شما می‌جنگیدم نه برای این بود که شما را عقب بزنم بلکه به این دلیل بود که خودم را به شما برسانم.

با برنامه صبح جمعه شما، حمید قنبری، علی تابش و منوچهر نوذری همکاری داشتند و تمام اینها نام‌هایی بودند که من از کودکی با آنها سر و کار داشتم. امروز که به گذشته می‌اندیشم و سه‌شنبه‌های رادیو را که روز ضبط برنامه‌های شما و ما بود را به یاد می‌آورم، در ته قلبم اندوهی عظیم می‌بینم. از ندیدن شما و نشنیدن صدای علی تابش و تقلیدات حمید قنبری درد می‌کشم که دیگر میدان ارگ فاصله میان من و شما نیست. دریا هم نیست. اقبانوس هم نیست. نامردی است و نامردمی گروهی که به هر جنایتی دست زده‌اند و می‌زنند که این عمر را ننگین‌تر بگذرانند.

همیشه به این معتقد بوده‌ام که برای گذران زندگی، عمر لازم نیست، شهادت لازم است.

شما زمانی که آمدید (و آن روزگاری بود که جامعه ما هنوز هنر و هنرمند را کامل نمی‌پذیرفت) درد سیار بردید. من از روی جاده‌ای که شما صاف کرده بودید عبور کردم، درد کمتری کشیدم، ولی این سعادت را به دست آوردم که درد، آنهم دردی از جامعه خودی را بشناسم.

خاطره، خاطره است و زمانی که شما از من سخن می‌گویید، من تصاویر آن سخنان را می‌بینم و اگر در نشریه‌ای خاطره‌ای از شما نقل نمی‌کنم فقط به این دلیل است که آنقدر برای من معلم بوده‌اید و هستی که ذکر خاطرات من از شما در مجله‌ای نمی‌گنجد.

امروز که با یک فیلم سینمایی از معروف‌ترین چهره‌های سینمایی اروپا شده‌ام، بعد از کتاب دوم، دارم کتاب سوم را زیر چاپ می‌برم. امروز که هزاران هزار نفر را به سالن‌های کنسرت می‌کشاند و این مدرک ذهنی را پیدا کرده‌ام که علاوه بر ساعت‌ها خواندن، ساعت‌ها نیز سخن بگویم، باز هم فقط به یک نتیجه رسیده‌ام که ابتدا و انتهای زندگی انسان عشق و آگاهی به معرفت عشق است و از انسان هیچ چیز جز عشق باقی نمی‌ماند. این عشق هم مدرسه و مکتب ندارد بلکه یا در درون یک موجود زنده وجود دارد یا ندارد.

آنکه سعی داشت یا سعی دارد و یا سعی خواهد کرد که با زشتی و با دست زدن به هر عملی روز خود را به شب برساند، جز شب نخواهد دید و آنکه در تاریکی و در میان اینهمه بوی تعفن بعضی از موجودات نور را شناخت دیگر آن را هرگز از دست نخواهد داد. حتی اگر در لس آنجلس زندگی کند! همواره شما را انسانی روشن دیدم و خانم‌تان که بعضی وقت‌ها رژیم آب می‌گرفت که لاغرتر شود و این توصیه را به من هم می‌کرد، یکی از نازنین انسان‌های زندگی من بود. خداوند - یعنی نیروی برتری که در ما هست - همیشه حافظ شما باشد. سلام من برای جلیل و پری و بقیه و اگر دیگرگاه یاد من کردید به یاد بیاورید که همواره دست شما را به عنوان استاد می‌بوسم.

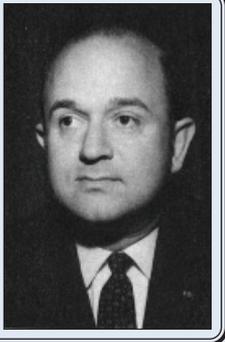
با تمام قلبم که برای شما بسیار تنگ شده است.

فریدون فرخزاد»

برنامه تحصن، آخرین تلاش برای منصرف کردن شاه از ترك کشور

قرار بود گروهی از مردم در دربار و گروهی در منزل آیت‌الله خوانساری متحصن شوند و انصراف شاه را از سفر به خارج درخواست کنند

(تاریخ نشر در کیهان لندن: از آذر ۱۳۸۳ تا شهریور ۱۳۸۴ - از شماره ۱۰۳۳ تا ۱۰۷۱)



بازنشر

آخرین روزها
پایان سلطنت و
درگذشت شاه
(۲۵)

دکتر هوشنگ نهاوندی

ترجمه فارسی کتاب «آخرین روزها، پایان سلطنت و درگذشت شاه» نوشته دکتر هوشنگ نهاوندی از سوی شرکت کتاب در لس‌آنجلس منتشر شده است.

پهروز صوراسرافیل و مریم سیحون مترجمان این کتاب، به خوبی از عهده برگرداندن آن از زبان فرانسه به فارسی برآمده‌اند.

دکتر نهاوندی در دوران سلطنت محمدرضا شاه پهلوی وزارت آبادانی و مسکن و علوم و آموزش عالی و ریاست دانشگاه‌های پهلوی و تهران را به عهده داشت. وی مدتی نیز رئیس دفتر علیاحضرت شهبانو و چندی رئیس هیأت مدیره انجمن آثار ملی بود. اما در تمام این سالها وی بیشتر با محافل روشنفکری، علمی و دانشگاهی نشست و برخاست داشت تا با دولتیان. نهاوندی در دوران ریاستش بر دانشگاه‌های پهلوی و تهران هفته‌ای چند ساعت

اساس رویدادها و حوادث واقعی زندگی انسانها نوشته می‌شود. برای نوشتن این کتاب، نویسنده از کمکهای بی دریغ و سخاوتمندانه اردشیر زاهدی، دکتر اصلاان افشار، شجاع‌الدین شفا، پروفیسور عباس صفویان و دکتر داریوش شیروانی بهره‌مند بوده است. این شخصیتها که در ماههای آخر سلطنت محمدرضا شاه تماس روزانه با او داشتند، اطلاعات، خاطرها و به یادمانده‌های خود را در اختیار نویسنده قرار داده‌اند. نویسنده ضمناً از دکتر هادی هدایتی، دکتر کاظم ودیعی و بیژن خلیلی مدیر شرکت کتاب سپاسگزاری کرده است. کتاب «آخرین روزها، پایان سلطنت و درگذشت شاه» دارای ۱۵ فصل است و با یک پی‌نوشت کوتاه و احساسی به پایان می‌رسد. کیهان بخشهایی از این کتاب را با موافقت نویسنده و ناشر، از این شماره به چاپ می‌رساند.

شهبانو بود، با پشتیبانی بی چون و چرای ارتش و دست کم بخشی از روحانیت، ممکن بود به پیروزی انجامد. اما در هر حال، و به دلیل نداشتن تحلیلی درست از اوضاع، شهبانو بختیار را جلو صحنه انداخت.

از سوی دیگر، واشنگتن، لندن و پاریس، همه کوششهای خود را بر بیرون راندن شاه متمرکز کرده بودند. به ویژه انگلستان، بختیار را به عنوان مردی قابل اعتماد می‌دید. همچنین سفرهای پیاپی «میشل پونیاتوفسکی» به ایران و پشتیبانی که بعداً در فرانسه از او شد، نمودار آن بود که این مرد دو ملیتی از سوی پاریس نیز پشتیبانی می‌شد. در واقع، از همان زمان پایتختهای غربی تصمیم خود را گرفته بودند: همه، آشکارا رفتن شاه را می‌خواستند و بر روی کار آمدن خمینی شرط‌بندی کرده بودند. همه چیز، چه مرور رویدادها، و چه نوشته‌ها، نشان از آن می‌دهند که در چشم غربیها، بختیار فردی بی اهمیت بود، و زمامداری او معنای دیگری جز مرحله انتقالی نداشت. آنان دنبال کسی می‌گشتند که به وسیله او کلیدها را به خمینی و بنیادگرایان بسپارند. چهار سال پیش از آن، هنگامی که بر آن شده بودند که ویتنام جنوبی را به کمونیستها واگذارند، این مأموریت اندوه‌انگیز به ژنرال «مین» سپرده شده بود. بختیار هم همان نقش را بازی می‌کرد.

بالاخره بختیار هم در این خیمه‌شب‌بازی سیاسی، بزرگترین بخت زندگی خود را می‌دید. و این امکان که گرچه شخصیت مهمی نبود، شاید بتواند نقشی پر اهمیت بازی کند. اما او که بیشتر در جستجوی مقام بود به هر قیمت، پیشترها کوشیده بود با آمریکاییها در تهران تماس بگیرد، پشتیبانی آنان را به دست آورد و زمان سرنوشت خود را جلو ببرد. این واقعیت را انبوهی از اسناد به دست آمده از سفارت آمریکا در تهران و به چاپ رسیده پس از نوامبر ۱۹۷۹ نشان می‌دهد. اسنادی که پاره‌ای از آنها برای بختیار بسیار نگران‌کننده می‌بود.

تاریخ، نقش بختیار را برای ما باز می‌گوید: او وارد گرداب مهیب قدرتی در هم ریخته و در حال فرو ریختن شد که بالاخره او را نیز در هم شکست.

سر کلاس می‌رفت و هیچگاه کار تدریس را رها نکرد و به‌مدد همین سوابق دانشگاهی بود که پس از مهاجرت به فرانسه ۱۷ سال به‌عنوان استاد در دانشگاه پاریس تدریس کرد.

نهاوندی در سالهای ۱۳۵۰ گروه بررسی مسایل ایران را بنیان گذاشت به امید آنکه پیشنهادات این گروه راهگشای اصلاحاتی در ساختار آموزشی، فرهنگی، اجتماعی و سیاسی ایران شود. نهاوندی برای جمع آوری مطالب کتاب پانصد صفحه‌ای خود، مختصری از حافظه معروفش و مقدار زیادی از یادداشتهای روزانه یا شبانه‌اش سود جسته است.

کتاب از آغاز تا پایان، سرشار است از حوادث پرهیجان و اخبار دست اول که بیشتر اوقات نویسنده شخصاً درگیر آن بوده است و به همین دلیل محتوای کتاب شبیه رمانهای جذابی است که بر

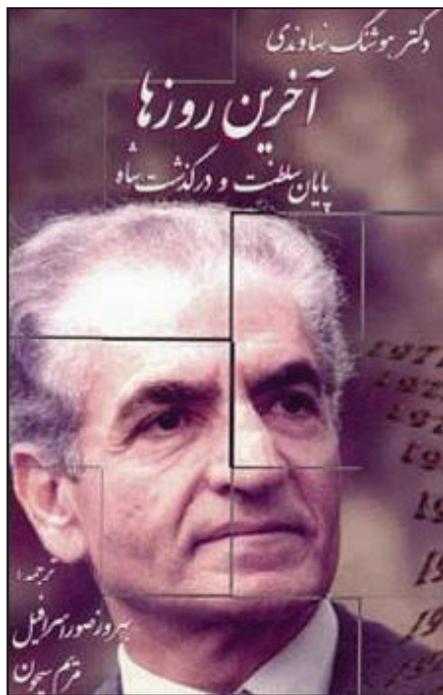
بختیار و خصوصیات او

به‌هنگام معرفی او به‌عنوان رئیس دولت، بیشترین مردم او را نمی‌شناختند، و به‌راستی کسی او را در حد چنین مقامی نمی‌دید. جز شهبانو و گروه دوستان او، هیچ هوادار سیاسی نداشت، و آنان هم در حال ترك کشور بودند. فرماندهان ارتش از انتخاب او خشنود نبودند، یا بهتر بگوییم او را نمی‌شناختند. دوستان سیاسی‌اش او را رانده بودند.

به‌نادرست یا درست گفته می‌شد او به خدا باور ندارد، بنابراین روحانیون هم از او بدشان می‌آمد. او بی شک فردی با فرهنگ، جاه‌طلب و دارای شخصیتی خوش‌برخورد شناخته می‌شد. خوراکیهای خوشمزه و شرابهای خوب را دوست داشت. سبک شیک‌پوشی او انگلیسی و به افسران سواره‌نظام هند مانده بود. به شعرهای فارسی و فرانسه کشش ویژه‌ای داشت و کتابهای گوناگون، به ویژه دیوانهای شعر فارسی و فرانسه در کتابخانه بسیار غنی‌اش در ویلای زیبای او در فرمانیه به چشم می‌خورد... و همین و بس!

از آغاز دهه هفتاد رئیس «باشگاه فرانسه» در تهران بود که دولتمردان، سیاستمداران و سوداگران به آن رفت و آمد داشتند. او در اغلب موارد، بازرگانان مشهور، به ویژه مقاطعه‌کاران طرحهای دولتی که با جبهه ملی ارتباط داشتند، و برخی از پزشکان را به میز خود دعوت می‌کرد. به این ترتیب، اندک اندک عادت به نزدیکی با محافل سیاسی، دولتمردان و افراد «به‌دردخور» را پیدا کرد. هنگامی که داوطلب ریاست باشگاه فرانسه شد (که گویا بسیاری از افراد کم مسؤولیت ولی نامدار، رقیب او بودند)، ارتشبد نصیری رئیس ساواک کوشید که مانع این انتخاب شود. اما علم وزیر توانای دربار از او حمایت کرد و جلو تحریکات نصیری را گرفت.

این شخص هیچ گذشته قابل توجهی نداشت - و به‌همین گونه هیچ کار سیاسی رسمی؛ و گذاشتنش در بالاترین جایگاه کشور، بسیاری را شگفت زده کرد. واقعیت آن بود که چنانکه پیداست، برگزیدن او نتیجه یک بازی پیچیده میان چهار قدرت بود: پیش از همه شاه، که بیمار و سرخورده، در پی مردی



معمولی می‌گشت که رفتنش را تأیید کند، تمام کسانی را که برای ریاست دولت در نظر می‌گرفت، با رفتن او از کشور مخالفت می‌کردند. بنابراین، بختیار یا کسی دیگر، چه فرقی می‌کرد. مهم این که بتواند کشور را با احترام و وقار، ترك کند.

سپس شهبانو، که نگران حفظ تاج و تخت برای پسرش بود و آن را در برابر دیگران، آشکارا اظهار می‌کرد. او تنها کسی بود که از بیماری همسرش آگاه بود و او را از نظر جسمی در لبه پرتگاه می‌دید. بنابراین بر آن بود که پادشاهی را نجات دهد و احتمالاً با پشتیبانی حلقه‌ای از تشنگان شرایطی تازه، از چند سال قدرت و حکومت بهره گیرد. این بازی، اگر مردی در حد نهایت قدرت و فداکاری در کنار

آن زمان برابر ۲۰ هزار دلار بود، به وسیله دو صاحب صنعت و دوست تهیه شد و در برابر رسید به پسر آیت‌الله سپرده شد تا وسایل کار چون یکی دو چادر بزرگ، وسایل متحرک گرمایابی و خوراک متخصصین را فراهم آورد.

قرار بود حرکت به سوی خانه این مقام روحانی که در قلب بازار تهران جای داشت، از پگاه ۷ ژانویه آغاز شود. «اشغال» کاخ سلطنتی که در زبان فارسی به آن «تحصن» می‌گفتند، و همزمان سرازیر شدن مردم به «بیت» یکی از مهم‌ترین روحانیون شیعه، همان روز آشکار می‌شد و این رویداد به کلی وضعیت را دگرگون می‌کرد. در آن صورت ارتش نیز در شرایطی قرار می‌گرفت که با نیرو و اراده بیشتر عمل کند.

به این قصد و با چنین روحیه‌ای، گروهی متشکل از دوازده دانشگاهی که دو تن از آنان جراحان شهره شهر، و در میانشان نویسندگان و روشنفکران سرشناس بودند، شامگاه ۶ ژانویه به کاخ رفتند و شاه و شهبانو آنان را پذیرفتند. محمد باهری هم آنجا بود و همچنین قاسم معتمدی رئیس پیشین دانشگاه، همه آنان وسایلشان را برای شب ماندن در کاخ برداشته بودند.

من، که در میان گروه بودم، آن شب در سکوت و با قلبی فشرده، به سخنان آن استاد جراحی که برای نخستین بار به کاخ آمده بود، گوش می‌دادم که به شاه چنین گفت:



کابینه شاپور بختیار

«ارتش شاهنشاهی به شما وفادار است. ارتش تنها نیرویی است که می‌تواند یگانگی کشور را نگاهدارد و با جنبشهای افراط‌گرا رویارویی کند. اگر اعلیحضرت ایران را ترک کنند، بر سر این ارتش چه خواهد آمد؟ یا از هم خواهد پاشید و یا خواهد کوشید کودتا کند. در هر حال، ایران در اغتشاش و نابسامانی فرو خواهد رفت. سود ملت و مسؤولیت شما در برابر تاریخ به شما حکم می‌کند، اعلیحضرتا، که بمانید.» شهبانو، با شنیدن سخنان یکی از ادیبان نامی که با صدایی پر هیجان و رفتاری نمایش‌گونه، اشعاری از فردوسی پیرامون مسؤولیتهای شاه در برابر مردمش خواند، نتوانست مهار اشک‌هایش را نگاهدارد. شاه، با رفتاری سرد و انگار اصلا در آنجا نیست، می‌کوشید احساسات خود را نمودار

آن توصیه‌ها پاسخ مثبت نداده است.



امروز این اندیشه ممکن است جنون‌آمیز یا ساده‌انگارانه به نظر آید، اما آنچه که می‌توان رابطه معنوی میان پادشاه و ملتش خواند و ریشه در سنن ایرانی دارد، ذهن گروهی را در این زمان به خود مشغول کرده بود: تحصن در دربار برای جلوگیری از رفتن شاه.

نخستین کسی که این اندیشه را مطرح کرد، دکتر محمد باهری استاد دانشگاه و وزیر پیشین دادگستری بود که گفت: برویم کاخ را اشغال کنیم و در آنجا بمانیم تا شاه پیمان بندد که کشور را ترک نخواهد کرد. مصدق هم در دهه‌های ۱۹۴۰ و ۱۹۵۰ دو بار به همین سیاست «تحصن» روی آورده بود: یک بار برای درخواست ابطال انتخابات که به گمان او در آن تقلب شده بود، و بار دیگر برای آغاز مبارزات ملی کردن نفت.

این اندیشه به سرعت مورد توجه بسیاری کسان، و به ویژه سرآمدان دانشگاهی قرار گرفت.

محمد باهری در همین زمینه با آیت‌الله عظمی حاج آقا احمد خوانساری، پرنفوذترین پیشوای مذهبی پایتخت و یکی از بلندمرتبه‌ترین روحانیون شیعه دیدار کرده بود. باهری از او پرسیده بود آیا حاضر است چند صد تن از ساکنان محلات گوناگون پایتخت، بازاریان و دیگر طبقات

بختیار، برخلاف آنچه به شاه گفته بود، برای تشکیل دولت خود از چهره‌های نوین استفاده نکرد. دوستان دیرینش، او را رها کرده بودند. سازمان سیاسی‌ای که در درون «جبهه ملی» جای گرفته بود و او خود را رئیسش می‌دانست، به گفته خودش فقط دو عضو داشت. ناگزیر شد از سرآمدان نظام که در مقامات بالا بودند یاری بخواهد. و چنین بود که وزیران امور خارجه، کار، دارایی و جنگ او همه از چهره‌های برجسته حکومت بودند. بختیار حتی پیش از آن که مأموریت خود را آغاز کند، به راستی تنها بود. او، با آن که سوگند خورده بود از قانون اساسی دفاع کند، حتی کوشید با پیرامونیان خمینی گفتگو کند تا شاید بتواند نخست‌وزیر او شود.

بختیار به این ترتیب تنها به یک پیروزی دست یافت و آن این بود که به سرعت شکست خورد، و همانند Erostrate (مرد گمنامی از شهر افس در یونان که در ۳۵۶ پیش از میلاد، فقط برای نامدار شدن در تاریخ، معبد بزرگی را به آتش کشید) به تاریخ پیوست.

معرفی کابینه جدید

روز ۶ ژانویه: در روز معرفی دولت تازه به شاه، در اتاق انتظار، شاپور بختیار با صدای بلند، به گونه‌ای که می‌خواست خدمتکاران و کارمندان کاخ بشنوند، از وزیران خواست که برخلاف سنت همیشگی، در برابر شاه خم نشوند. حتی بامداد آن روز، عکس شاه را از دیوار دفتر خود برداشته و عکس بزرگ مصدق را جایگزین آن کرده بود.

به هنگام معرفی هیأت دولت، شاه که چهره‌ای در هم داشت و گویی جایی دیگر بود، می‌کوشید وقار خود را حفظ کند، اما آشکارا شتاب داشت که جریان زودتر پایان یابد. نخست‌وزیر که در برابر دوربینهای تلویزیون می‌کوشید خود را دور از شاه نشان دهد، مدام به سقف می‌نگریست. برخی از وزیران او، به ویژه آنان که در آن رژیم رو به مرگ، مقام‌داران بلندپایه بودند، نمی‌خواستند از آنان در کنار شاه عکس گرفته شود.

به گونه‌ای شگفت‌انگیز، گذشته از ارتشبد شفقت وزیر جنگ، تنها کسی که به شایستگی و به آداب‌دانی رفتار کرد، لطفعلی صمیمی وزیر پست و تلگراف بود که عضویت جبهه ملی را داشت و تنها مخالف آشکاری به حساب می‌آمد که پذیرفته بود در آن دولت باشد.



هرچه زمان ترک کشور از سوی شاه نزدیکتر می‌شد، افراد بیشتری می‌کوشیدند جلو رفتن او را بگیرند. زیرا احساس می‌کردند که کشور فرو خواهد ریخت. نفوذ سیاسی پادشاه کاسته شده بود. هرج و مرج همه جا را فرا گرفته بود. بسیاری از مقامات کشور که همواره تلاش در نمایش خود داشتند، کمتر آفتابی می‌شدند و یا راه به سوی دفتر شهبانو می‌بردند. برخی دیگر، کشور را ترک کرده بودند که در امان باشند.

اصلاح افشار، رئیس کل تشریفات، برای تقویت روحیه شاه، سرگرم کردن و پر کردن روزهای او، ترتیب شرفیابی برخی چهره‌های اجتماعی، مقامات انجمنهای محلی که نفوذ قابل توجهی در پایتخت داشتند، و امیران بازنشسته ارتش را که می‌خواستند پشتیبانی و وفاداری خود را به شاه ابراز دارند، می‌داد. تقریباً همه آنان، می‌آمدند که اندرز دهند یا نظرشان را پیرامون مسائل بگویند. اما به ویژه همگی می‌آمدند به شاه هشدار دهند که کشور و ارتش را ترک نکند. بسیار پس از آن روزها، محمدرضا شاه، کمی پیش از مرگش در قاهره، با من از آن دیدارها و ابراز وفاداریهای نامنتظر سخن گفت و با افسوس بسیار، گفت پشیمان است که به

اجتماعی نزد او بیایند و از او درخواست کنند که نزد شاه برود و از او بخواهد که کشور را ترک نکند؟ آیت‌الله که در گفتگوهای خصوصی، نگرانی خود را از سیری که رویدادها به خود گرفته بود پنهان نمی‌کرد، پاسخ داد:

— می‌دانید که من در سیاست دخالت نمی‌کنم و از این تحریکات تأسّف‌انگیز نیز برکنارم. باهری پاسخ داد: بله، ولی شما که نمی‌توانید در خانه خود را به روی مسلمانان ببندید.

آیت‌الله پاسخ داد: البته که نه. و اگر لازم باشد، خواست آنان را به آگاهی شخص مربوطه خواهم رساند. این موضع‌گیری‌ای بود روشن و احتیاط‌آمیز. هنگامی که این چراغ سبز داده شد، ۱۵۰ هزارتومان که در

عدم سرمایه‌گذاری شرکت‌های دولتی چینی و روسی در ایران

پیمان شانگهای جمهوری اسلامی را ملزم به پیوستن به FATF کرده است



تأسیسات میدان نفتی یادآوران

«دیده‌بان ایران» گفت: «پیمان شانگهای صراحتاً یک بندی دارد که ایران را ملزم کرده که در زمینه هسته‌ای همکاری و بحث FATF را حل کند. همچنین گفته شده است که همه کشورهای عضو باید روابط بانکی بدون مشکل داشته باشند. بالاخره ما یک تعهدی داده‌ایم و سوال هم این است که چگونه بدون اینکه برخی از تعهدات را انجام دهیم، عضویت ایران را پذیرفته‌اند؟ به هر حال ایران تعهداتی داده و بدون اینکه تحریم‌ها و FATF حل شود فعلاً عضویت ایران را پذیرفته‌اند ولی حتی شرکت‌های دولتی روسیه هم علی‌رغم مذاکرات و قراردادهای و وعده‌هایی که داده‌اند، در ایران فعال نشده‌اند.»

حسینی در ادامه داد تأکید کرده کشورهای مثل چین استانداردها و منافعی دارند و می‌خواهند با کشورهای دیگر هم کار کنند و حاضر نیستند به خاطر قرارداد یک میلیاردی با ایران، در قراردادهای ۳۰ تا ۴۰ میلیاردی با سایر کشورها به مشکل برخوردند.

شرکت چینی سینوپک در سال ۲۰۱۹ قرارداد توسعه میدان یادآوران را بدون هیچ توضیحی یکجانبه فسخ کرد. بهمن‌ماه ۱۴۰۱ ابراهیم رئیسی پس از بازگشت از چین مدعی شد سفری «بسیار پرثمر و موفق» داشت اما برخی مسئولان و فعالان تجاری و صنعتی در ایران همان زمان گفتند چینی‌ها از سرمایه‌گذاری در ایران «با پس کشیده‌اند.»

در همین ارتباط مهدی پورقاضی عضو اتاق ایران و روسیه به «تجارت نیوز» گفته بود «چینی‌ها متوجه شده‌اند که ایران در معادلات تجاری بین‌المللی از موقعیت مناسبی برخوردار نیست. چینی‌ها به دلیل تحریم حتا تمایلی برای سرمایه‌گذاری در حوزه نفت و انرژی در ایران ندارند، چرا که با ریسک بسیار کمتر مشابه این سرمایه‌گذاری را می‌توانند در کشور دیگری انجام دهند.»

وضعیت ناپایدار قرارداد توسعه میدان نفتی «یادآوران» بخشی از فعالیت‌های این حوزه نفتی را مختل کرد و قراردادهای داخلی آن با پیمانکاران خصوصی نیز به مشکل برخورد. اعتصابات گسترده کارگران به دلیل عدم دریافت حق و حقوق از پیامدهای همین وضعیت بوده است.

● حمید حسینی رئیس اتحادیه صادرکنندگان نفت و گاز و پتروشیمی درباره عدم سرمایه‌گذاری شرکت‌های چینی و روسی در ایران به «دیده‌بان ایران» می‌گوید: «خیلی وقت است که شرکت‌های بزرگ چینی و روسی که دولتی هستند و سابقه کار در خارج از کشور دارند، به دلیل تحریم‌ها با ایران همکاری نمی‌کنند.»

● «تا زمانی که تحریم باشیم، شرکت‌های بزرگ دولتی چین علی‌رغم قرارداد ۲۵ ساله و امثالهم امکان همکاری با ما را ندارند.»

وبسایت خبری «دیده‌بان ایران» ۱۲ مرداد با اشاره به خروج چینی‌ها از طرح توسعه میدان نفتی «یادآوران» که از میداین نفتی مشترک ایران و عراق است به نقل از رئیس اتحادیه صادرکنندگان نفت و گاز و پتروشیمی نوشت به دلیل عدم سرمایه‌گذاری، استخراج از میداین نفتی با مشکلات متعددی روبرو شده و ادعای دولت درباره فروش نفت از طریق تهاتر تأمین‌کننده نیازهای اولیه صنعت نفت نیست. حمید حسینی رئیس اتحادیه صادرکنندگان نفت و گاز و پتروشیمی درباره عدم سرمایه‌گذاری شرکت‌های چینی و روسی در ایران به «دیده‌بان ایران» می‌گوید: «خیلی وقت است که شرکت‌های بزرگ چینی و روسی که دولتی هستند و سابقه کار در خارج از کشور دارند، به دلیل تحریم‌ها با ایران همکاری نمی‌کنند.»

وی توضیح داده همکاری جمهوری اسلامی با شرکت‌های چینی و روسی در صنایع نفت عمدتاً به شرکت‌ها و پالایشگاه‌های کوچک و شرکت‌های بخش خصوصی منحصر شده است. وی تأکید کرده «تا زمانی که تحریم باشیم، شرکت‌های بزرگ دولتی چین علی‌رغم قرارداد ۲۵ ساله و امثالهم امکان همکاری با ما را ندارند.»

منابع وابسته به وزارت نفت ایران اسفندماه سال ۱۴۰۱ خبر دادند که شرکت چینی «سینوپک» بطور غیررسمی از سرمایه‌گذاری در یادآوران کناره‌گیری کرده و شرکت نفت تصمیم گرفته خودش توسعه این میدان را ادامه دهد.

حسینی در پاسخ به پرسشی مبنی بر اینکه چرا پیمان شانگهای نتوانست مانع خروج چین از این میدان شود، به

→ ناسازد. در پایان، با حالتی که بسیار شگفت‌انگیز و باورنکردنی بود، از گروه سپاسگزاری کرد که در آن برف شدید آمدند و دل‌بستگی خود به میهن و پادشاهشان را ابراز کردند.

هیچکس به تشکیل دولت تازه اشاره‌ای نکرد. نام شاپور بختیار حتی بر زبان هم نیامد. همه می‌دانستند که هر اشاره‌ای به آن موضوع، شاه را ناراحت می‌کند. پس از آن که هر کس چیزی گفت و شاه سپاسگزاری کرد، هنگامش رسیده بود که از هدف گردهمایی سخن به میان آید. معتمدی با ملایمت بسیار در صدايش، که مبادا شاه را آزرده‌خاطر کند، به او گفت: «اعلیحضرت، اگر شما به ما اطمینان ندهید که ایران را ترک نخواهید کرد، ما آنقدر اینجا می‌مانیم تا از شما این تضمین را بگیریم.» و این گونه فهماند که فردا سرآمدن دیگری از اجتماع خواهند آمد.

شاه، ناگهان گویی از کرختی بیرون آمد و با لحنی خشک گفت: «بنابراین شما می‌خواهید به من یاد بدهید که چگونه وظیفه خود را انجام دهم؟» سپس از جا برخاست که نشان دهد شرفیابی پایان یافته است. شهبانو که ناراحتی آشکار حاضران را دید، با مهربانی افزود: «هوا سرد است، مواظب باشید. ما باید گروه دیگری را بپذیریم.» اعلیحضرتین با شرفیابان دست دادند، شاه بار دیگر مؤدبانه از همه تشکر کرد.

سه «تحصن» پیشین همگی دست کم با موافقت ضمنی صاحبخانه صورت گرفته بود. دو بار از سوی مصدق و دوستان سیاسی‌اش، علیه دولتهای وقت، و بار سوم به‌وسیله رقیبان رهبر ملی‌گرا، هنگامی که زمامدار بود. دیگر امکان نداشت که به‌زور مانعیم تا گارد ما را بیرون کند. این طرح نیز به پیروزی نینجامید. خواست شاه برای ترک کشور، کاملاً روشن بود. بعدها دریافتیم که چه فشارهایی به او وارد می‌آمد و دیگر علاقه‌ای به پایداری نداشت. ساعت هفت صبح فردای آن روز، محمد باهری چند تن را گسیل داشت که از کسانی که به سوی خانه آیت‌الله خوانساری می‌رفتند بخواهند که بازگردند. حتی در آن پگاه، شمارشان بسیار بود، برخی از آنان، هنگامی که شنیدند دیگر «نیازی به آنان نیست»، گریستند. معنای پیام، آشکار بود.

به‌هنگام بیرون رفتن از کاخ، باغهای کاخ به دلیل اعتصاب کارمندان نیروگاههای برق، نیمه‌تاریک بود. آنان که بیرون می‌رفتند به چند تن از نمایندگان مجلس که قرار شرفیابی داشتند، برخوردند. در میان آنان، حجت‌الاسلام دانشی، تنها آخوند نماینده مجلس بود. همگی پرسیدند: «خوب، خواهد رفت؟» دانشی پاسخ داد: «نگران نباشید. من سخنانی خواهم گفت که مجاب شود که همانند.»

باز هم اندیشه‌ای واهی... پس از سرنگونی رژیم، او نیز از جمله به‌دلیل شرکت در آن برنامه، به‌دستور خمینی تیرباران شد.

فردای آن روز، شاپور بختیار به مجلس رفت و در برابر نمایندگان سخنرانی زیبایی کرد و در آن، وفاداری بی‌چون و چرای خود به قانون اساسی، و در نتیجه به نظام پادشاهی را اعلام کرد. واژه‌ای نیز پیرامون رفتن شاه نگفت - در حالی که به‌خواست واشنگتن، لندن و پاریس، باید هر کاری می‌کرد که شاه هرچه زودتر کشور را ترک کند.

بختیار، در همان زمان، سرگرم بده-ستان و رایزنی با پیرامونیان خمینی بر سر مقام خود در نظام آینده بود، و نامه‌هایی به «نوفل لو شاتو» می‌نوشت که به‌زودی به چاپ رسید، و در آنها وفاداری خود را به خمینی اعلام کرده بود! شاه از او خواسته بود که بکوشد رأی اعتماد مجلسین را هرچه زودتر به‌دست آورد تا دولتش از لحاظ قانون اساسی، قانونی باشد... (ادامه دارد)

ریزش تعداد موافقان حجاب اجباری در ایران؛ شکاف بیشتر میان مردم و جمهوری اسلامی



محمد سعیدی امام جمعه موقت قم هم در خطبه‌های نماز جمعه ۱۳ مرداد با طرح این ادعا که «دشمنان» جمهوری اسلامی به دنبال «هنجارشکنی‌های بی‌شمارانه» در عزاداری‌های ماه محرم از جمله «کشف حجاب و رقص» بودند، از لایحه «حجاب و عفاف» انتقاد کرد.

او این لایحه را «دچار ابهام و ضعف‌های زیاد» دانست و خواستار مشورت با «صاحب‌نظران» شد تا مسئله حجاب اجباری حل و اجرای آن در ایران همگانی شود.

احمد سالک عضو جامعه روحانیت مبارز، درباره جرمه «افراد بی‌حجاب» در لایحه قوه قضائیه و پیش‌نویس جدید کمیسیون فرهنگی گفت: «مگر کسی که قصد کشف حجاب دارد برایش مهم است که یک میلیون یا ده میلیون جرمه بدهد؟» این نماینده سابق مجلس شورای اسلامی همچنین از «شرطی شدن» قانون مربوط به حجاب اجباری ابراز نگرانی کرد و در توضیح بیشتر با اشاره به اقدامات آمران به معروف و طرفداران حجاب اجباری گفت: «شرطی یعنی یک عکس بگیرد و بدهید، یک تلفن بزنید و بگویید، ما هم جرمه می‌کنیم.»

علی معلمی نماینده مازندران در مجلس خیرگان رهبری و امام جمعه «قائم‌شهر» (شاهی) هم خواستار اجرای حکم شلاق علیه زنان دارای حجاب اختیاری شده و گفته که «کیفر باید بازدارندگی داشته باشد» و «جریمه کردن با مبلغ این مشکل را حل نمی‌کند. متأسفانه اجرای حدود را در جامعه جدی نگرشیم... این بی‌حجابی‌ها نیاز به تعزیرات دارد و بهترین تعزیرات شلاق است، نه پول.»

عبدالصمد خرم‌آبادی معاون قضایی دادستان کل کشور نیز از زاویه‌ای ارتجاعی‌تر با تصویب این لایحه در مجلس شورای اسلامی مخالفت کرده و گفته است: «این لایحه با مطرح کردن برهنگی و نیمه‌برهنگی بدن و متمرکز شدن روی این موضوع، بدپوششی را بی‌اهمیت جلوه داده است، موجب عادی‌سازی مابقی شقوق کشف حجاب شده است.»

پایه همین طرح پلمب شد.

قوه قضائیه اما طرحی موازی را برای «ترویج فرهنگ حجاب و عفاف» تدوین کرد که شامل مجازات‌های بیشتری برای زنانی است که از پوشش اختیاری استفاده می‌کنند. این طرح که در محورهای گسترده‌ای تنظیم شده چندین نهاد امنیتی و اجرایی را مسئول مبارزه با «بی‌حجابی» دانسته است. همچنین برای افراد بسیجی، لباس‌شخصی و آتش به اختیار در محدودسازی فضای جامعه و برخورد با شهروندان «مشروعیت» و «مصونیت» ایجاد شده است.

قوه قضائیه در این طرح با «جرم» شمردن استفاده از پوشش اختیاری و عدم رعایت حجاب اجباری تلاش می‌کند تا آن را در کنار جرائم خلاف مانند رانندگی پس از صرف مشروبات الکلی و مواد مخدر قرار داده و جرم بودن پوشش اختیاری را عادی‌نمایی کند.

اینهمه در حالیست که مردم نشان داده‌اند در برابر برخوردهای قضایی و امنیتی و انتظامی تسلیم نمی‌شوند و پوشش انتخابی خود را خواهند داشت. در چنین شرایطی برخی از حکومتی‌ها نگران هستند که اجرای این طرح تنش‌ها میان مردم و حکومت را افزایش دهد و به همین دلیل مخالفت‌هایی درباره این طرح صورت گرفته است.

یکی از مجازات‌های در نظر گرفته برای زنان دارای پوشش اختیاری جرمه‌های مالی است. بخشی دیگر از حکومتی‌ها نیز چنین مجازاتی را ناکافی و بی‌اثر ارزیابی کرده و خواستار اقدامات «زیربنایی» و مجازات‌هایی چون «شلاق» هستند.

احمد بهشتی عضو مجلس خیرگان رهبری در گفتگو با وبسایت «جماران» گفته که جرمه سنگین در درازمدت مسئله حجاب اسلامی را حل نمی‌کند. او افزوده که این لایحه «خروجی موقت» دارد و «خانه از پای‌بست ویران است». به عقیده احمدی بهشتی باید همه نهادها برای ترویج حجاب اجباری فعالیت مستمر و «زیربنایی» داشته باشند.

● کارشناس مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی گفته که بعد از جان باختن مهسا امینی و اعتراضات سال گذشته موافقان حجاب اجباری ۳۰ درصد نسبت به نظرسنجی پیشین این مرکز ریزش کرده‌اند.

● بخشی از حکومتی‌ها جزای نقدی را ناکافی و بی‌اثر ارزیابی کرده و خواستار اقدامات «زیربنایی» و مجازات‌هایی چون «شلاق» هستند.

● قوه قضائیه با «جرم» شمردن پوشش اختیاری تلاش می‌کند تا آن را در کنار جرائم خلاف مانند رانندگی پس از صرف مشروبات الکلی و مواد مخدر قرار داده و جرم بودن پوشش اختیاری را عادی‌نمایی کند.

نتایج یک نظرسنجی از سوی مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی که بعد از اعتراضات سال گذشته انجام شده نشان می‌دهد ۶۰ درصد مردم مخالف حجاب اجباری هستند. جلیل محبی کارشناس مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی در یک برنامه گفتگوی ویژه خبری در صداوسیما جمهوری اسلامی گفته بعد از جان باختن مهسا امینی و اعتراضات سال گذشته موافقان حجاب اجباری ۳۰ درصد نسبت به نظرسنجی پیشین این مرکز ریزش کرده‌اند.

جلیل محبی توضیح داده که «سال ۱۳۹۸ نظرسنجی انجام شد پرسیده شده بود که شما چقدر معتقد هستید که حجاب شرعی باید توسط حکومت الزامی باشد [اجباری باشد] و ۷۱ درصد از شرکت‌کنندگان موافق بودند، بعد از اتفاقات پارسال و فوت خانم امینی اتفاق افتاد، ۷۱ درصد تبدیل به ۴۰ درصد شد و ۳۰ درصد ریزش داشت.»

کارشناس آخوند مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی مدعی شده مردم «معتقد نیستند که این باید آزاد باشد» اما «به دنبال راهی هستند که «با گشت ارشاد و اقدامات سلبی و آن مواردی که پلیس با شهروند درگیر می‌شود اینطور نباشد که این درگیری موجب وقایعی شود که برای مردم تلخ باشد.»

جلیل محبی در حالی از کاهش ۳۰ درصدی طرفداران اجباری بودن حجاب در کشور خبر داده که خودش از جمله موافقان اجباری بودن حجاب در کشور است. او گفته «اعمالی که در شرع مقدس ممنوع اعلام شدند، به دو دسته کلی تقسیم می‌شوند یا برای آن در شرع حدی در نظر گرفته شده است که آن غیرقابل تغییر است و یا حدی در نظر گرفته نشده است که این به دست حکومت سپرده شده است به دست حاکم اسلامی سپرده شده است که در کشور ما حاکم اسلامی یعنی رهبری، قوای سه‌گانه و همه دستگاه‌هایی که در قانون اساسی تشکیل شده‌اند. پس تعیین میزان ضمانت اجرا به دست الان به دست مجلس است و اجرای آن به دست قوه قضائیه.»

طرح نخست «حجاب و عفاف» اواخر سال گذشته از سوی نمایندگان مجلس شورای اسلامی تدوین شد و بطور رسمی از ۲۶ فروردین امسال آغاز شد. جدا از کار گذاشتن هزاران دوربین تشخیص چهره در نقاط مختلف شهرها و مستقر کردن «نیروهای نیابتی» برای سرکوب و مدیریت فضای جامعه، صدها مکان تفریحی، گردشگری، رستوران، کافه و مرکز خرید نیز به بهانه رعایت نشدن حجاب توسط زنان بر

جلوگیری از ورود مریم رجوی به آلبانی



مریم و مسعود رجوی

● دولت آلبانی ورود مریم رجوی، رهبر سازمان مجاهدین خلق، را به این کشور تا اطلاع ثانوی ممنوع اعلام کرده است.

● دلیل این تصمیم بطور رسمی اعلام نشده ولی حدس زده می‌شود که حضور مریم رجوی در خاک آلبانی به عنوان خطری علیه امنیت ملی این کشور ارزیابی شده است.
● این خبر برای اولین بار و همزمان توسط وبسایت روسی «روسایا الیوم» و خبرگزاری «تسنیم» وابسته به سپاه پاسداران انقلاب اسلامی منتشر شد.

احمد رأفت - دولت آلبانی از مریم رجوی خواسته است که به آلبانی سفر نکند. این تصمیم هفته گذشته در آستانه سفر جدید رهبر سازمان مجاهدین خلق به این کشور بالکان اتخاذ شد. این خبر در رسانه‌های آلبانی تنها زمانی انعکاس پیدا کرد که همزمان در رسانه روسی «روسایا الیوم» و خبرگزاری «تسنیم» وابسته به سپاه پاسداران انقلاب اسلامی منتشر شد. در رسانه‌های رسمی و نزدیک به سازمان مجاهدین خلق نیز تا زمان تنظیم این گزارش اشاره‌ای به این تصمیم دولت آلبانی نشده و سخنگوی این سازمان در تیرانا نیز حاضر نشد هیچ واکنشی به این خبر از خود نشان دهد. منابع وزارت کشور و وزارت خارجه دولت تیرانا نیز درخواست کیهان لندن برای توضیحات بیشتر در این رابطه را بدون پاسخ گذاشتند.

یک منبع غیر رسمی در پلیس ملی آلبانی به کیهان لندن می‌گوید «این تصمیم در رابطه با حفظ امنیت کشور گرفته شده است.» همین منبع می‌افزاید «اطلاعاتی به دست آمده است که جمهوری اسلامی در نظر دارد در کشور ما رهبر مجاهدین را ترور کند. اقدامی که در صورت تحقق می‌تواند به صورت جدی امنیت ما را به خطر بیناندازد.» البته یک دیپلمات برجسته این کشور بالکان به این پرسش کیهان لندن پاسخ دیگری داده است: «ما اطلاع یافتیم که مریم رجوی قصد دارد در سفری به آلبانی در دیدار با رسانه‌های محلی و در حضور برخی از شخصیت‌های سیاسی اپوزیسیون دولت کنونی ما، انتقاداتی را در رابطه با بازرسی

ورشکستگی ۱۵ صندوق از ۱۷ صندوق فعال بازنشستگی در ایران

● یکی از راهکارهای دولت و مجلس برای حل بحران صندوق‌های بازنشستگی «ادغام» آنها در یکدیگر است. اما کارشناسان معتقدند این اقدام ابعاد فاجعه در صندوق‌های بازنشستگی را بیش از پیش افزایش می‌دهد.

● کمیسیون تلفیق برنامه هفتم توسعه دولت را ملزم کرد که در طول پنج سال «پنج واحد درصد از سهم پرداختی و حمایتی‌اش از کل بودجه عمومی کشور» به صندوق‌های بازنشستگی را کاهش دهد.

● کارشناسان معتقدند یکی از مهم‌ترین عوامل تشدید بحران در صندوق‌های بازنشستگی دخالت دولت در اداره آنها و استفاده از منابع این صندوق‌ها و در مقابل وابستگی صندوق‌ها به بودجه دولت است.

شاخص «نسبت پشتیبانی» در صندوق‌های بازنشستگی نشان می‌دهد که از ۱۷ صندوق فعال بازنشستگی در کشور ۱۵ صندوق به سطح ورشکستگی رسیده‌اند و دو صندوق بازنشستگی دیگر نیز به شدت دچار بحران هستند و یک گام تا ورشکستگی فاصله دارند.

روزنامه «شرق» گزارش داده که ۱۵ صندوق از ۱۷ صندوق فعال بازنشستگی در کشور دچار ورشکستگی هستند و دو صندوق دیگر نیز روند نامیدکننده‌ای را طی می‌کنند و تا خط ورشکستگی فاصله‌ای ندارند. پیشتر نیز اعلام شده بود که صندوق بازنشستگی کشوری، صندوق بازنشستگی نیروهای مسلح و صندوق بازنشستگی فولاد از جمله صندوق‌های بازنشستگی کشور هستند.

«شرق» در این گزارش نوشته که وضعیت ۱۷ صندوق بازنشستگی فعال در کشور نشان می‌دهد این شاخص در دو صندوق وکلا و روستایی- عشایری که نسبتاً جوان هستند، وضعیت بسیار مناسبی دارد؛ در تأمین اجتماعی روند بهتری دارد (اما مطلوب نیست) و در سایر صندوق‌ها وضعیت بحرانی است و عملاً بدون کمک دولت و نهادهای مالک امکان ادامه حیات صندوق وجود ندارد و باید اعلام ورشکستگی کند.

هرچند در گزارش «شرق» وضعیت سازمان تأمین اجتماعی نسبت به دیگر صندوق‌ها «بهتر» عنوان شده، به گزارش مرکز آمار ایران، سازمان تأمین اجتماعی به عنوان بزرگترین سازمان بازنشستگی ایران حدود ۱۵/۵ میلیون شاغل را تحت پوشش دارد که حق بیمه پرداخت می‌کنند. در مقابل، این سازمان به حدود چهار میلیون و سیصد هزار

پلیس ویژه مبارزه با تروریسم و گردان‌های «مبارزه با فساد سازماندهی شده» از ساختمان‌های این سازمان در حومه شهر بندری دوس مطرح سازد که می‌توانست در شرایط کنونی بحران‌های جدیدی را دامن بزند.

هر دو منبع آلبانیایی ادعای خبرگزاری «تسنیم» را مبنی بر اینکه تصمیم دولت تیرانا برای ممنوعیت ورود مریم رجوی به این کشور با فعالیت‌های «تروریستی» سازمان مجاهدین خلق مرتبط است رد می‌کنند. منبعی در پلیس ملی آلبانی که با کیهان لندن گفتگو کرده است می‌گوید «ما هیچ اطلاعات، مدرک و شواهدی مبنی بر فعالیت‌های تروریستی این سازمان در دست نداریم، در حالی که در گذشته چندین شهروند جمهوری اسلامی و حتا دو تن از دیپلمات‌های این کشور را در رابطه با طراحی اقدامات تروریستی از آلبانی اخراج کردیم.»

در حال حاضر یک شهروند جمهوری اسلامی به نام بیژن پولادگر به اتهام طراحی عملیات تروریستی به قصد ترور یکی از اعضای سازمان مجاهدین خلق دوران محکومیت خود را در زندان این کشور می‌گذرانند. همچنین پیشتر در دسامبر سال ۲۰۱۸، دولت آلبانی غلامحسین محمدنیا سفیر وقت جمهوری اسلامی در این کشور و عضو سابق هیات مذاکره‌کننده اتمی را همراه با یک دیپلمات دیگر به عنوان «عناصر نامطلوب» که در «فعالیت‌های غیرقانونی ضد امنیت کشور» شرکت داشتند از این کشور اخراج کرده بود.

در سال ۲۰۲۰ نیز سه ایرانی به عنوان روزنامه‌نگار با ویزایی از سفارت آلبانی در آنکارا وارد تیرانا شدند که افراد امنیتی از آب درآمدند. آنها رسماً برای تهیه گزارشی از جشن‌های نوروزی فرقه بکتاشی‌ها که در آلبانی پیروان بسیاری دارند به این کشور سفر کرده بودند. این سه «خبرنگار» البته بیش از آنکه به مراسم «نوروز سلطان» بپردازند از مکان‌هایی فیلمبرداری می‌کردند که محل رفت و آمد وابستگان به سازمان مجاهدین بود. محمد علوی گنابادی، فیروز باقرنژاد و محمد حیدر علاءالدین توسط مامورین امنیتی آلبانی بازداشت و پس از ساعت‌ها بازجویی اخراج شدند.



بازنشسته حقوق بازنشستگی می‌دهد. اما تعداد بازنشستگان تأمین اجتماعی هر سال افزایش می‌یابد و در شش سال گذشته بیش از ۸۰۰ هزار نفر به جمع بازنشستگان و مستمری‌بگیران سازمان تأمین اجتماعی اضافه شده‌اند. صندوق بازنشستگی کشوری دومین سازمان بازنشستگی ایران است که ۸۰ هزار شاغل دارد که بیمه می‌پردازند. در مقابل، این صندوق به یک میلیون و ۶۳۰ هزار بازنشسته حقوق پرداخت می‌کند. یعنی تعداد مستمری‌بگیران این صندوق تقریباً دو برابر کسانی است که حق بیمه پرداخت می‌کنند. اکثر شاغلان صندوق بازنشستگی کشوری و بازنشستگان این صندوق، کارکنان و آموزگاران وزارت آموزش و پرورش هستند.

دولت‌های جمهوری اسلامی طی سال‌های گذشته با پولپاشی به این صندوق‌ها تلاش کرده‌اند آنها را سرپا نشان دهند بطوری که بر اساس بودجه ۱۴۰۲، امسال ۳۳۰ هزار میلیارد تومان بودجه به این صندوق‌ها اختصاص یافته است. این بودجه کمکی به صندوق‌های بازنشستگی در سال گذشته ۲۱۷ هزار میلیارد تومان بوده است. یک دهه پیش رقم تخصیص‌یافته به این صندوق‌ها حدود ۳۰ هزار میلیارد تومان بود و طی ده سال حدود یازده برابر افزایش یافته است.

کارشناسان معتقدند یکی از مهم‌ترین عوامل تشدید بحران در صندوق‌های بازنشستگی دخالت دولت در اداره آنها و استفاده از منابع این صندوق‌ها و در مقابل وابستگی صندوق‌ها به بودجه دولت است.

کمیسیون تلفیق برنامه هفتم توسعه نیز در مصوبه‌ای دولت را ملزم کرد که در طول پنج سال «پنج واحد درصد از سهم پرداختی و حمایتی‌اش از کل بودجه عمومی کشور» به صندوق‌های بازنشستگی را کاهش دهد.

محسن زنگنه سخنگوی کمیسیون تلفیق لایحه برنامه هفتم توسعه درباره این مصوبه گفته بود که «صندوق‌های بازنشستگی یکی از مسائل بسیار مهم در زمینه اقتصاد کلان کشور محسوب می‌شوند. در حال حاضر ۱۶ درصد بودجه عمومی کشور برای پرداخت حقوق و مزایای بازنشستگی در صندوق‌های بازنشستگی لحاظ می‌شود که با ادامه این روند، ممکن است این میزان به ۵۰ درصد افزایش پیدا کند.» محسن زنگنه افزوده بود که تلاش‌ها مبتنی بر این است که از طرق مختلف و اصلاحات سنج‌ای و ساختاری مدنظر دولت در صندوق‌های بازنشستگی بتوان مشکلات این صندوق‌ها را برطرف کرد.

همچنین در لایحه برنامه هفتم توسعه پیشنهاد شده که سن بازنشستگی برای زنان در مشاغل سخت و زیان‌آور ۴۵ سال و برای مردان به ۵۰ سال کاهش یابد. به عقیده کارشناسان این تصمیمات می‌تواند شمارش معکوس برای «انفجار پمپ‌های ساعتی صندوق‌های بازنشستگی» باشد.

از سوی دیگر اقدام به بازنشستگی زودتر از موعد نیز یکی از مشکلات صندوق‌های بازنشستگی است. به گفته مرکز پژوهش‌های مجلس، نسبت بازنشستگی زود هنگام در سازمان تأمین اجتماعی طی یک دهه از حدود ۱۴ درصد به بیش از ۵۰ درصد افزایش یافته است.

در این رابطه روزنامه «شرق» می‌نویسد اتفاق عجیبی در این صندوق افتاده و نسبت بازنشستگی زود هنگام به عادی، «نصف-نصف» شده. به این موضوع هم باید توجه داشت که شاخص «امید به زندگی» ایرانی‌ها در ۶۰ سال اخیر رو به بالا بوده اما در کنار آن، میانگین سن بازنشستگی رو به پایین است. این اتفاق فشار زیادی را به صندوق‌های بازنشستگی وارد می‌کند.

همزمان مرتضی افقه اقتصاددان و استاد دانشگاه جندی‌شاپور نیز در گفتگو با «فرارو» گفت: «زمانی که کشور با یک بحران اقتصادی روبرو می‌شود، طبیعتاً تمام ارکان اقتصادی کشور نیز با این مسئله درگیر می‌شوند، در چنین شرایطی صندوق‌های بازنشستگی با توجه به وضعیتی که دارند با بحران بیشتری روبرو هستند، بطوری که در حال حاضر بر اساس آمارهای رسمی برخی از این صندوق‌ها ورشکست شده‌اند و اگر حمایت دولت نباشد آنها نمی‌توانند به تعهدات خود عمل کنند.»

مرتضی افقه بهبود وضعیت صندوق‌های بازنشستگی را مشروط بر تغییر ساختاری در اقتصاد ایران دانسته است: «تا زمانی که ما با یک اصلاحات ساختاری در وضعیت صندوق‌های بازنشستگی روبرو نباشیم نمی‌توانیم انتظار داشته باشیم که وضعیت آن‌ها سر و سامان بگیرد.»

در حالی که صندوق‌های بازنشستگی ورشکسته یا در حال ورشکستگی هستند، بازنشستگان نیز از وضعیت خود به شدت ناراضی‌اند. امسال افزایش حقوق بازنشسته‌ها ۲۷ درصد برای افراد تحت پوشش تأمین اجتماعی و ۲۰ درصد برای سایر صندوق‌ها بوده اما این افزایش با تورم و هزینه‌های زندگی در ایران اصلاً همخوانی ندارد.

بازنشستگان سال‌هاست از جمله اقشار کم‌درآمد کشور به شمار می‌روند که غالب آنها به زیر خط فقر رانده شده‌اند. صندوق‌های بازنشستگی در مجموع ۲۵ میلیون بازنشسته و مستمری‌بگیر را تحت پوشش خود دارند اما با توجه به افراد تحت پوشش هر فرد بازنشسته، بحران در صندوق‌های بازنشستگی می‌تواند زندگی و معیشت ۵۰ میلیون نفر از جمعیت کشور را تحت تأثیر قرار دهد.

اینهمه در حالیست که جمعیت ایران به سمت پیری در حرکت است و بحران اصلی برای صندوق‌های بازنشستگی طی سال‌های آینده از راه خواهد رسید. هرچند در حال حاضر نیز وضعیت شاغلان نسبت به بازنشستگان صندوق‌ها که به عنوان «نسبت پشتیبانی» شناخته می‌شود نامطلوب است. نسبت پشتیبانی در صندوق بازنشستگی کشوری ۰/۶۵ درصد و نیروهای مسلح ۰/۸۳ درصد است. این در حالیست که استاندارد جهانی این نسبت شش درصد است؛ یعنی در حالت استاندارد در یک صندوق باید شش نفر کار کنند و حق بیمه بپردازند تا یک نفر بازنشسته شود.

جدا از موضوع تزریق منابع به صندوق‌های بازنشستگی یکی از راهکارهایی که پیشتر از سوی مجلس شورای اسلامی مطرح و خرداد امسال نیز از سوی وزیر کار تکرار شد «ادغام» صندوق‌های بازنشستگی در یکدیگر است. کارشناسان معتقدند چنین اقدامی ابعاد فاجعه در صندوق‌های بازنشستگی را بیش از پیش افزایش می‌دهد.

خبرگزاری ایلنا نیز خرداد امسال و پس از تکرار راهکار «ادغام» صندوق‌های بازنشستگی از سوی وزیر کار در گزارشی با اشاره به تجربه صندوق بازنشستگی «ایران ایر» و واگذاری آن نوشت که «این واگذاری، نه تنها شرایط بازنشستگان هما را بهتر نکرد که بر میزان زیان انباشته این شرکت واگذار شده هم افزود. در حالی که اعضای این صندوق اصرار داشتند این شرکت خصوصی می‌تواند بر اساس قانون با در اختیار گرفتن و سپرده شدن بخشی از شرکت‌های شرکت ملی هما چون شرکت‌های کارگو یا هتل‌های تحت اداره، ضمن چاپک‌سازی به سوددهی برسد و بدون ادغام در یک شرکت بزرگتر دارای چالش سر پا ماند.»

سجاد پادام مدیرکل بیمه‌های اجتماعی وزارت کار ادریه‌هست امسال در گفتگو با وبسایت «نود اقتصادی» و در اظهار نظری جنجالی گفته بود که «کشور یونان ۱۰۰ جزیره فروخت تا بتواند مطالبات بازنشستگانش را بدهد. ما هم به زودی به این وضعیت دچار می‌شویم. ۳۰۰ هزار شهید دادیم که یک وجب خاک از دست ندهیم، اما ممکن است به جایی برسیم که مجبور شویم کیش، قشم و خوزستان را بفروشیم تا بتوانیم حقوق بازنشستگان را بدهیم.»

مدیرکل بیمه‌های اجتماعی وزارت کار افزوده بود که «حتی اگر ۳ میلیون بشکه نفت را بدون تحریم بفروشیم و پولش را کامل بگیریم باز هم نمی‌توانیم بحران بازنشستگان را حل کنیم. باید در ۵ ماه ۸۵ هزار میلیارد کار عمرانی می‌کردیم ولی فقط ۱۳ هزار میلیارد اجرایی شده، یعنی ۲۰ درصد.»

وحید شقاقی شهری کارشناس اقتصادی نیز تیرماه ۱۴۰۱ در گفتگو با وبسایت «فرارو» گفته بود که اگر قرار باشد همین وضعیت فعلی ادامه پیدا کند، دولت ناچار است تا ۴-۵ سال آینده برای پوشش هزینه‌های این صندوق‌ها و جلوگیری از ورشکستگی، نیمی از بودجه عمومی را به صندوق‌های بازنشستگی به غیر از تأمین اجتماعی اختصاص دهد.

«حجاب بان» با حقوق و مزایا، شغل جدید در جمهوری اسلامی!

تصمیمات پشت پرده و هشدار درباره تنش‌های اجتماعی



● شماری از اعضای فراکسیون انقلاب اسلامی موفق شدند در جلسه‌ای غیرعلنی موافقت اکثر نمایندگان را برای بررسی این لایحه طبق اصل ۸۵ قانون اساسی جلب کنند. اصلی که به نمایندگان اجازه می‌دهد تا به دور از چشم مردم و افکار عمومی درباره طرح‌ها و لوایح تصمیم بگیرند و به اجرا بگذارند!

● شهرداری تهران از «استخدام» ۴۰۰ تن با عنوان عجیب «حجاب بان» و با حقوق ماهانه ۱۲ میلیون تومان و مزایای «سختی کار» برای فعالیت در متروها خبر داده است.

● اتحادیه فروشندگان فرآورده‌های گوشتی، غذایی، پیتزا و غذاهای فانتزی مشهد اعلام کرده که زنان شاغل در این واحدها باید از «پوشش متحدالشکل» شامل «مانتو و مقنعه» استفاده کنند.

● رئیس انجمن صنفی دفاتر گردشگری گفته اگرچه «همه‌جای ما می‌لنگد»، اما تمام دغدغه جمهوری اسلامی «حجاب و عفاف» شده است.

غوغاسالاری جمهوری اسلامی با موضوع حجاب ادامه دارد و فراکسیون انقلاب اسلامی در مجلس شورای اسلامی توانسته با استفاده از اصل ۸۵ قانون اساسی بررسی لایحه «حجاب و عفاف» را به دور از اطلاع افکار عمومی به کمیسیون مشترک بسپارد. شهرداری تهران نیز از «استخدام» ۴۰۰ تن با عنوان شغل عجیب «حجاب بان» و با حقوق ماهانه ۱۲ میلیون تومان برای فعالیت در متروها خبر داده است. در حالی که لایحه «حجاب و عفاف» تدوین شده توسط قوه قضاییه همچنان در مجلس شورای اسلامی در حال بررسی است، نهادها و سازمان‌های مختلف بطور موازی در حال پیشبرد اهداف حکومت در زمینه حجاب اجباری هستند. روزنامه اینترنتی «فراز» از «استخدام» ۴۰۰ تن با عنوان شغلی «حجاب بان» با حقوق ماهانه ۱۲ میلیون تومان برای فعالیت در متروها خبر داده است.

بر اساس این گزارش، یک منبع آگاه در یک شرکت پیمانکاری گفته است که شهرداری تهران، به زودی ۴۰۰ نیرو را با عنوان «حجاب بان» در ایستگاه‌های مترو پایتخت مستقر خواهد کرد. این نیروها که توسط یگان حفاظت شهرداری تهران گزینش شده و کلاس‌های آموزشی مربوط به این کار را نیز گذرانده‌اند، به زودی در ایستگاه‌های مترو وارد فعال خواهند شد.

این منبع آگاه افزوده که «حجاب بان»‌ها تنها وظیفه «تذکر لسانی و ممانعت از ورود بی‌حجاب‌ها و بدحجاب‌ها به مترو» و در صورت مقاومت، معرفی آنها به پلیس را دارند و در صورت درگیری با شهروندان، از خدمت ملحق خواهند شد. مهدی بابایی عضو شورای اسلامی شهر تهران از این تصمیم اظهار بی‌اطلاعی کرده اما روزنامه «فراز» گزارش داده که قرارداد این نیروها توسط شرکت پیمانکاری «حامیان شهر شهرداری تهران» منعقد شده که سابقه زیادی در جذب و استخدام نیروهای یگان حفاظت شهرداری تهران دارد.

همچنین اعلام شده دستمزد ماهانه نیروهای «حجاب بان» شهرداری حدود ۱۲ میلیون تومان است که مزایای «سختی کار» نیز به آنها تعلق خواهد گرفت!

پیش از این احمد حسین فلاحی نماینده مجلس شورای اسلامی گفته بود که «ما می‌خواهیم کسانی را که در ادامه اغتشاشات سال گذشته، در خیابان، مترو و... هنجارشکنی

می‌کنند مهار کنیم.»

در مجلس شورای اسلامی نیز تلاش‌ها برای تصویب لایحه «حجاب و عفاف» تدوین شده از سوی قوه قضاییه ادامه دارد؛ لایحه‌ای که ابعاد گسترده‌ای از محدودسازی و جرم‌انگاری علیه زنان و مردانی که از پوشش اختیاری استفاده می‌کنند در بر دارد. در جدیدترین رویداد، نیروهای «انقلابی» حاضر در مجلس یازدهم و شماری از اعضای فراکسیون انقلاب اسلامی روز یکشنبه ۱۵ مرداد موفق شدند در جلسه‌ای غیرعلنی موافقت اکثر نمایندگان را برای بررسی این لایحه طبق اصل ۸۵ قانون اساسی جلب کنند.

بر اساس اصل ۸۵ قانون اساسی، مجلس شورای اسلامی می‌تواند در موارد ضروری صلاحیت وضع قوانین آزمایشی را به کمیسیون‌های خویش تفویض کند که در اینصورت بررسی و تصویب قانون به دور از چشم افکار عمومی انجام می‌شود. روزنامه «شرق» در اینباره گزارش داده که در جلسه‌ای توجیهی و غیرعلنی که ساعت ۶:۳۰ صبح روز یکشنبه برگزار شد، فراکسیون اکثریت با همان فراکسیون انقلاب اسلامی موفق شدند همراهی اعضا را برای اصل ۸۵ شدن لایحه جلب کنند. به عبارتی در رأیی استمراجی در جلسه غیرعلنی فراکسیون انقلاب، آن را به صحن علنی بکشاند و نظر موافق ۷۳ درصد حاضران را با خود همراه کند.

روزنامه «شرق» در ادامه نوشته با این اقدام تصویب لایحه حجاب و عفاف را به «کمیسیونی متشکل از کمیسیون فرهنگی و قضائی می‌سپارند تا همان افرادی که لایحه حجاب دولت را از ۱۵ ماده به ۷۰ ماده رساندند و طبق پیشنهادات مطرح‌شده بیم آن می‌رود ۱۰ تا ۱۵ درصد بیشتر بر شدت مجازات‌های تعیین‌شده بیفزایند، این قانون را تصویب و بعد برای اجرا ابلاغ کنند.»

برخی نمایندگان مجلس شورای اسلامی به قرار گرفتن بررسی لایحه حجاب زیر اصل ۸۵ قانون اساسی واکنش نشان داده‌اند. احمد علیرضایی عضو کمیسیون شوراها و امور داخلی مجلس شورای اسلامی در اینباره گفته که «کلیت مجلس از بیان نظر خودش در قبال لایحه عفاف و حجاب واهمه دارد و ترجیح می‌دهد جای دیگری با این موضوع درگیر باشد و افکار

عمومی آن‌ها را مورد چالش قرار دهند.»

به گفته احمدعلیرضاییگی «همانطور که قابل پیش‌بینی است همان اتفاقی که برای صیانت از فضای مجازی رخ داد برای لایحه عفاف و حجاب هم رخ خواهد داد. یعنی جامعه نسبت به این موضوع واکنش نشان خواهد داد و مجلس مجبور می‌شود در صحن علنی نسبت به آن تصمیم‌گیری کند و در نهایت مثل همان صیانت از فضای مجازی که مجلس نمی‌خواست درگیر تصویب آن شود و به شورای عالی فضای مجازی سپرده شد، این لایحه هم بعد از کش و قوس و آمدن به صحن علنی، به شورای عالی انقلاب فرهنگی ارجاع داده خواهد شد.»

معین‌الدین سعیدی در گفتگو با خبرنگاری «ایلنا» درباره اقدام فراکسیون انقلاب اسلامی گفته که «این رأی‌گیری استمراجی به نظر من نگرانی‌ها را در این مسئله بیشتر می‌کند چرا که جامعه احساس می‌کند فارغ از چشم و نگاه آنها در کمیسیون مشترک بررسی خواهد شد و همان اتفاقی که برای طرح صیانت افتاد در این لایحه هم اتفاق خواهد افتاد بدون این که نظرات کارشناسی قاطبه نمایندگان اتخاذ شود.»

او درباره تعداد آرا اخذ شده در این رأی‌گیری استمراجی گفت: «۱۷۱ رای موافق دادند یعنی حدوداً بالای ۷۴ درصد نمایندگان موافق اصل ۸۵ شدن لایحه عفاف و حجاب بودند و تنها ۴۰ نفر مخالفت کردند.»

جلال رشیدی‌کوچی نماینده مردودشت در مجلس شورای اسلامی هم گفته که «معتقدم اگر قرار است در اینباره چیزی تصویب شود که از نظر آحاد جامعه مورد پذیرش و تأیید باشد، در کنار همه موارد سلبی که باید انجام شود، باید به سمت رفع مشکلات اقتصادی مردم و اقدامات ایجابی برویم تا بتوانیم نتیجه مطلوب را بگیریم. اصولاً اصل و بنیه اسلام هم ۹۰ درصد بر پایه اقدامات ایجابی است و تنها ۱۰ درصد اقدامات سلبی است و باید مراقب این نکته باشیم.»

غلامرضا نوری‌قلزجه نماینده بستان‌آباد نیز درباره رفتن بررسی لایحه حجاب و عفاف زیر مجموعه اصل ۸۵ قانون اساسی و «پشت درهای بسته» گفته که «من هم این برداشت را نکنم، هر ناظری می‌تواند این برداشت را بکند که ترسی از این موضوعات وجود دارد.»





لگدکوب کردن پوستر جو بایدن در راهپیمایی حامیان حکومت در تهران

گروگانگیری یک شهروند دوتابعیتی دیگر به اتهام «جاسوسی»؛ دولت بایدن اجرای توافق پنهان با جمهوری اسلامی را متوقف کرد

اسلامی با آزادی این فرد به عنوان نفر چهارم موافق بودند اما آمریکا پیام فرستاد فرد پنجم که یک خانم است نیز باید به فهرست مبادله اضافه شود. در اینجا بود که توافق پشت پرده رژیم ایران و آمریکا بهم خورد.

آمریکا توافق را بهم زد

دولت جمهوری اسلامی چشم‌انتظار بود با میانجیگری قطر و عمان بعد از چند دور مذاکره پنهان در دوحه و مسقط بتواند پول‌های بلوکه شده در کره جنوبی را دریافت کند اما از قرار معلوم تیر زمامداران رژیم به سنگ خورد. برای تکمیل این روند حتی علی باقري کني معاون وزير خارجه دولت رژیسی به ورشو سفر کرد و اوایل خردادماه محمدرضا فرزین رئیس بانک مرکزی جمهوری اسلامی نیز راهی واشنگتن شد.

در این میان، محمد مخبر دزفولی معاون اول ابراهیم رژیسی روز دوشنبه ۱۶ مرداد به مناسبت «روز خبرنگار» نشست مطبوعاتی داشت. وی نیز در سخنان خود به اختلاف میان جمهوری اسلامی و دولت بایدن برای مبادله زندانیان اشاره کرد و گفت «برای وارد کردن ارز با سه کشور توافق به خوبی انجام شده بود اما بعد از ۲۴ ساعت توافقات لغو شد.» مخبر تأکید کرد: «غایب‌اند آمریکا توافقات را بهم زد.»

او توضیح نداد علت بهم خوردن توافق چه بود اما گفت: «آمریکا در اغتشاشات ۴۰۰ میلیون دلار برای تقابل با ایران هزینه کرد.»

برخی منابع نزدیک به جریان اصلاح‌طلب انگشت اتهام را به سوی «کاسیان تحریم» (سپاه پاسداران انقلاب اسلامی) دراز کرده و مطرح می‌کنند در جایی که امکان معامله با آمریکا وجود دارد سپاه با اقداماتی مثل گروگانگیری، تست موشک‌های بالستیک، اقدام علیه نفتکش‌ها و کشتی‌های تجاری و یا حملات راکتی به پایگاه‌های آمریکا در سوریه و عراق روند مذاکرات را بهم می‌زند.

علی‌اکبر صالحی رئیس پیشین سازمان انرژی اتمی جمهوری اسلامی ۳۱ تیرماه پس از ماه‌ها سکوت در یک مصاحبه پیشنهاد «گفتگوی سیاسی با آمریکا» را مطرح کرد و هشدار داد که این گفتگوها «مناسب‌ترین راه باقیمانده برای نظام است.»

قاسم محبعلی مدیرکل پیشین خاورمیانه وزارت خارجه که از مخالفان سرسخت برجام بود نیز ۱۱ مرداد در یک نشست گفت «هیچ راه حلی جز توافق با آمریکا وجود ندارد.»

● روزنامه «خراسان» گزارش داد در هفته‌های اخیر در جریان مذاکرات غیرمستقیم جمهوری اسلامی و آمریکا برای آزادی چهار شهروند دوتابعیتی در ایران، یک خانم ایرانی-آمریکایی که سابقه حضور در سازمان‌های غیردولتی افغانستان را داشته توسط نهادهای امنیتی جمهوری اسلامی بازداشت شده است.

● این روزنامه توضیح داده آمریکایی‌ها برای اجرای توافق مبادله زندانی‌ها در ازای آزاد شدن پول‌های بلوکه شده ایران در کره جنوبی خواستار آزادی چهار نفر بودند که بعد از دستگیری این شهروند دوتابعیتی، اجرای توافق را «متوقف کرده‌اند» و خواستار اضافه شدن این خانم به لیست زندانی‌هایی شدند که قرار بود آزاد شوند.

● محمد مخبر معاون اول ابراهیم رژیسی می‌گوید «برای وارد کردن ارز با سه کشور توافق به خوبی انجام شده بود اما بعد از ۲۴ ساعت توافقات لغو شد.» مخبر تأکید کرد: «غایب‌اند آمریکا توافقات را بهم زد.»

روزنامه «خراسان» روز دوشنبه ۱۶ مرداد گزارش داد در هفته‌های اخیر در جریان مذاکرات غیرمستقیم جمهوری اسلامی و آمریکا برای آزادی چهار شهروند دوتابعیتی در ایران، یک خانم ایرانی-آمریکایی که سابقه حضور در سازمان‌های غیردولتی افغانستانی داشته توسط نهادهای امنیتی جمهوری اسلامی بازداشت شده است.

این روزنامه توضیح داده آمریکایی‌ها برای اجرای توافق مبادله زندانی‌ها در ازای آزاد شدن پول‌های بلوکه شدن ایران در کره جنوبی خواستار آزادی چهار نفر شدند که بعد از دستگیری این شهروند دوتابعیتی، اجرای توافق را «متوقف کرده‌اند» و خواستار اضافه شدن این گروگان به لیست زندانی‌هایی شدند که قرار بود آزاد شوند.

اتهام این زن که به نام وی اشاره نشده «جاسوسی» است. حتا مشخص نیست که وی کجا و چطور دستگیر شده است. روزنامه خراسان تأکید کرده آمریکا در ارتباط با توافق مربوطه «دبه کرده» است.

افرادی که قرار بود در ازای آزاد شدن پول‌های بلوکه شده ایران در کره جنوبی مبادله شوند باقر نمازی، سیامک نمازی، عماد شرقی و مراد طاهباز بودند. در این میان باقر نمازی با توجه به سن بالا و به دلیل ابتلا به بیماری، زودتر از سایرین آزاد شد. مدتی بعد نام «شهاب دبیلی» یک شهروند دوتابعیتی دیگر مطرح شد. وی از سال ۱۳۹۵ در زندان بسر می‌برد و به نظر می‌رسد اتهام وی نیز «جاسوسی» است. آنطور که روزنامه «خراسان» شرح داده، مقامات جمهوری

اینهمه در حال است که به نظر نمی‌رسد مخالفت شمار اندکی از نمایندگان بتواند مسیر طراحی شده از سوی جمهوری اسلامی برای بسته شدن فضای اجتماعی علیه زنان به توسل به قوانین حجاب و عفاف را محدود کند. جالب اینکه هنوز این لایحه تصویب و تبدیل به قانون نشده اما ایجاد محدودیت‌ها علیه زنان و به بهانه حجاب افزایش یافته است. در همین رابطه، اتحادیه فروشندگان فرآورده‌های گوشتی، اغذیه، پیتزا و غذاهای فانتزی مشهد با ارسال پیامکی به واحدهای تحت نظارت این اتحادیه اعلام کرده که از این پس زنان فعال در این واحدها باید از «پوشش متحدالشکل» اجباری شامل «مانتو و مقنعه» استفاده کنند.

حمید اموری سرابی رئیس این اتحادیه روز گذشته در گفتگو با «شبکه شرق» با تأیید ارسال این پیامک‌ها گفت که این واحدها باید از صبح ۱۵ مرداد، «پوشش ابلاغ شده را رعایت کنند». حمید اموری سرابی افزوده که «صبح امروز اتاق اصناف مشهد نامه‌ای را به ما ارسال کرد که در آن قید شده بود پوشش متحدالشکل مانتو و مقنعه برای زنان شاغل در واحدهای صنفی اجباری است.»

او همچنین تأیید کرده که این تصمیم حاصل برگزاری جلسات اتاق اصناف با نهادهای حکومتی چون «عفاف و حجاب، امر به معروف و نهی از منکر، شورای شهر، فرمانداری و استانداری» در زمینه پوشش زنان «پرسنل و مشتری» در این واحدها است.

در آنسو حرمت‌الله رفیعی رئیس انجمن صنفی دفاتر گردشگری با انتقاد از بی‌توجهی جمهوری اسلامی به «مشکلات مردم در حوزه‌های معیشت، اقتصاد، دارو و درمان» تأکید کرده اگر چه «همه‌جای ما می‌لنگد» اما تمام دغدغه جمهوری اسلامی «حجاب و عفاف» شده است.

او خطاب به مسئولان جمهوری اسلامی گفت که همه مشکلات در کشور را «رها کردید فقط می‌خواهید برخورد‌های ارزشی و دیکتاتوری انجام بدهید» و با بیان اینکه نباید در رابطه با حجاب اجباری، «با مردم این‌گونه رفتار کرد» گفته سیاست‌های حکومت در این زمینه «درست نیست» و تنها باعث ایجاد «درگیری بین مردم با مردم» خواهد شد.

تندروها اما همچنان تلاش دارند «حجاب» را به مسئله اصلی مواجهه حکومت و مردم قرار دهند تا خواست اصلی مردم ایران یعنی «براندازی جمهوری اسلامی و تغییر ساختار سیاسی کشور» را منحرف کنند. حسین شریعتمداری مدیرمسئول روزنامه «کیهان» چاپ تهران روز گذشته در سرمقاله این روزنامه بار دیگر با انتقاد از شیوه‌ی وقت‌گیر بررسی لایحه «عفاف و حجاب» در مجلس پرداخت و نوشت که «بحث و بررسی لایحه‌ای با این متن طولانی، چه میزان وقت می‌برد؟! و در این فاصله طولانی تکلیف مقابله با کشف حجاب چه می‌شود؟!» او در این یادداشت همچنین حجاب اختیاری را «پدیده پلشت کشف حجاب» خوانده و خطاب به نهادهای و مقامات حکومتی نوشته است با گذشت نزدیک به ۱۰ ماه از پیدایش این پدیده، «انفعال ۱۰ ماهه با چه توجیه قانونی و منطقی صورت پذیرفته است؟»

حسین شریعتمداری در بخش دیگری از این مطلب نوشت که «انفعال در مقابله با کشف حجاب» نه تنها آن را در نگاه مخالفان حجاب اجباری «کم‌اهمیت جلوه می‌دهد» بلکه «سرویس‌های اطلاعاتی دشمن را که صحنه‌گردان اصلی هستند با احساس موفقیت روبرو می‌سازد.»

نماینده علی خامنه‌ای در کیهان تهران در پایان یادداشت خود از مجلس شورای اسلامی خواسته است «از روی دیگر این سکه نیز غافل نباشند و خدای نخواستہ بجای مقابله با کشف حجاب، دشمن را در اجرای این طرح خرنده و خسارت‌بار یاری نکرده باشند.»

جستاری در مشروطه‌پژوهی



تحلیلی در رابطه مشروطیت با انعقاد قرارداد ۱۹۱۹ و فسخ آن، تدوین و تألیف نشده است.

«سلطنت مشروطه: از حکومت منتظم تا دولت مقید به قانون» هم از مسائلی است که زمینه‌های تحول فکری و تغییر ادبیات سیاسی در ایران پیشامشروطه، در میان تحقیقات مشروطه‌پژوهی مورد توجه قرار نگرفته است؛ تا کنون تا حدی از شخصیت‌های مدرن‌اندیشی نوشته شده که در تألیفات و آثار خود به ضرورت حکومت مشروط و مقید به قانون اشاره کرده‌اند. پیشینه اندیشه‌های مدرن مشروطه‌خواه در ایران از چه زمانی و توسط چه کسانی به وجود آمد؟ اثرات عملی آنان در تدوین قانون اساسی و قوانین موضوعه تا چه حدی است؟ و... سوالاتی هستند که در دایره مشروطه‌پژوهی قرار دارند و انتشار کمترین متون را در این رابطه شاهدیم.

«برنامه و مدل اقتصادی مشروطیت» هم از مسائل و موارد مهمی هستند که به صورت منسجم و به استناد منابع تاریخی، اسناد رسمی و خاطرات و یادداشت‌های مشروطه‌خواهان، صورت روشمند را در مشروطه‌پژوهی به خود اختصاص نداده‌اند. مسئله زمین و دهقانی- فقرزدایی- بهداشت عمومی- صنعت‌گرایی- تجارت مالیه- بانکداری و اصلاحات مالی- دموکراسی اجتماعی- برنامه‌های اقتصادی سوسیال دموکرات‌ها- ایده‌های علی اکبر دهخدا- افکار طالبوف‌تربیزی- اصلاح ساختارهای مالی و اقتصادی مورگان شوستر و... از مواردی هستند که روشنگر مدل اقتصادی مشروطه‌خواهان به شمار می‌روند. اینکه «قسطی و وبا در پیش‌زمینه‌های مشروطیت» چه تأثیراتی داشته است؛ حکومت قاجاریه با بهداشت عمومی چگونه برخورد می‌کرد و این مسئله چطور به یاری مشروطه‌خواهان در جهت اعلان برنامه‌های رفاه و بهداشت اجتماعی آمد و مردمی را که با واقعیت‌های آزاردهنده زندگی درگیر بودند، در کنار مشروطه‌خواهان قرار داد... همه اینها و موارد دیگر، از مسائلی هستند که با ورود به دایره مشروطه‌پژوهی، می‌توانند بر نوین‌سازی مشروطیت و آگاهی از ضعف‌های آن و رفع آنان دلالت داشته تا قوت‌های اندیشه مشروطیت و مشروطه‌خواهی را مدرن ساخته و با جهان امروز تطبیق دهند.

دارند؛ نقش آگاهی‌بخش، سازمانده و هدایت‌کننده «انجمن ایالتی تبریز» که بر پایه ایده‌های سوسیال دموکراتیک و در راستای تحقق برابری اجتماعی و ایجاد آزادی‌های سیاسی و تأمین قانونمندی در کشور جریان داشت، از مسائلی است که با پژوهش در آنها می‌توان به لایه‌های تازه‌ای جنبش مشروطیت و ایده‌های مدرن‌گرایانه مشروطه‌خواهانه آگاه شد. در پیوست و همسو با رویدادهای ناشناس مانده عصر مشروطیت، مسئله «کودتای بختیاری‌ها علیه مشروطیت» و تحلیل مستند و واقع‌بینانه حادثه پارک اتابک، نقش حمایتی سفارت انگلیس از اعاده مشروطیت و تغییر مواضع آن در برابر عملکرد دوران بعد از استبداد صغیر و دوره دوم مجلس شورای ملی، اگرچه در برخی از اسناد دیپلماتیک و دولتی تحقیق شده‌اند، اما حقیقت تغییر رفتار مشروطه‌خواهان و برخوردهای داخلی آنها با یکدیگر و نقش سفارت روسیه در سیر تاریخی مشروطه‌خواهی، از مواردی هستند که تألیفات و آثاری نوین را در مشروطه‌پژوهی می‌طلبند.

«تخریبات بریتانیا و روسیه در مشروطیت» برخلاف آنچه تا کنون در حمایت بریتانیا از مشروطه‌خواهان و مخالفت روسیه با آنان نوشته شده‌اند، از مواردی هستند که مشروطه‌پژوهی را در یافته‌های رسمی و دیپلماتیک ضرورت می‌دهد؛ با مراجعه به اسناد نویافته بریتانیا و روسیه و برخی از اسناد دولتی ایران و خاطراتی که به تازگی منتشر شده‌اند، شکل و ماهیت برخورد دو دولت مذکور را به فرم دیگری درآورده‌اند؛ تأملی روشمند و تاریخ‌نگارانه در آنها، بر شفافیت جریانات بحرانی مشروطیت در سال‌های منتهی به جنگ جهانی اول و معضلات مالی و تجاری مشروطه‌خواهان می‌گشایند.

بر اساس آنچه اشاره کردم، مسئله «دیپلماسی نوین و مشروطیت» هم از مواردی است که جای آن در مشروطه‌پژوهی خالی است. هنوز بجز چند سند ناقص و محدود، اصول دیپلماتیک مشروطه‌خواهان و نحوه برخورد قانونی آنان با مسائل دیپلماتیک مشخص نشده است؛ هنوز معلوم نیست که چرا مجلس مشروطیت، تن به اخراج مورگان شوستر داد یا اینکه چرا مشروطه‌خواهان در برابر اولتیماتوم روسیه کوتاه آمدند و مجلس را تعطیل کردند. همچنین

از جمله مواردی که در رابطه با جنبش مشروطیت قابل پژوهش است، تحریقاتی است که در رویدادها و ایده‌های مشروطیت رخ داده‌اند؛ ماجرای گنجاندن «عدالتخانه» در خواسته‌های اولیه مشروطه‌خواهان، مسئله ایده‌هایی که در مجلس اول شورای ملی جریان داشتند، نقش گروه‌های سیاسی سوسیال دموکرات در ساماندهی مشروطه‌خواهان، حضور منفعل برخی ملایان شیعه در صفوف مشروطه‌خواهی و... از مواردی هستند که هنوز در پژوهش‌های مشروطیت بطور کامل و مستند بررسی نشده‌اند.

علی‌اصغر حقدار - در یکصد و هفدهمین سالگرد جنبش مشروطیت هستیم؛ مشروطیت، جنبشی بود که برای مدرن‌سازی فرهنگ و سیاست، استقرار حکومت مقید به قانون، مشروط به حقوق و تأمین رفاه اجتماعی و آزادی به وجود آمد. چیستی و چرایی مشروطیت در آثار و تألیفات مشروطه‌پژوهی از دیدگاه‌های متفاوت، بررسی و کاوش شده است؛ هم‌زمان با جنبش مشروطیت، مشروطه‌نویسی شروع و در سیر تاریخی با استناد به اندیشه‌شناسی- تاریخ‌نگاری- نسخه‌شناسی و تحقیقات اسنادی، سبک و روش مشروطه‌پژوهی یکی از اصول تاریخی‌نگاری جریانات و اندیشه‌های ایران معاصر به شمار می‌رود. با وجود انتشار عمومی بخش عمده‌ای از مسائل جنبش مشروطیت، هنوز بخش‌هایی از رویدادها و اندیشه‌های مشروطه‌خواهانه، در انتظار پژوهش و انتشار هستند. از جمله مواردی که در رابطه با جنبش مشروطیت قابل پژوهش است، تحریقاتی است که در رویدادها و ایده‌های مشروطیت رخ داده‌اند؛ ماجرای گنجاندن «عدالتخانه» در خواسته‌های اولیه مشروطه‌خواهان، مسئله ایده‌هایی که در مجلس اول شورای ملی جریان داشتند، نقش گروه‌های سیاسی سوسیال دموکرات در ساماندهی مشروطه‌خواهان، حضور منفعل برخی ملایان شیعه در صفوف مشروطه‌خواهی و... از مواردی هستند که هنوز در پژوهش‌های مشروطیت بطور کامل و مستند بررسی نشده‌اند.

مسئله «اسلامیت‌های مشروطیت» از دیگر مواردی هستند که با تحریف برخی از اسناد مشروطیت، شکل و ماهیت دیگری به رویدادهای واقعی و کوشندگان در آن، داده‌اند؛ از این منظر، سیر دخالت و تحمیل مجتهدان در نگارش متمم قانون اساسی، نقش عده‌ای از آنها در انجمن‌های مشروطه‌خواه و ادوار اول و دوم مجلس شورای ملی، آنگونه که بایسته و شایسته پژوهش‌های روشمند باشد، بررسی و مستند نشده است.

«ازلیان سوسیال‌دموکرات مشروطه‌خواه» و نقش نوآیینان در انجمن‌های سیاسی و مدارس جدید عصر قاجاریه، از مسائلی است که در آثار و تألیفات مشروطه‌پژوهشی، در مراحل اولیه قرار دارد. نقش «انجمن باغ میکده» در رهبری فکری- سیاسی و نظامی جنبش مشروطیت، یکی از این موارد است که تنها در منابع درجه اول مشروطه‌پژوهی و به صورت محدودی در تألیفات مشروطه‌پژوهانه، مورد کنکاش قرار گرفته است؛ موقعیت حیثی دولت‌آبادی، ارزش خاطرات حاج سیاح، تاریخ‌نگاری ناظم‌الاسلام کرمانی در «تاریخ بیداری ایرانیان» و برخوردهای منفعلانه بهاییان و فعالان ازلیان در جنبش مشروطیت و انجمن‌هایی که در به‌ثمررساندن جنبش مشروطیت نقش داشتند، هنوز بطور کامل و مستند پژوهش نشده‌اند. «ایرانیان سوسیال‌دموکرات و سکولار مشروطه‌خواه» هم از مواردی است که در مراحل نخستین مشروطه‌پژوهی قرار

آکسیوس: بنیامین نتانیاهو خواستار «تضمین امنیتی» آمریکا به اسرائیل و عربستان در مقابل تهدیدات امنی جمهوری اسلامی است



جو بایدن در مارس ۲۰۱۰ وقتی معاون باراک اوباما بود در اورشلیم با بنیامین نتانیاهو نخست وزیر اسرائیل در اورشلیم دیدار کرد

کرده بودند چنین توافق را با دونالد ترامپ امضاء کنند. بسیاری از مقامات ارشد نهادهای امنیتی اسرائیل با این ایده مخالف بودند و می‌گفتند که چنین توافقی آزادی عملیات ارتش اسرائیل را محدود می‌کند. چند روز قبل از انتخابات سپتامبر ۲۰۱۹ اسرائیل، ترامپ در توئیتر نوشت که با نتانیاهو درباره امکان پیشبرد یک معاهده دفاعی متقابل گفتگو کرده است. آن زمان، به نظر می‌رسید این تلاش ترامپ برای کمک به نتانیاهو باشد که در آستانه‌ی انتخابات اسرائیل قرار داشت. اما نتانیاهو در آن انتخابات پیروز نشد و این ایده تا همین اواخر در دستور کار قرار نگرفت. در شرایطی که روابط امنیتی قوی ایالات متحده و اسرائیل را ارتقاء پیدا می‌کند، چنین توافقی می‌تواند اهرم‌های بیشتری را در مورد تأثیرگذاری بر عملیات نظامی اسرائیل در اختیار ایالات متحده قرار دهد. ران درمر وزیر امور استراتژیک اسرائیل در کنفرانسی در واشنگتن در نوامبر ۲۰۱۹ گفته بود که یک معاهده دفاعی با ایالات متحده «لایه بازدارندگی مضاعفی در برابر شدیدترین تهدیدات» به اسرائیل ارائه می‌دهد که این کشور با آنها روبروست. او در آن زمان گفت که یک «توافق محدود» را در ذهن دارد که به نیازهای دفاعی هر دو طرف کمک کند، اما دستان اسرائیل را هم نبندد. مقامات آمریکا قبلاً گفته بودند که دولت بایدن در تلاش است تا ابتکار دیپلماتیک خود را با عربستان سعودی قبل از اینکه برنامه انتخابات ریاست جمهوری آینده در دستور کار وی قرار بگیرد، به پایان برساند.

داد.» مقامات اسرائیلی گفتند که نتانیاهو معتقد است توافق امنیتی آمریکا و اسرائیل ابعاد وسیعی دارد که عادی‌سازی روابط عربستان و اسرائیل نیز بخشی از آن خواهد بود. بخشی از این توافق تضمین‌های امنیتی است که ایالات متحده به عربستان سعودی خواهد داد. سعودی‌ها خواهان توافقی هستند که مشابه تعهد کشورهای عضو در «ماده پنج» ناتو است که بر اساس آن هر کشور حمله به یکی از اعضا را عین تعرض به خود ارزیابی کرده و حق دارد واکنش نشان دهد. به این ترتیب، ایالات متحده نیز در صورت چنین توافقی، می‌بایست هرگونه حمله علیه عربستان سعودی را مانند حمله به خود تلقی کرده و برخورد کند. یک مقام آمریکایی گفت که دولت بایدن این درخواست را نپذیرفته، اما موافقت کرد درباره آنچه برخی مقامات آمریکایی آن را «ماده ۵/۴» می‌خوانند، گفتگو کند. یعنی یک تضمین امنیتی که کمتر از انتظارات عربستان است اما همچنان قابل توجه است. مقامات اسرائیلی گفتند که نتانیاهو و درمر خواهان تضمینی مشابه هستند و فکر می‌کنند که دستیابی به چنین توافقی آسان‌تر خواهد بود. همزمان روزنامه «وال استریت ژورنال» روز چهارشنبه ۱۸ مرداد گزارش داد واشنگتن و ریاض بر سر نقشه راه عادی‌سازی روابط عربستان با اسرائیل توافق کرده‌اند.

طرح «توافق امنیتی» سه‌جانبه ۲۰۱۹
 بنیامین نتانیاهو و ران درمر در سال ۲۰۱۹ نیز تلاش

● آکسیوس می‌نویسد چنین توافق رسمی احتمالاً باید توسط کنگره آمریکا تأیید شود. نتانیاهو معتقد است توافق امنیتی آمریکا و اسرائیل ابعاد وسیعی دارد که عادی‌سازی روابط عربستان و اسرائیل نیز بخشی از آن خواهد بود.

● بنیامین نتانیاهو به جو بایدن گفته است که می‌خواهد ران درمر وزیر امور استراتژیک را برای ارائه جزئیات این طرح به واشنگتن بفرستد.

● سعودی‌ها خواهان توافقی هستند که مشابه تعهد کشورهای عضو در «ماده پنج» ناتو است که بر اساس آن هر کشور حمله به یکی از اعضا را عین تعرض به خود ارزیابی کرده و حق دارد واکنش نشان دهد. به این ترتیب، ایالات متحده نیز در صورت چنین توافقی، می‌بایست هرگونه حمله علیه عربستان سعودی را مانند حمله به خود تلقی کرده و برخورد کند.

● یک مقام آمریکایی گفت که دولت بایدن این درخواست را نپذیرفت، اما موافقت کرد درباره آنچه برخی مقامات آمریکایی آن را «ماده ۵/۴» می‌خوانند، گفتگو کند؛ یعنی یک تضمین امنیتی که کمتر از انتظارات عربستان است اما همچنان قابل توجه است.

چهار مقام اسرائیلی و آمریکایی به آکسیوس گفتند، بنیامین نتانیاهو نخست وزیر اسرائیل می‌خواهد به توافقی امنیتی با آمریکا دست یابد که روی بازدارندگی جمهوری اسلامی متمرکز است.

بر اساس این گزارش که چهارشنبه ۱۸ مرداد منتشر شد این توافق در چهارچوب یک توافق بزرگتر میان آمریکا با اسرائیل و عربستان سعودی خواهد بود.

در این توافق رسمی، که احتمالاً باید توسط کنگره تأیید شود، با توجه به ادامه فعالیت‌های تهدیدآمیز امنی جمهوری اسلامی تضمین‌های امنیتی قوی‌تری توسط آمریکا به اسرائیل داده خواهد شد. ژنرال مارک میلی رئیس ستاد مشترک ارتش آمریکا به کنگره گفت که «اگر تهران اکنون تصمیم به ساخت سلاح هسته‌ای بگیرد، تنها پنج ماه با آن فاصله خواهد داشت.»

سه مقام اسرائیلی و آمریکایی به آکسیوس گفته‌اند که نتانیاهو در آخرین تماس تلفنی خود با جو بایدن در ماه ژوئیه ایده توافق امنیتی آمریکا و اسرائیل را مطرح کرد. وی به بایدن گفت که می‌خواهد ران درمر وزیر امور استراتژیک را برای ارائه جزئیات به واشنگتن بفرستد. یک مقام ارشد اسرائیلی به آکسیوس گفت که درمر این روند را پیش می‌برد و مدت کوتاهی پس از روی کار آمدن نتانیاهو از هفت ماه پیش، شروع به اجرای آن کرده است.

پارامترهای دقیق توافق پیشنهادی نتانیاهو مشخص نیست، اما مقامات اسرائیلی می‌گویند که قرار است بر تضمین‌های امنیتی آمریکا در مورد تهدید نظامی احتمالی هسته‌ای ایران متمرکز کند.

سخنگوی شورای امنیت ملّی آمریکا به پرسش‌ها در مورد جزئیات این توافق اشاره نکرد اما صرفاً گفته «آمریکا از عادی‌سازی کامل روابط با اسرائیل استقبال می‌کند و با شرکای منطقه‌ای خود در اینباره مذاکره را ادامه خواهد

تخلیه زندان «رجایی شهر»؛ تلاش سیستماتیک حکومت برای پاک کردن آثار جنایت علیه بشریت



زندان «رجایی شهر» کرج (گوهردشت) قتلگاه صدها زندانی سیاسی و دگراندیش در دهه شصت خورشیدی پس از تخلیه در تابستان ۱۴۰۲

اجرای قانون انتقال زندان‌ها و مراکز اقدامات تأمینی و تربیتی موجود به خارج از شهرها (مصوب ۷ آذر ۱۳۸۰) است.» اما شواهد موجود نشان می‌دهند که تخلیه زندان «رجایی شهر» بخشی از تلاش سیستماتیک مقامات جمهوری اسلامی در راستای پاک کردن آثار جنایاتی است که در طول حیات این حکومت صورت گرفته و با کشتار هزاران زندانی سیاسی در سال ۱۳۶۷ به اوج خود رسید. این جنایات به زندان «رجایی شهر» محدود نمی‌شوند.

همچنین، در بهمن‌ماه سال ۱۴۰۰ نیز، رئیس قوه قضائیه، در سفر استانی به مشهد، از زندان مرکزی این شهر بازدید و دستور اجرایی شدن روند انتقال این زندان به خارج شهر را صادر کرده بود.

زندان مرکزی مشهد نیز مانند زندان «رجایی شهر» کرج، یکی از نقاطی است که جنایات دهه ۶۰، در آن صورت گرفته بود. مسئله استفاده از شکنجه و تجاوز به زندانیان زن در زندان مرکزی مشهد، در نامه رسمی حسینعلی منتظری، قائم مقام وقت رهبر جمهوری اسلامی خطاب به روح‌الله خمینی مورد اشاره قرار گرفته بود.

در نامه منتظری که در تابستان ۱۳۶۷ نگاشته شده آمده است: «آیا می‌دانید که در زندان مشهد، حدود ۲۵ دختر به خاطر آنچه بر آنها رفته بود، مجبور به درآوردن تخمدان یا رحم شدند؟! آیا می‌دانید که در برخی زندان‌های جمهوری اسلامی، دختران جوان به زور، مورد تجاوز قرار می‌گیرند؟!»

علاوه بر این، طی سه سال گذشته گزارش‌های مختلفی از تلاش مقامات جمهوری اسلامی برای تخریب گورستان خاوران منتشر شده است. در گورستان خاوران، هزاران تن از زندانیان سیاسی اعدام‌شده در تابستان ۱۳۶۷ در گورهای دستجمعی و بدون نام و نشان، به خاک سپرده شده‌اند.

در مردادماه ۱۴۰۱، صدها نفر از اعضای خانواده‌های قربانیان دوره‌های مختلف حکومت جمهوری اسلامی ایران از کمیسر عالی حقوق بشر سازمان ملل خواستند تا مانع «تخریب و دستکاری در گورستان خاوران» به‌دست مأموران جمهوری اسلامی شود.

بر اساس گزارش‌ها، تخلیه این زندان در پی دستور رئیس قوه قضائیه در تاریخ ۱۷ فروردین‌ماه در دستور کار قرار گرفت و نخستین مرحله آن روز سه‌شنبه ۱۰ تیرماه با تخلیه نیمی از زندانیان آغاز و تا ۱۴ مردادماه، تمام زندان تخلیه شده است. یک منبع مطلع به سازمان حقوق بشر ایران گفت: «مقامات [زندان] اوایل تیر بدون ذکر نام خریدار به زندانیان خبر دادند



که زندان به مبلغ ده هزار میلیارد تومان به فروش رفته و به زودی تخلیه می‌شود.»

تخلیه و تخریب این زندان در حالی صورت می‌گیرد که طی دو سال گذشته، دادگاهی در سوئد فردی به نام حمید نوری را به اتهام مشارکت در کشتار زندانیان سیاسی سال ۱۳۶۷ به حبس ابد محکوم کرد و دادگاه تجدید نظر در ماه‌های آینده این پرونده را مورد بررسی قرار خواهد داد.

علاوه بر اعدام‌های گسترده زندانیان سیاسی در دهه نخست حیات جمهوری اسلامی، زندان «رجایی شهر» محل اجرای هزاران اعدام در سه دهه گذشته نیز بوده است. بر اساس آمار سازمان حقوق بشر ایران در دوره زمانی ۲۰۱۵ تا ۲۰۲۲ دست‌کم ۵۳۰ نفر فقط به اتهام قتل در این زندان اعدام شدند. مقامات رسمی مدعی‌اند که این جابجایی‌ها «در راستای

● یک منبع مطلع به سازمان حقوق بشر ایران گفت: «مقامات [زندان] اوایل تیر بدون ذکر نام خریدار به زندانیان خبر دادند که زندان به مبلغ ده هزار میلیارد تومان به فروش رفته و به زودی تخلیه می‌شود.»

● علاوه بر اعدام‌های گسترده زندانیان سیاسی در دهه نخست حیات جمهوری اسلامی، زندان «رجایی شهر» محل اجرای هزاران اعدام در سه دهه گذشته نیز بوده است. بر اساس آمار سازمان حقوق بشر ایران در دوره زمانی ۲۰۱۵ تا ۲۰۲۲ دست‌کم ۵۳۰ نفر فقط به اتهام قتل در این زندان اعدام شدند.

سازمان حقوق بشر ایران طی گزارشی به موضوع تخلیه زندان «رجایی شهر» کرج (گوهردشت) و انتقال زندانیان این قتلگاه صدها زندانی سیاسی و دگراندیش در دهه شصت خورشیدی به زندان قزلحصار پرداخته و نوشته این تغییر و جابجایی در حالیکه که پرونده کشتار زندانیان سیاسی که سال گذشته دادگاهی در سوئد بر اساس آن حمید نوری را به حبس ابد محکوم کرد، شامل سلسله جنایاتی می‌شود که بطور عمده در این زندان اتفاق افتاده است.

سازمان حقوق بشر ایران خواهان توقف تخریب قریب‌الوقوع این زندان به قصد پاک کردن آثار جنایاتی است که در سال ۱۳۶۷ در این زندان به اوج خود رسید.

محمود امیری مقدم مدیر این سازمان در این خصوص گفت: «زندان رجایی شهر محل ارتکاب جنایت علیه بشریت به دست کسانی است که هم‌اکنون دارای پست‌های کلیدی در جمهوری اسلامی هستند. تمامی ابعاد این جنایات هنوز مشخص نیست و بدون شک از بین بردن آثار و جلوگیری از نمایان شدن همه ابعاد این جنایات یکی از انگیزه‌های مهم حکومت برای تعطیل کردن این زندان است. جنبش دادخواهی و جامعه مدنی ایران و همچنین جامعه جهانی باید با تلاش خود، از تخریب این زندان جلوگیری کنند.»

رسانه‌های داخل ایران روز سه‌شنبه ۱۴ مردادماه، به نقل از دادگستری استان البرز از تخلیه کامل زندان «رجایی شهر» کرج (گوهردشت) خبر دادند.

جمهوری اسلامی به دنبال «صادرات آب سنگین»؛ توصیه روس‌ها به تهران: با آژانس همکاری کنید!



نیروگاه آب سنگین اراک / عکس: رویترز

دیپلمات‌های انقلابی شهرت داشتند مثل شرکای نه چندان قابل اطمینان روس خود آمریکا را مقصر شکست مذاکرات اتمی می‌دانند اما در جمهوری اسلامی چهره‌های زیادی هستند مثل محمدجواد ظریف وزیر خارجه پیشین جمهوری اسلامی که معتقدند روس‌ها بعد از حمله نظامی به اوکراین با باج‌خواهی از غرب در مذاکرات اتمی با جمهوری اسلامی عامل اصلی به بن‌بست رسیدن گفتگوها هستند.

اگر چه روس‌ها پیشتر نیز بارها به مقامات جمهوری اسلامی توصیه کرده بودند که راه حل رفع تحریم‌ها از توافق با آمریکا می‌گذرد اما به نظر می‌رسد مقامات مسکو از اینکه جمهوری اسلامی همچنان به دنبال روزه‌ای برای معامله با غرب است چندان راضی نیستند. با اینهمه رژیم ایران را بین زمین و هوا معلق نگه می‌دارند و همچنان آمریکا را مقصر شکست مذاکرات قلمداد می‌کنند.

بیانیه وزارت خارجه روسیه نیز در واقع متنی دو پهلو در مورد آسیب‌های غرب به همکاری‌های تهران و مسکو است. منابع اسرائیلی و همچنین برخی منابع غربی بارها هشدار داده‌اند که جمهوری اسلامی موازی با مذاکرات هسته‌ای برنامه‌های اتمی خود را به صورت مخفی پیش می‌برد.

در همین ارتباط نماینده دائم امارات متحده عربی در سازمان‌های بین‌المللی فعالیت‌های اتمی جمهوری اسلامی را فاقد «کاربرد واقع‌بینانه صلح‌آمیز» خواند و نسبت به ادامه این فعالیت‌ها ابراز نگرانی کرد و خواستار همکاری کامل تهران با بازرسان آژانس شد. هشدار اماراتی‌ها نسبت به فعالیت‌های اتمی جمهوری اسلامی در مقایسه با سایر کشورهای منطقه از جمله اسرائیل و عربستان کم سابقه است. یوشیماسا هایاشی وزیر خارجه ژاپن نیز روز دوشنبه ۱۶ مرداد در دیدار با حسین امیرعبداللہیان وزیر خارجه جمهوری اسلامی که به توکیو سفر کرده بود در مورد پیشرفت و افزایش غنی‌سازی اورانیوم در ایران و ارسال پهباد از ایران به روسیه برای استفاده در جنگ علیه اوکراین ابراز نگرانی کرد.

معاون وزیر خارجه روسیه در پاسخ به پرسشی دیگر درباره آینده برجام اظهار داشت: «این بستگی به تصمیم آمریکا و کشورهای اروپایی عضو برجام دارد. من مطمئنم که دوستان ایرانی آماده احیای برجام هستند.»



دیدار سرگئی ریابکوف معاون وزیر خارجه روسیه با علی باقری کنی معاون وزیر خارجه جمهوری اسلامی

سرگئی ریابکوف با بیان اینکه این کشورها بهانه‌هایی را مطرح می‌کنند که به برجام مرتبط نیست و از موقعیت سوء استفاده می‌کنند، یادآور شد: «این بازی ناعادلانه و همیشگی آنهاست. این رویکرد آنها، ما را شگفت‌زده نمی‌کند.» وی تأکید کرد: «آمریکا عضو برجام نیست» اما «صرف نظر از کارشکنی‌های آمریکا، به ایران توصیه می‌کنیم به همکاری با آژانس ادامه دهد.» هرچند مقامات وزارت خارجه دولت ابراهیم رئیسی که به

● محمد اسلامی رئیس سازمان انرژی اتمی می‌گوید «مشتقات آب سنگین از به‌روزترین دستاوردهایی است که کشورهای پیشرفته در آن وارد شدند و دو سه کشور هم بیشتر در این رابطه فعال نیستند و آمادگی داریم تا این مشتقات را به کشورهای دیگر هم صادر کنیم.»

● سرگئی ریابکوف و علی باقری کنی معاونان وزرای خارجه روسیه و جمهوری اسلامی با اشاره به «شکست مذاکرات احیای برجام» سیاست‌های آمریکا را مقصر عدم توافق دانستند.

● با اینهمه ریابکوف به مقامات جمهوری اسلامی تأکید کرد «آمریکا عضو برجام نیست» اما «صرف نظر از کارشکنی‌های آمریکا، به ایران توصیه می‌کنیم به همکاری با آژانس ادامه دهد.»

در شرایطی که مذاکرات هسته‌ای میان تهران و غرب به بن‌بست رسیده، رئیس سازمان انرژی اتمی جمهوری اسلامی اعلام کرد که «ایران آماده صادرات مشتقات آب سنگین است.» محمد اسلامی روز سه‌شنبه ۱۷ مرداد گفت «مشتقات آب سنگین از به‌روزترین دستاوردهایی است که کشورهای پیشرفته در آن وارد شدند و دو سه کشور هم بیشتر در این رابطه فعال نیستند و اکنون ما در میانه این کشورها هستیم و آمادگی داریم تا این مشتقات را به کشورهای دیگر هم صادر کنیم.»

این اظهارات همزمان با دیدار معاونان وزرای خارجه روسیه و جمهوری اسلامی در تهران بیان شد.

سرگئی ریابکوف و علی باقری کنی با اشاره به «شکست مذاکرات احیای برجام» اقدامات غرب برای «ادامه محدودیت» در برنامه اتمی را رد کردند و سیاست «فشار حداکثری» آمریکا را مقصر عدم توافق دانستند.

این دو بطور دقیق اشاره نکردند منظور از «محدودیت‌ها» تحریم‌هاست یا سطح غنی‌سازی اورانیوم.

به گزارش رویترز معاون وزیر خارجه روسیه در این دیدار سیاست فشار حداکثری غرب را غلط خواند و ضمن مخالفت با «تحمیل رویکردهای جدید غرب» گفت این اقدامات که برای همکاری بیشتر مسکو و تهران مضر است.

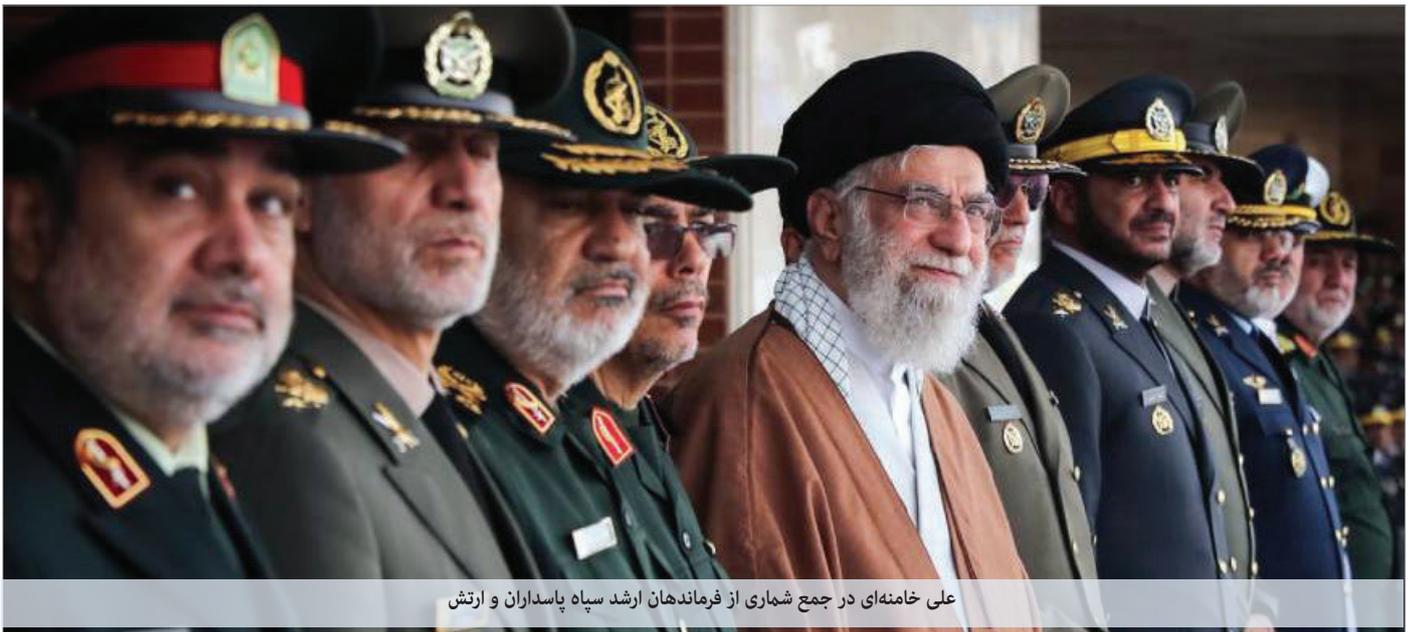
وزارت خارجه روسیه در بیانیه‌ای اعلام کرد: «در دیدار معاون وزیر خارجه روسیه با هم‌تایان ایرانی خود بر غیرقابل قبول بودن هرگونه تلاش غرب برای تحمیل برخی طرح‌ها و رویکردهای جدید برای حل مشکلات مربوط به برجام که حاکی از آسیب به همکاری‌های مشروع و دوجانبه سودمند روسیه و ایران در زمینه‌های مختلف است، تأکید شد.»

در این بیانیه همچنین تأکید شده هنوز «هیچ جایگزین معقولی» برای اجرای برجام، همانطور که شورای امنیت سازمان ملل متحد تأیید کرده است، وجود ندارد.

توصیه سرگئی ریابکوف به جمهوری اسلامی

همچنین معاون وزیر خارجه روسیه در جمع خبرنگاران در حاشیه نشست ایران و «بریکس» در پاسخ به پرسش خبرنگار «فارس» گفت که همکاری‌های نظامی ایران و روسیه برخلاف خواست دشمنان ادامه خواهد یافت. سرگئی ریابکوف افزود: «روسیه به همکاری با دوستان ایرانی خود متعهد است.»

«دولت ایران بزرگترین تهدید علیه انگلیس است»؛ نگرانی وزیر کشور بریتانیا از ارتباط جاسوسان جمهوری اسلامی با باندهای جنایتکار



علی خامنه‌ای در جمع شماری از فرماندهان ارشد سپاه پاسداران و ارتش

دریافت کرده است. این انجمن اما می‌گوید که «عطایی از اکتبر سال گذشته در سمت رئیس آن نبوده است.» کانال تلگرامی انجمن نیز پست‌هایی در تمجید قاسم سلیمانی فرمانده سابق سپاه «قدس» بازوی خارجی سپاه پاسداران انقلاب اسلامی که در حمله پهپادی آمریکا کشته شد، به اشتراک گذاشته است. آنها سلیمانی را «شهید» و رهبر «مقاومت» توصیف می‌کنند. محسن فخری زاده از عوامل ارشد برنامه هسته‌ای رژیم ایران نیز که در حوالی تهران ترور شد، «شهید» خوانده شده است.

در اکتبر ۲۰۲۰، این انجمن پستی از رهبر رژیم اسلامی به اشتراک گذاشت که در آن توضیح داده شده بود: «چرا ایجاد شک و تردید در مورد هولوکاست جرم است؟» این انجمن همچنین با انتشار مطالبی از نقش جمهوری اسلامی ایران در تضعیف «صهیونیسم جهانی» از طریق «گسترش افکار شهادت‌طلبی و مقاومت» ستایش کرده است.

انجمن مربوطه میزبان رویدادهایی در «کانون توحید» در محل کلیسای قدیمی Hamersmith است که پرتوهای از روح‌الله خمینی را در محراب خود دارد و با پرچم جمهوری اسلامی تزئین شده است. این کلیسای سابق در حال حاضر متعلق به موسسه خیریه «توحید» است. دو نفر از سه معتمد آن به مرکز اسلامی انگلستان و مسجدی در نزدیکی Maida Vale مرتبط هستند که امسال پس از تجلیل و مداحی برای قاسم سلیمانی چند ماه تعطیل شد و همچنان تحت تحقیق قرار دارد.

یکی از متولیان این مسجد سیدهاشم موسوی است که از سوی انجمن اسلامی مربوطه به عنوان «بنابنده ولی فقیه در انگلیس» معرفی شده است. او معترضان ضد رژیم را «سربازان شیطان» و زنان ایرانی را که حجاب برمی‌دارند «زهر» توصیف کرده است.

شنبه پنجم اوت ظاهراً موسوی پذیرفته که نمایندگان خامنه‌ای بر انتخابات انجمن دانشجویی نظارت

یک منبع نزدیک به وزیر کشور بریتانیا گفته است که تهدیدات رژیم ایران ما را بیش از پیش نگران می‌کند. وی افزود: «این یک مسئله مهم است زیرا آنها بیش از پیش خشن‌تر می‌شوند و اشتباهشان در حال افزایش است. آنان در برابر هر کسی که حکومت‌شان را به چالش می‌کشد بسیار تهاجمی هستند و فقط می‌خواهند آنها را از بین ببرند و فشارها و گستاخی خود را شدت می‌دهند.»

MI5 (سازمان امنیت داخلی بریتانیا) سال گذشته هشدار داده بود که تهران عامل ده توطئه قتل و آدم‌ربایی بوده و در فوریه امسال نیز پلیس متروپولیتن اعلام کرد که تعداد این جنایات به ۱۵ تن افزایش یافته است. در این میان درخواست‌های زیادی مبنی بر ممنوعیت سپاه پاسداران انقلاب اسلامی به عنوان یک سازمان تروریستی وجود داشته اما با مقاومت وزارت خارجه بریتانیا مواجه شده زیرا دولت انگلیس نگران است که چنین اقدامی آسیب دائمی به روابط دیپلماتیک آن با جمهوری اسلامی وارد کند.

«تایمز» در ادامه گزارش خود نوشته است که می‌تواند جزئیاتی از رابطه نزدیک بین جمهوری اسلامی ایران و یک سازمان دانشجویی مستقر در یک کلیسای «متدیست» سابق در «هامراسمیت» واقع در غرب لندن را فاش کند. این انجمن اسلامی برای دفاع از نظرات سیاسی و دینی روح‌الله خمینی، رهبر انقلاب اسلامی ایران در سال ۱۹۷۹ تأسیس شد و اکنون میزبان روحانیون افراطی و مقامات دولتی رژیم ایران است. آنهم در حالی که انتخابات داخلی آن توسط نمایندگان مذهبی علی خامنه‌ای رهبر رژیم نظارت می‌شود.

در ماه ژانویه، رئیس سابق انجمن، محمد حسین عطایی، دانشجوی کارشناسی ارشد در دانشگاه بردفورد، به کنفرانسی در تهران رفت و در آنجا با خامنه‌ای دیدار کرد. تصویری عطایی را نشان می‌دهد که بطور رسمی در برابر خامنه‌ای ۸۴ ساله زانو زده و سپس یک «چقیه» به عنوان هدیه

● MI5 (سازمان امنیت داخلی بریتانیا) سال گذشته هشدار داده بود که تهران عامل ده توطئه قتل و آدم‌ربایی بوده و در فوریه امسال نیز پلیس متروپولیتن اعلام کرد که تعداد این جنایات به ۱۵ تن افزایش یافته است. در این میان درخواست‌های زیادی مبنی بر ممنوعیت سپاه پاسداران انقلاب اسلامی به عنوان یک سازمان تروریستی وجود داشته اما با مقاومت وزارت خارجه بریتانیا مواجه شده زیرا دولت انگلیس نگران است که چنین اقدامی آسیب دائمی به روابط دیپلماتیک آن با جمهوری اسلامی وارد کند.

● روزنامه «تایمز» روز یکشنبه در گزارشی نوشته است که می‌تواند جزئیاتی از رابطه نزدیک بین جمهوری اسلامی ایران و یک سازمان دانشجویی مستقر در یک کلیسای قدیمی سابق در منطقه «هامراسمیت» واقع در غرب لندن را فاش کند.

● در ماه ژانویه، رئیس سابق انجمن، محمد حسین عطایی، دانشجوی کارشناسی ارشد در دانشگاه بردفورد، به کنفرانسی در تهران رفت و در آنجا با خامنه‌ای دیدار کرد. تصویری عطایی را نشان می‌دهد که بطور رسمی در برابر خامنه‌ای ۸۴ ساله زانو زده و سپس یک «چقیه» به عنوان هدیه دریافت کرده است.

بر اساس گزارشی که «تایمز» روز یکشنبه ۶ اوت ۲۰۲۳ منتشر کرده، وزیر کشور بریتانیا معتقد است که سپاه پاسداران انقلاب اسلامی بزرگترین تهدید برای امنیت ملی انگلیس به شمار می‌رود زیرا شواهد تازه‌ای از نفوذ این نهاد نظامی غیرمتعارف در این کشور مشاهده شده است.

سولتا براورمن از اینکه این گروه فعالیت‌های خود را افزایش می‌دهد و بر اساس گزارش‌های اطلاعاتی، جاسوسان جمهوری اسلامی برای جذب اعضای باندهای تبهکار و جنایات سازمان‌یافته به منظور هدف قرار دادن مخالفان حکومت تلاش می‌کنند، ابراز نگرانی کرده است.

می‌کردند، اما تأکید کرد: «این یک موضوع مذهبی است و قطعاً ربطی به خامنه‌ای ندارد.»

وی درباره این مرکز اسلامی ادعا کرده: «هر هفته دانش‌آموزان دور هم جمع می‌شوند، در مورد مشکلات مربوط به خود، مسائل دانشجویی، فرهنگی و خانوادگی صحبت می‌کنند؛ دور هم می‌نشینند و گاهی اوقات مردم را نیز برای حضور در روز تولد یا شهادت پیشوایان مذهبی‌شان دعوت می‌کنند.» او تأکید کرد: «این همایش‌ها به جمهوری اسلامی ربطی ندارد.»

بر اساس تحقیقات نشریه «جویش کرونیکل» The Jewish Chronicle هفته گذشته ادعا شد که این انجمن اسلامی میزبان گفتگوهای آنلاین فرماندهان ارشد سپاه پاسداران انقلاب اسلامی و دانشجویان مسلمان در دانشگاه‌های بریتانیا بوده است. گفته می‌شود که هشت نفر از اعضای سپاه پاسداران سخنانی‌هایی برای دانشجویان انجام داده‌اند که در آن اظهارات یهودستیزانه بیان شده و دانشجویان ترغیب شده‌اند که به «جنگ آخر زمان» بپیوندند.

این گفتگوها که از ایران به صورت زنده پخش می‌شده و ده‌ها هزار نفر آن را مشاهده کرده‌اند، نشان می‌دهد این اولین بار است که فرماندهان سپاه پاسداران نقش مستقیمی در انتشار تبلیغات رژیم در بریتانیا داشته‌اند.

با اینهمه این انجمن مدعی است که هیچ وابستگی به احزاب و گروه‌های سیاسی ندارد و طی بیانیه‌ای نوشته است: «اشتراک‌گذاری پست جمهوری اسلامی درباره هولوکاست، انکار هولوکاست... نیست... اما افشای استانداردهای دوگانه غربی در مورد اعمال آزادی بیان است.»

در این بیانیه همچنین آمده است: «همه فعالیت‌های ما به وضوح قانونی است. به نظر می‌رسد که شما یک گروه مسلمان را برای نوعی تفتیش عقاید بر می‌گزینید، صرفاً به این دلیل که آنها انتخاب کرده‌اند از حق خود برای آزادی بیان و اندیشه به دستورات مذهبی خود عمل کنند، حقوق قانونی که هم در اینجا [بریتانیا] و هم در جهان برقرار است.»

جیمز کلورلی وزیر امور خارجه انگلیس تحریم‌هایی را علیه سپاه پاسداران در اوایل سال جاری اعلام کرد، اما فشارهای پارلمانی فزاینده‌ای برای ممنوعیت رسمی و تروریستی اعلام کردن این نهاد نظامی وجود دارد. اقدامات مشابهی توسط ایالات متحده و کانادا، دو شریک بریتانیا در ائتلاف اشتراک‌گذاری اطلاعات Five Eyes (اتحاد اطلاعاتی شامل کشورهای استرالیا، ایالات متحده آمریکا، بریتانیا، کانادا و نیوزلند) انجام شده است. با این حال، نگرانی‌هایی وجود دارد که تروریستی اعلام کردن سپاه پاسداران، توافق محدودکننده برنامه هسته‌ای ایران را دشوارتر کند و در عین حال منجر به از دست دادن سفارت انگلیس در تهران شود. لرد ایوانز از وردیل رئیس سابق MI۵ (سازمان امنیت داخلی بریتانیا) گفته: «مهم است به نیازهای امنیتی کشور ما اهمیت داده شود.» وی افزود: «ما نباید درک منافع دیپلماتیک نادرست گذشته را تکرار کنیم. برای مثال قائل شدن اولویت در مورد فعالان سیاسی روسیه.»

آلیشیا کرنز رئیس کمیته روابط خارجی مجلس عوام انگلستان اما معتقد است: «ممنوعیت سپاه پاسداران به ما این امکان را می‌دهد تا کسانی را که از طرف این سازمان برای ایجاد اختلاف، نفرت‌پراکنی، حمایت از فعالیت‌های تروریستی و ترور در خاک بریتانیا تلاش می‌کنند، محاکمه کنیم. شواهد بیشتر و بیشتری از کارزارهای سرکوب فراملی سپاه وجود دارد و ما نمی‌توانیم آنها را نادیده بگیریم و هیچگونه واکنشی نشان ندهیم.»

حسین امیرعبداللہیان در توکیو: هیچگاه برای جنگ اوکراین پھیاد به روسیه ندادیم! اگر هست سند نشان دهید!



دیدار امیرعبداللہیان با فومیو کیشیدا نخست وزیر ژاپن

● حسین امیرعبداللہیان که به ژاپن رفته با اشاره به «روابط ممتاز» تهران با روسیه از جمله «تمرکز روی همکاری‌های دفاعی» گفت: «هیچگاه از پھیادها و سلاح‌های ایرانی در جنگ اوکراین امکاناتی را در اختیار مسکو قرار نداده‌ایم. روسیه خود یکی از بزرگترین تولیدکنندگان و صادرکنندگان سلاح در جهان است.»

● ناصر کنعانی سخنگوی وزارت خارجه جمهوری اسلامی گفته یکی از اهداف سفر امیرعبداللہیان به ژاپن «پیگیری مطالبات ایران از ژاپن است.» ژاپن حدود دو میلیارد دلار بدهی به ایران دارد که به دلیل تحریم‌ها بلوکه شده است. حسین امیرعبداللہیان وزیر خارجه جمهوری اسلامی که به توکیو سفر کرده روز دوشنبه ۱۶ مرداد در یک نشست خبری بار دیگر همکاری نظامی با روسیه در جنگ اوکراین و ارسال پھیاد برای این جنگ را انکار کرد. وی با اشاره به «روابط ممتاز» جمهوری اسلامی با روسیه از جمله «تمرکز روی همکاری‌های دفاعی» گفت: «هیچگاه از پھیادها و سلاح‌های ایرانی در جنگ اوکراین امکاناتی را در اختیار مسکو قرار نداده‌ایم. روسیه خود یکی از بزرگترین تولیدکنندگان و صادرکنندگان سلاح در جهان است.»

● امیرعبداللہیان که در این سفر با فومیو کیشیدا نخست وزیر ژاپن دیدار کرد، افزود: «امروز گزارشی را در ژاپن مطالعه کردم تأیید می‌کند که تسلیحاتی که در اوکراین مورد استفاده قرار می‌گیرد بخش عمده امکانات آن از آمریکا و کشورهای غربی تأمین شده است. ما هیچگونه پھیادی برای استفاده در جنگ اوکراین در اختیار هیچ طرفی قرار نداده‌ایم.»

وزیر خارجه جمهوری اسلامی تأکید کرد: «سال گذشته شخصاً از وزیر خارجه اوکراین خواستم که چنانچه اسنادی در خصوص استفاده از پھیادهای ایرانی در اختیار دارند آن را به مقامات نظامی کشورم ارائه دهند. با وزیر خارجه اوکراین توافق کردیم که هیأت نظامی ایران به ورشو لهستان سفر کند و در آنجا با مقامات نظامی اوکراین در این رابطه دیدار کند، هیأت نظامی ما وارد ورشو شد، اما طرف اوکراینی در محل ملاقات حاضر نشد.»

● امیرعبداللہیان اضافه کرد: «به وزیر خارجه اوکراین زنگ زدم و در تماس تلفنی به او گفتم مطمئن شدم که هیچ سند ادعایی در اختیار شما نیست و اتهامات در خصوص کاربرد پھیاد ایرانی در جنگ اوکراین کاملاً غلط و نادرست است.»

حسین امیرعبداللہیان در ادامه افزود: «مجدداً با وزیر خارجه اوکراین توافق کردیم که نیروهای نظامی ایران و اوکراین در کشور عمان دیدار کنند. هیچ سند قابل قبولی از

طرف اوکراین در این دیدار مورد ادعاهای مطرح شده ارائه نشد. قرار شد طرف اوکراینی بار دیگر اسناد خود را بررسی کند و در نشست دیگری با طرف ایرانی مورد بررسی قرار گیرد. ما بارها پیگیری کردیم که این نشست برگزار شود ولی طرف اوکراینی در دور جدید گفتگوها حاضر نشد.»

وزیر خارجه جمهوری اسلامی مدعی شد «عمده قطعات به کار گرفته شده نظامی در جنگ اوکراین از کشورهای غربی تأمین شده است.»

از صحبت‌های حسین امیرعبداللہیان چنین به نظر می‌رسد که با زرنگی «ارسال پھیاد به روسیه برای استفاده در جنگ اوکراین» را رد می‌کند و نه اصل قضیه را که «ارسال پھیاد» است. او تلاش می‌کند بگوید مسئولیتی در قبال استفاده از پھیادهای ارسالی به روسیه از سوی جمهوری اسلامی در جنگ اوکراین وجود ندارد. وی پیش از این در ۱۴ آبان ۱۴۰۱ ارسال پھیاد را تأیید کرده و گفته بود که «ما مقدار معدودی پھیاد، ماه‌ها قبل از جنگ اوکراین در اختیار روسیه قرار دادیم.» پس از آن مقامات جمهوری اسلامی مرتب بر این نکته تأکید می‌کنند که ارسال پھیادها «برای» استفاده در جنگ علیه اوکراین نبوده است!

بخش عمده صحبت‌های امیرعبداللہیان در کنفرانس مطبوعاتی امروز درباره جنگ اوکراین بود. وی همچنین گفت: «ناتو و تحریرات ناتو را یکی از ریشه‌های اصلی جنگ اوکراین می‌دانیم» و «به تلاش‌های خود برای توقف جنگ و تمرکز طرفین به راه حل سیاسی ادامه می‌دهیم.»

پیش از سفر امیرعبداللہیان به توکیو برخی منابع گزارش داده بودند که مقامات ژاپنی از جمهوری اسلامی می‌خواهند ارسال تسلیحات به روسیه را متوقف کند.

همچنین آیکاوا کازوتوشی سفیر ژاپن در ایران به روزنامه «کار و کارگر» چاپ تهران گفته بود «روسیه یک کشور متجاوز است و با توسل به زور امنیت جهان را به مخاطره انداخته است.» وی از مقامات جمهوری اسلامی خواسته بود کنار مردم اوکراین بایستند.

وزرای خارجه کشورهای عضو «گروه هفت» و اواخر فروردین‌ماه در نشست که در ژاپن برگزار شده بود به رژیم ایران هشدار دادند و کشورهایی را که به جنگ تجاوزکارانه روسیه در اوکراین کمک می‌رسانند تهدید کردند که «بهای سنگینی» خواهند پرداخت.

از سوی دیگر، ناصر کنعانی سخنگوی وزارت خارجه جمهوری اسلامی گفته یکی از اهداف این سفر «پیگیری مطالبات ایران از ژاپن است.» ژاپن حدود دو میلیارد دلار بدهی به ایران دارد که به دلیل تحریم‌ها بلوکه شده است.

دو جابجایی و انتصاب در قوه قضائیه:

محمدجعفر منتظری رئیس «دیوان عالی کشور» شد



از راست: محمد موحدی آزاد، غلامحسین محسنی اژه‌ای، محمدجعفر منتظری

افزایش قیمت نان
با بخشنامه دولت
صورت می‌گیرد؛
افزایش انتقادها به
دولت رئیسی در
پایان دومین سال
فعالیت

- افزایش قیمت نان در پی «بخشنامه معاون اول ریاست جمهوری» صورت گرفته و تا پایان امرداد جاری در همه استان‌های کشور انجام می‌شود.
- رئیس کمیسیون بهداشت و درمان مجلس شورای اسلامی گفته «باید دعا کنیم که فرزندان مسئولان بیمار شوند تا به دارو احتیاج پیدا کنند و فکر جدی برای رفع مشکلات دارویی مردم داشته باشند».
- عضو کمیسیون اقتصادی مجلس شورای اسلامی گفته دو سال از عمر دولت سیزدهم و سه سال از زمان کاری مجلس یازدهم سپری شده و متأسفانه هیچ کاری برای مردم نکردیم.»

بحران اقتصادی در دولت ابراهیم رئیسی به حدی افزایش یافته که ضروری‌ترین اقلام خوراکی از جمله نان نیز گران شده و نه تنها مردم بلکه حتی شماری از مقامات حکومتی نیز به این روند معترض هستند. آنچه مشخص است دولت از مدیریت اقتصادی در پایین‌ترین سطوح نیز ناتوان است و همچنان تلاش دارد با «تکذیب» و «شعار» و «ادعا» مشکلات اقتصادی را کنار بزند.

گرانی کالاها و خدمات به قوت غالب مردم، نان، رسیده است. در حالی که پیشتر مقامات دولت از جمله وزیر کشور افزایش قیمت نان را تکذیب کرده بودند اکنون مشخص شده بر اساس «بخشنامه دولت» تا پایان امرداد قیمت نان در همه استان‌های کشور افزایش خواهد یافت.

قیمت نان از هفته گذشته در شهر مشهد ۳۰ تا ۴۰ درصد در انواع مختلف این کالا افزایش پیدا کرد و اعلام شد این افزایش در دیگر استان‌ها نیز اعمال می‌شود. تا کنون قیمت نان در ۱۵ استان کشور افزایش یافت.

خبرگزاری مهر گزارش داده که افزایش قیمت نان، تصمیم «کارگروه آرد و نان استان‌ها» است که زیر نظر استانداری‌ها فعالیت می‌کند و استانداری‌ها نیز زیرمجموعه وزارت کشورند.

در برخی استان‌ها مانند تهران هم که نرخ رسمی نان هنوز افزایش پیدا نکرده برخی انواع نان با قیمت‌های عجیب عرضه می‌شود. به گزارش «شبکه شرق» در مرکز تهران یکی از نانوائی‌های آنلاین نان بربری سیوس‌دار را هشت هزار تومان می‌فروشد و بابت هر چانه نان بربری ماشینی ۱۰ هزار تومان دریافت می‌کند. آنطرف قیمت نان سنگک در تهران نهایتاً ۳۰ هزار تومان است.

این گزارش افزوده که یکی از نانوائی‌های آنلاین نان سنگک سنتی زعفرانی را با قیمت ۳۰ هزار تومان می‌فروشد و

محمدجعفر منتظری از دادستانی کل کشور به مقام ریاست دیوان عالی کشور رسید.

محسنی اژه‌ای در بخشی از مراسم این جابجایی‌ها با بیان اینکه «ما در قوه قضائیه از حقوقی که مرتبط به عموم مردم است، حفاظت و حراست می‌کنیم و حامی آزادی‌های مشروع مردم هستیم» ادعا کرد: «مقوله آزادی‌های مشروع، در زمره مواردی است که به لحاظ مفهومی و مصداقی، نیاز به به‌روزرسانی دارد. امروز آزادی‌های مشروع چیست؟» و خودش پاسخ داد: «گاهی در دنیا و حتی بعضاً در کشور خود ما، مقوله آزادی به گونه‌ای مطرح می‌شود که اساساً ضد آزادی است؛ امروز در برخی کشورهای غربی بالاترین ظلم را به زنان روا می‌دارند و از آن به عنوان آزادی نام می‌برند.» وی در پی ادعاهای خود ادامه داد: «امروز در همان کشورها، بیشترین محدودیت‌ها را در قبال انسان‌ها اعمال می‌کنند و اسم آن را آزادی می‌گذارند. ما می‌خواهیم از آزادی‌های مشروع مردم دفاع کنیم.»

هم دادستان جدید و هم رئیس جدید دیوان عالی کشور مانند رئیس قوه قضائیه همگی به نقض فاحش حقوق بشر متهم هستند.

واقعیت این است که با توجه به نزدیک شدن نخستین سالگرد قتل حکومتی مهسا امینی که منجر به از سر گرفته شدن اعتراضات سراسری و یک جنبش ملی شد که با وجود سرکوب وحشیانه، همچنان ادامه دارد، به شدت نگران کنش‌های مردمی است آنهم در حالی که مهار کنترل حجاب اجباری از دست نظام در رفته و با طرح‌ها و لوایح جدید و انواع مقررات جرمه و مجازات، زنان بی‌اعتنا راه خود را می‌روند. این جابجایی‌ها و همچنین تحولات در بسیج نیروهای سرکوب عمدتاً در همین ارتباط انجام می‌شود.

● غلامحسین محسنی اژه‌ای امروز یکشنبه ۱۵ امرداد طی مراسمی با نظر مشورتی قضاات دیوان عالی و حکم رئیس قوه قضائیه، محمد موحدی آزاد را که تا کنون عهده‌دار ریاست دادگاه انتظامی قضاات بود جایگزین محمدجعفر منتظری کرد که به مدت ۷ سال به عنوان دادستان کل کشور منصوب شده بود.

● همچنین مرتضوی مقدم پس از یک دوره بیش از ۴ ساله ریاست دیوان عالی کشور، از سوی رئیس قوه قضائیه جمهوری اسلامی به عنوان مشاور عالی رئیس این قوه یعنی محسنی اژه‌ای منصوب شد.

● جمهوری اسلامی خود را برای اعتراضات احتمالی در نخستین سالگرد قتل حکومتی مهسا امینی و آغاز جنبش ملی ایرانیان آماده می‌کند.

رئیس قوه قضائیه جمهوری اسلامی در احکامی جداگانه محمدجعفر منتظری را به سمت ریاست دیوان عالی کشور و محمد کاظم موحدی‌آزاد را به عنوان دادستان کل کشور منصوب کرد.

بنابر گزارش رسانه‌های داخلی، غلامحسین محسنی اژه‌ای امروز یکشنبه ۱۵ امرداد طی مراسمی با نظر مشورتی قضاات دیوان عالی و حکم رئیس قوه قضائیه، محمد موحدی آزاد را که تا کنون عهده‌دار ریاست دادگاه انتظامی قضاات بود جایگزین محمدجعفر منتظری کرد که به مدت ۷ سال به عنوان دادستان کل کشور منصوب شده بود.

همچنین سیداحمد مرتضوی مقدم پس از یک دوره بیش از ۴ ساله ریاست دیوان عالی کشور، از سوی رئیس قوه قضائیه جمهوری اسلامی برکنار و به عنوان مشاور عالی رئیس این قوه یعنی محسنی اژه‌ای منصوب شد و بجایش

می‌کنم هیچ حرفی نزنم شاید بهتر باشد. دو سال از عمر دولت سیزدهم و سه سال از زمان کاری مجلس یازدهم سپری شده و متأسفانه هیچ کاری برای مردم نکردیم.»

عضو کمیسیون اقتصادی مجلس شورای اسلامی افزوده که «پس از گذشت چند سال، ما در مقابل مردم شرمند هستیم. در خصوص وضعیت اقتصادی کشور، معیشتی و رفاهیات مردم و حتی تأمین کالاهای اساسی جامعه، کار خاصی صورت نگرفته است. از طرفی، بی‌ثباتی در قیمت‌ها که مدت‌هاست با آن مواجه هستیم، خیلی بدتر و زجرآورتر از گرانی کالا و خدمات است.»

در این میان مرتضی افقه اقتصاددان و استاد دانشگاه جندی‌شاپور اهواز توضیح داده که دولت سعی کرده در دو سال اخیر فروش اموال را هم اضافه کند و با برخی اقدامات مانند پیش فروش ماشین پول‌ها را جمع کند؛ تا زمانیکه

بحران شده است.»

سلمان اسحاقی در حالیکه توضیح نداده نتیجه «پیگیری» مجلس در گرانی کالاهایی چون نان و دارو و شیرخشک چه بوده، افزوده که «در برخی استان‌ها نبود شیرخشک تبدیل به بحران شده است و برای مردم دغدغه ایجاد کرده است.»

حسینعلی شهریاری نماینده مجلس شورای اسلامی نیز روز یکشنبه ۱۵ مرداد در صحن علنی با اشاره به «کمبود قابل توجه دارو» اعلام کرد سازمان برنامه و بودجه منابع مالی را برای دارو به موقع تأمین نمی‌کند و بانک مرکزی و گمرک «مشکلاتی به وجود می‌آورند.»

رئیس کمیسیون بهداشت و درمان مجلس شورای اسلامی افزوده که «باید دعا کنیم که فرزندان مسئولان بیمار شوند تا به دارو احتیاج پیدا کنند و فکر جدی برای رفع مشکلات دارویی مردم داشته باشند.»

هر چانه بربری زعفرانی را ۲۵ هزار تومان برای فروش گذاشته است. در یکی دیگر از نانوائی‌های آنلاین قیمت نان سنگک با سیاه‌دانه ۲۰ هزار تومان اعلام شده و بابت هر چانه نان بربری با سیاه‌دانه ۱۸ هزار تومان دریافت می‌کنند. افزایش قیمت نان به سرعت بر افزایش دیگر کالاها نیز اثرگذار خواهد بود. روزنامه «جهان صنعت» گزارش داده که برخی از سرویس‌دهندگان از جمله رانندگان «مسافرکش خطی» به بهانه افزایش قیمت نان اقدام به افزایش هزینه دریافتی از مردم کرده‌اند.

این روزنامه نوشته است که بطور مثال در غرب تهران مسیری که کرایه آن ۶ هزار تومان بود، از سوی برخی رانندگان ۱۰۰۰ تومان افزایش یافته است.

روزنامه «جهان صنعت» با اشاره به موج افزایش قیمت نان در استان‌های مختلف و نمایان شدن اثرات آن، این



تحریم‌ها برداشته نشود دولت ناچار به چاپ پول است. دولت می‌توانست هزینه‌هایش را کم کند، اما هیچ نشانه‌ای برای این موضوع نمی‌بینیم؛ بنابراین اگر مسئله‌ی تحریم حل نشود به نظر من این روند ادامه می‌یابد.

مرتضی افقه در ادامه افزوده که «خود دولت مدعی است که توانسته چاپ پول را کنترل کند، اما همانطور که برخی کارشناسان می‌گویند شرایط دولت به شکلی نیست که چاپ پول را کنار بگذارد. منبع اصلی مالی دولت که نفت است هنوز به حالت سابق بازنگشته و پول‌هایمان را از کره و عراق و عمان پس نگرفتیم. در ادبیات اقتصادی، چاپ پول و استقراض از خارج و مردم به دلیل تفاوت نرخ بهره اوراق و نرخ تورم چندان مورد استقبال قرار نمی‌گیرد خارج نیز به ما وام نمی‌دهد.»

این اقتصاددان هشدار داده که «دولت می‌توانست هزینه‌هایش را کم کند، اما هیچ نشانه‌ای برای این موضوع نمی‌بینیم؛ بنابراین اگر مسئله‌ی تحریم حل نشود به نظر من این روند ادامه می‌یابد. انگار مسئولین دولت هیچ ارتباطی با بیرون ندارند یا می‌دانند و آمارهایشان سازگاری با کف خیابان ندارد. فاصله بین صحبت‌های آقایان با واقعیت‌های خیابان باعث می‌شود طرفداران خودشان را هم از دست بدهند و این آخرین نقطه برای دولت است.»

این نماینده مجلس همچنین با اشاره به وضعیت استان سیستان و بلوچستان گفت که خشکسالی این استان را از بین برده و «کلی از روستاها» به دلیل توفان شن نابود شده‌اند، ولی دولت برای حقایق این استان هیچ کار مهمی جز «شعار دادن» انجام نداده است.

غلامحسین کرمی نماینده دشتی و تنگستان در مجلس شورای اسلامی گفته که «دولت محترم باز تکرار مکررات است، تورم کم‌رشدن زندگی را برای مردم سخت کرده است. ما از تأمین گوشت و مرغ برای سفره مردم گذشتیم، مردم برای تأمین نان و دارو نیز مشکل دارند.»

بحران اقتصادی در حالی به اوج خود رسیده که این روزها دومین سال آغاز به کار دولت ابراهیم رئیسی رو به پایان است؛ دولتی که با انواع وعده‌های اقتصادی و معیشتی و حمایت حداکثری مجلس یازدهم سر کار آمد اما مردم ایران طی دو سال گذشته یکی از سخت‌ترین دوران‌های اقتصادی را تحمل کرده‌اند. ارزش پول ملی به شدت کاهش پیدا کرده و بیش از دو سوم جمعیت کشور به زیر خط فقر فرو رفته است.

در این رابطه علی رضایی عضو کمیسیون اقتصادی مجلس شورای اسلامی با اشاره به تورم افسارگسیخته در کشور گفته که «شرایط اقتصادی مملکت به گونه‌ای شده که گاهی فکر

پرسش را مطرح کرده که «چرا دولت حاضر نیست افزایش قیمت نان را بطور رسمی اعلام کند؟»

در این گزارش تأکید شده است که دولت از واکنش شهروندان به ویژه فروشندگان و عرضه‌کنندگان دیگر کالاها و خدمات در هراس است و باور دارد که این اتفاق می‌تواند زنجیره‌ای از افزایش قیمت‌ها را به دنبال داشته باشد.

پاسدار احمد وحیدی وزیر کشور جمهوری اسلامی اما با صراحت اعلام کرد که دولت برنامه افزایش قیمت نان را ندارد. پیش از او نیز محمد حسینی معاون پارلمانی ابراهیم رئیسی اول خردادماه تأکید کرده بود که امسال بنزین و آرد گران نخواهد شد.

اینهمه در حالیست که محمدعلی شاه‌حسینی معاون اقتصادی استاندار یزد افزایش قیمت نان در این استان و دیگر استان‌ها را در پی «بخشنامه معاون اول ریاست جمهوری» اعلام کرده است. افزایش قیمت نان قرار است تا پایان امرداد جاری در همه استان‌های کشور انجام شود.

سلمان اسحاقی نماینده مجلس شورای اسلامی امروز دوشنبه ۱۶ امرداد گفته در بیش از ۱۵ استان ما شاهد افزایش بیش از ۴۰ درصدی قیمت نان هستیم و افزوده که «مجلس به صورت مکرر موضوع افزایش قیمت نان، دارو و شیرخشک را پیگیری می‌کند چرا که این موضوع تبدیل به

«آمارهای محرّمی» برای لاپوشانی اعتراضات مردم؛ سانسور آمارهای مهم اقتصادی و اجتماعی ادامه دارد



شهروندان زیادی در مراسم دهه نخست ماه محرم یاد جانباختگان میهن از جمله خدانور لجه‌ای را زنده نگه داشتند

سال‌های ۱۳۹۶ تا ۱۴۰۰ در سالنامه آماری مرکز آمار ایران منتشر شده، بیش از ۵/۲۵ میلیون نفر طی پنج سال، در کاروان‌های بازدید از مناطق جنگی ایران و عراق شرکت کرده‌اند.

این آمارها نشان می‌دهد بیشترین آمار بازدیدکننده مربوط به سال ۱۳۹۷ با رکورد بازدید بیش از ۷ میلیون نفر و کمترین آمار مربوط به سال ۱۳۹۹ در کشاکش همه‌گیری کرونا است که طبق آمار ادعایی، در طول سال بیش از ۲ میلیون و ۶۱۶ هزار نفر در کاروان‌های «راهیان نور» حضور داشته‌اند.

همچنین ادعا می‌شود که در سال ۱۴۰۰ نیز با وجود محدودیت‌های همه‌گیری کرونا، باز هم بیش از ۳ میلیون نفر در این مراسم شرکت کرده‌اند که بیشترین تعداد آنها از استان‌های تهران، خراسان «رضوی»، فارس، اصفهان، مازندران و خوزستان بوده‌اند.

اینهمه در حالیست که مهمترین و ضروری‌ترین آمارهای اقتصاد و اجتماعی کشور از سوی دولت سانسور و دستکاری می‌شوند تا میزان تخریب، سوءمدیریت و فاجعه در بخش‌های مختلف پنهان بماند. کارشناسان اقتصادی بارها از سانسور آمارهای اقتصادی انتقاد کرده و آمارهای ارائه شده اقتصادی را بر خلاف واقعیت ارزیابی کرده‌اند.

از سال ۹۷ و با دستور مستقیم دولت روحانی بانک مرکزی انتشار عمومی آمارها و گزارش‌های مربوط به تورم، رشد اقتصادی، جزئیات درآمد مالیاتی و قیمت هفتگی اقلام را متوقف کرد. در پاییز ۹۸ نیز بانک مرکزی از انتشار گزیده آمارهای اقتصادی با دستور دولت منع شد.

روزنامه «اعتقاد» تیرماه امسال با رد ادعای مقامات دولتی درباره آمارهای اقتصادی از جمله تورم نوشت: «بر اساس علم آمار، اگر نرخ تورم ماهانه ۵/۱ درصد باشد نرخ تورم در پایان سال ۲۰ درصد و اگر نرخ تورم، ماهانه ۳ درصد شود، تورم آخر سال ۴۰ درصد خواهد بود. حال با توجه به نرخ ۱۲ درصدی تورم در خرداد و در صورت تداوم این روند در

پایان سال ۱۴۰۱ نرخ تورم در ایران به ۱۶۰ درصد

سال گذشته همراهی کردند و در اشعار خوانده شده در مراسم به مظاهر جمهوری اسلامی پرداختند.

کیهان لندن بیشتر در گزارشی پیرامون «محرّم» امسال نوشته بود در آستانه اولین سالگرد خیزش ملی در ایران، مراسم عزاداری ماه محرم متفاوت‌تر از هر سال برگزار شد و تعداد هیأت‌ها و دسته‌های زنجیرزنی که در اعتراض به حکومت نوحه‌خوانی کردند بطور چشمگیری افزایش پیدا کرد.

در ادامه آمده بود که شماری از مداحان با عباراتی صریح و تند رهبر جمهوری اسلامی و کل نظام را زیر سؤال برده و شمار زیادی از جوانان با ابتکارات نو و مدنی ارزش‌های مکتبی حکومت را به چالش کشیدند. در مواردی حتا در بعضی هیأت‌ها نمادهای مذهبی را آتش زدند. مقامات نظام، به ویژه ملایانی که بر مناصب و مسئولیت‌های متفاوت تکیه زده‌اند، نسبت به این شرایط هشدار دادند.

با پایان دهه محرم نیز تسویه حساب حکومت با هیأت‌ها، مداحان و گروه‌های موسیقی که همسو با مردم و به یاد جانباختگان میهن در عزاداری‌های مذهبی شرکت کردند آغاز شد.

از سوی دیگر بارها درستی آمارهای ارائه شده از سوی جمهوری اسلامی مورد تردید و پرسش قرار گرفته و کارشناسان نهادهای ارائه دهنده آمار را به دستکاری آمار متهم می‌کنند.

از جمله «پایگاه داده‌های باز ایران» هفته دوم امرداد در گزارشی آماری نشان داده که اعداد و ارقام ارائه شده درباره بازدیدهای صورت گرفته در اردوهای «راهیان نور» غیرمنطقی و به شدت اغراق‌آمیز است و از الگوهای یکسان عددسازی برای این آمار استفاده شده است.

بر اساس این گزارش آمارهای ارائه شده درباره بازدیدهای اردوهای «راهیان نور» در مقیاس آماری نه تنها غیرمنطقی و به شدت اغراق‌آمیز هستند، بلکه بر اساس الگوهای یکسان عددسازی شده‌اند.

بنا بر داده‌های ستاد مرکزی «راهیان نور» که در فاصله

وزیر ارشاد و فرهنگ اسلامی: «۸۱ درصد مردم ایران در ایام محرم سیاهپوش بوده و بالای ۶۰ درصد در هیأت‌ها شرکت کردند و «۵۴ درصد مردم در ایام اول ماه محرم نذری دارند».

این ادعاها در حالیست که با پایان دهه محرم تسویه حساب حکومت با هیأت‌ها، مداحان و گروه‌های موسیقی که همسو با مردم و به یاد جانباختگان میهن در عزاداری‌های مذهبی شرکت کردند آغاز شد.

مهمترین و ضروری‌ترین آمارهای اقتصاد و اجتماعی کشور از سوی دولت سانسور و دستکاری می‌شوند تا میزان تخریب، سوء مدیریت و فاجعه در بخش‌های مختلف پنهان بماند.

در شرایطی که آمارهای مهم کشور در زمینه اقتصادی و اجتماعی سانسور می‌شوند، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی آمارهایی از مراسم دهه اول ماه محرم در کشور ارائه داده است. آمارهایی که به نظر می‌رسد بیشتر برای خنثی کردن رویارویی شهروندان با جمهوری اسلامی در روزهای عزاداری مذهبی است که در بسیاری از آنها هیأت‌ها و حاضران به انتقاد از شرایط موجود و حمایت از جانباختگان میهن پرداختند. درستی این آمار البته مانند دیگر آمارهای ارائه شده از سوی جمهوری اسلامی با ابهام و تردید روبروست.

محمد مهدی اسماعیلی وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی جمهوری اسلامی با ارائه آماری از مراسم دهه نخست ماه محرم در شهرهای مختلف ایران مدعی شده است که «۸۱ درصد مردم ایران در ایام محرم سیاه پوش بوده و بالای ۶۰ درصد در هیأت‌ها شرکت کردند و «۵۴ درصد مردم در ایام اول ماه محرم نذری دارند».

وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی مبنای به دست آوردن آمار و اعداد از شهروندانی را که در «دهه محرم» به خاطر امام سوم شیعیان سیاه پوشیدند و تعدادی که در هیأت‌ها حضور یافته و نذری داده‌اند، اعلام نکرده است.

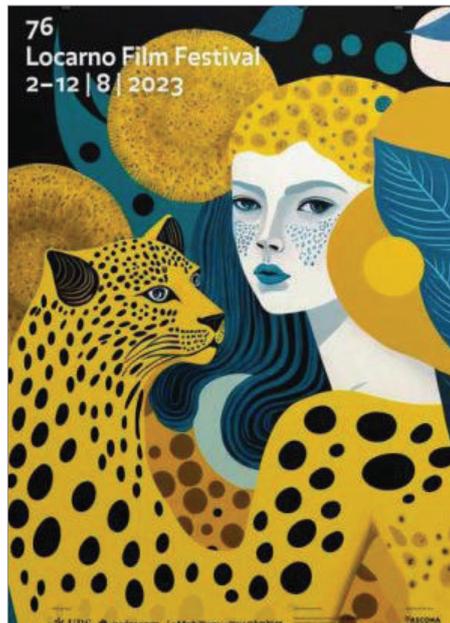
او در ادامه گفته که «اینها را دشمنان بشنونند این واقعیت جامعه ایرانی است. مردم ما با تمام تفاوت‌ها و سلیقه زیر پرچم اباعبدالله حسین هستند».

محمد مهدی اسماعیلی در ادامه ادعاهای تبلیغاتی خود گفته که «دشمن برای محرم امسال هم مایوس و با بی‌خردی محرم و عاشورا را محل زور آزمایی خود قرار داد اما مردم از تمام داشته و نداشته خود برای امام حسین مایه گذاشتند» و «امروز به برکت انقلاب و ولایت فقیه جامعه ما رو به جلو در حرکت است».

محمد قمی رئیس سازمان تبلیغات اسلامی نیز بر اساس «دو افکارسنجی» که معلوم نیست کی و کجا و با چند نفر و توسط چه نهاد آزاد و مستقلی انجام شده، گفته است که «آمار حضور اقشار و سنین مختلف مردم ایران در محافل عزای سیدالشهدا در دهه اول محرم شگفت‌انگیز است!» وی سپس افزوده «خدا را سپاس می‌گوییم که این ملت امام حسین دهه محرمی ماندگار را به یادگار گذاشتند».

این آمارها و ادعاها در حالی مطرح می‌شود که مردم در دهه نخست ماه محرم تداوم رویایی خود با جمهوری اسلامی را با روشنی به نمایش گذاشتند. بسیاری از گروه‌های موسیقی مذهبی و مداحان با مردم و جانباختگان اعتراضات

اکران اولین فیلم بدون حجاب اجباری ساخته شده پس از انقلاب ۵۷ در جشنواره لوکارنو



اکران خواهند شد که «انگار مادرم گریسته بود آنشب» از هدا طاهری کارگردان ایرانی- آلمانی یکی از آنهاست. سال گذشته هدا طاهری با فیلم کوتاه دیگری با عنوان «مادرم هر روز دعا می‌خواند» توانست «یوزپلنگ طلائی» این بخش را به دست آورد. فیلم کوتاه دیگر «نگهبان» از امیرحسین شجاعی است.

فیلم اختتامیه این جشنواره «شیدا» نام دارد که در آخرین جشنواره ساندانس توانست جایزه ویژه تماشاگران را به دست آورد. داستان این فیلم بر اساس خاطرات کارگردانش نوشته شده است. زندگی سینماگر جوانی که در پنج سالگی با مادرش به استرالیا مهاجرت کرد و مدتی را در خانه‌ای امن که برای زنان قربانی خشونت خانگی بر پا شده بود گذرانده است. در «شیدا» نیز شخصیت اصلی فیلم با دختر شش ساله‌اش مونا در یکی از این خانه‌های امن زندگی می‌کند. همسر شیدا دانشجویی ایرانی و مذهبی است که پس از بارها خشونت همچنان به گونه‌ای رفتار می‌کند که انگار هنوز در جمهوری اسلامی زندگی می‌کند. همسر «شیدا» او را به رعایت حجاب مجبور می‌کند و از استفاده از قوانین زن‌ستیز ایران برای کنترل زندگی همسر و فرزندش ابایی ندارد. وقتی دادگاه استرالیا به این مرد اجازه یکبار در هفته دیدار با دخترش را می‌دهد، از این فرصت برای تاثیر گذاشتن بر «مونا» استفاده می‌کند.

صحنه‌ای از فیلم «شیدا»

همزمان با اکران «شیدا» در آخرین روز جشنواره میزگردی نیز در رابطه با انقلاب «زن، زندگی، آزادی» و وضعیت زنان در ایران برگزار خواهد شد که در آن علاوه بر نورا نیاسری و زر امیرابراهیمی قرار است کیت بلانشت هنرپیشه سرشناس استرالیایی که از تهیه‌کنندگان «شیدا» است نیز حضور پیدا کند. در ماه‌های گذشته این هنرپیشه استرالیایی بارها حمایت خود را از خیزش مردمی در ایران اعلام کرده است. البته با توجه به اعتصاب مشاغل سینمایی در هالیوود، احتمال دارد که کیت بلانشت در این نشست حضور نیابد.

● هفتاد و ششمین جشنواره سینمایی لوکارنو در سوئیس، روز چهارشنبه دوم اوت درهای خود را گشود. امسال زر امیرابراهیمی هنرپیشه موفق ایرانی در هیأت داوران این جشنواره حضور دارد.

● در بخش اصلی این جشنواره «منطقه بحرانی» علی احمدزاده اکران خواهد شد. این فیلم بدون رعایت قوانین مربوط به حجاب ساخته شده و کارگران آن ممنوع‌الخروج است.

● در بخش فیلم‌های کوتاه نیز «انگار مادرم گریسته بود آنشب» از کارگردان ایرانی- آلمانی هدا طاهری حضور دارد. سال گذشته هدا طاهری با فیلم کوتاه دیگری با عنوان «مادرم هر روز دعا می‌خواند» توانست «یوزپلنگ طلائی» این بخش را به دست آورد.

● فیلم اختتامیه این جشنواره «شیدا» است که در آخرین جشنواره ساندانس توانست جایزه ویژه تماشاگران را به دست آورد. این فیلم را با بازیگری زر امیرابراهیمی، نورا نیاسری کارگردانی کرده است.

● همزمان با اکران «شیدا» در آخرین روز جشنواره، میزگردی نیز در رابطه با انقلاب «زن، زندگی، آزادی» و وضعیت زنان در ایران برگزار خواهد شد که در آن علاوه بر نورا نیاسری و زر امیرابراهیمی قرار است کیت بلانشت هنرپیشه سرشناس استرالیایی نیز حضور پیدا کند.

احمد رأفت - هفتاد و ششمین جشنواره سینمایی لوکارنو در سوئیس، روز چهارشنبه دوم اوت (۱۱ مرداد) درهای خود را گشود. امسال زر امیرابراهیمی هنرپیشه موفق ایرانی در هیأت داوران این جشنواره حضور دارد.

این جشنواره ۱۲ اوت (۲۱ مرداد) با اکران فیلم «شیدا» با نقش‌آفرینی زر امیرابراهیمی و کارگردانی نورا نیاسری ایرانی- استرالیایی به پایان خواهد رسید. در بخش اصلی این جشنواره نیز «منطقه بحرانی» علی احمدزاده حضور دارد.

نهادهای امنیتی جمهوری اسلامی علی احمدزاده کارگردان «منطقه بحرانی» را تحت فشار گذاشته بودند تا فیلم خود را از جشنواره سینمایی لوکارنو خارج سازد. این فیلم بدون رعایت دریافت پروانه سازمان سینمایی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی و بدون رعایت قوانین مربوط به حجاب اجباری ساخته شده است. علی احمدزاده هشتم شهریور سال گذشته پس از چند بار احضار بازداشت شده بود. این کارگردان که ممنوع‌الخروج شده است، بعید به نظر می‌رسد که بتواند به لوکارنو سفر کرده و در اکران فیلم خود حضور داشته باشد.

«منطقه بحرانی» داستان جوانی به نام امیر را روایت می‌کند که در انزوا زندگی کرده و تنها همراهش یک سگ است. زندگی امیر در دنیای زیرزمینی تهران می‌گذرد، و کارش فروش انواع مواد مخدر است. «مهمونی کامی» اولین فیلم بلند این کارگردان هرگز نتوانست پروانه نمایش دریافت کند. «مادر قلب اقی» دومین فیلم او که در آن بازیگران مطرحی چون ترانه علیدوستی، پگاه آهنگرانی و محمدرضا گلزار حضور داشتند پس از تلاش‌های بسیار توانست مجوز پخش محدودی را دریافت کند. «پدیده» سومین فیلم این کارگردان نیز هنوز نتوانسته است مجوز اکران دریافت کند. در بخش فیلم‌های کوتاه نیز دو کار از سینماگران ایران

کامران ندری اقتصاددان معتقد است همواره کیفیت آمار منتشر شده و نظم انتشار، مورد بحث بوده است. این اقتصاددان درباره عدم هماهنگی آمارهای تورمی منتشر شده از سوی مرکز آمار ایران و بانک مرکزی نیز گفته که «در حال حاضر مرکز آمار ایران و بانک مرکزی، دو نهادی هستند که آمار تورم را منتشر می‌کنند. ما در گذشته دیده‌ایم که سیاست‌گذار در ایران تمایل دارد آمار را منتشر کند که با اهداف سیاسی او سازگاری بیشتری داشته باشد و عملکردش را در اقتصاد مثبت‌تر نشان دهد. سابقه تصمیمات سیاسی در کشور ما نشان می‌دهد که این ملاحظات نیز در انتشار آمار وجود دارد.»

خبرگزاری «ایلنا» به تازگی با انتشار گزارشی تحلیلی از «مهار تورم» با «عددسازی» نوشته بود که دولت بر خلاف قانون از محاسبه و انتشار منظم «خط فقر» خودداری می‌کند. روزنامه بریتانیایی «فایننشال تایمز» نیز در رابطه با عدم انتشار آمار تورمی در ایران گزارش داد در شرایطی که بحران اقتصادی ایران عمیق‌تر شده، دولت ابراهیم رئیسی داده‌های واقعی در خصوص میزان تورم و گرانی‌های بی‌سابقه را پنهان می‌کند.

در این گزارش به نقل از سعید لیلز تحلیلگر اقتصاد سیاسی آمده که مرکز ملی آمار ایران ظاهراً برای جلوگیری از اذعان به شکست رکورد تاریخی نرخ تورم در دولت ابراهیم رئیسی از انتشار داده‌های حقیقی منع شده است. او تأکید کرد که این دولت نتوانسته تورم را مهار کند.

مرتضی عزتی اقتصاددان نیز خردادماه امسال در روزنامه «تعادل» با اشاره به اینکه «دستکاری آمارهای اقتصادی توسط دولت مطرح شده که تحلیلگران را نگران کرده» اعلام کرد که «موضوع ارائه آمارهای شفاف در اقتصاد به اندازه‌ای اهمیت دارد که می‌تواند سرنوشت کلی اقتصاد کشورها را تحت‌الشعاع قرار دهد.»

این اقتصاددان در ادامه تأکید کرد که «مردم و مسئولان و تحلیلگران می‌دانند که چه شرایط تورمی حاکم است؛ مردم هر روز راهی بازارها می‌شوند، گوشت و مرغ و تخم‌مرغ و پنیر و... می‌خرند و می‌دانند. اقتصاددان‌ها هم به واقعیت‌های آماری آگاهی دارند و متوجه‌اند که نرخ تورم در اردیبهشت ماه ۱۴۰۲ به نسبت اردیبهشت ماه ۱۴۰۱ چه تغییری پیدا کرده است. دولت هم که از واقعیت با خبر است. باید از مسئولان پرسید این آمارها با چه هدفی تغییر پیدا می‌کنند؟» در همین حال محمدرضا فرزین رئیس‌کل بانک مرکزی جمهوری اسلامی به تازگی گفته اینکه برخی آمارهای اقتصادی از جمله تورم که بیشتر از سوی بانک مرکزی هم منتشر می‌شد، دیگر منتشر نمی‌شود به دلیل منع قانون است. او افزوده عدم انتشار برخی آمارها به دلیل «ملاحظات امنیتی» است.

محمدرضا فرزین تأکید کرده هرچند هنوز اختلاف‌هایی بر سر منبع انتشار آمارها مطرح است، اما به دلیل مسئله قانونی بودن آن، از انتشار آمار مربوط به تورم جلوگیری کردیم.

رئیس‌کل بانک مرکزی در بخشی از اظهارات خود به نگاه امنیتی در انتشار آمار و دخالت نهادهای امنیتی در انتشار آمار اشاره کرده و گفته است که «برخی از آمارهای اقتصادی هم ممکن است به دلیل محدودیت‌ها و ملاحظات امنیتی ضروری نباشد که به صورت عمومی منتشر شوند.»

اینهمه در حالیست که در دسترس نبودن آمار، به عنوان یک عامل بسیار مهم، برنامه‌ریزی و سیاست‌گذاری برای فعالان اقتصادی را دچار مشکل می‌کند و ریسک فعالیت و سرمایه‌گذاری اقتصادی را افزایش می‌دهد.

نان در پایتخت هم گران شد؛ افزایش ۵۰ تا ۶۰ درصدی قیمت تا پایان امرداد



خواهد یافت.

پیش از آن نیز محمدعلی شاه حسینی معاون هماهنگی امور اقتصادی استانداری پرد گفته بود که بر اساس بخشنامه دولت، کارگروه‌های آرد و نان دارای عقب‌ماندگی نرخ نان در استان‌ها می‌توانند نسبت به متناسب سازی نرخ نان اقدام کنند و در همین راستا نیز کارگروه آرد و نان استان با تهیه میانگین قیمت نان در استان‌های همجوار، پیشنهاد مورد نظر خود جهت افزایش نرخ نان در استان را به وزارت کشور جهت تأیید ارسال کرده که امیدواریم تا پایان هفته اعلام و اجرایی شود.

معاون اقتصادی استانداری یزد افزوده بود که «آخرین افزایش نرخ نان در استان را مربوط به سال ۱۴۰۰ بوده و نرخ جدید که براساس میانگین قیمت نان در استان‌های همجوار تهیه شده تا پایان هفته جاری و پس از تأیید وزارت کشور اعلام و اجرایی خواهد شد.»

در این میان مشخص نیست به چه دلیلی مقامات دولتی ترجیح می‌دهند با تکذیب و سکوت به مردم هیچ پاسخی ندهند. در روزهای گذشته پاسدار احمد وحیدی وزیر کشور جمهوری اسلامی با صراحت اعلام کرد که دولت برنامه افزایش قیمت نان را ندارد. پیش از او نیز محمد حسینی معاون پارلمانی ابراهیم رئیسی اول خردادماه تأکید کرده بود که امسال بنزین و آرد گران نخواهد شد.

این در حالیست که کارگروه آرد و نان در هر استان که اکنون مسئول اصلی افزایش و تعیین قیمت جدید نان معرفی شده زیر نظر استانداری هر استان فعالیت داشته که استانداری‌ها هم زیر نظر وزارت کشور فعالیت دارند.

افزایش قیمت نان هر چند پیامدهایی برای سفره و معیشت خانوارها دارد اما در آنسو اقدامی است که برای حفظ واحدهای صنفی باید انجام می‌شد که اکنون ←

تهران، برای اقتصادی ماندن نانوائی‌ها و جلوگیری از کم فروشی، قیمت نان تا پایان ماه جاری بسته به نوع نان، بین ۲۰۰ تومان تا ۱۰۰۰ تومان افزایش خواهد داشت.

او با بیان اینکه «کارگروه‌های آرد و نان استان‌ها در کشور، برای اولین بار است که از ابتدای دولت سیزدهم نسبت به اصلاح نرخ نان اقدام می‌کنند» گفته که «با توجه به کمک هزینه ۴۰ درصدی دولت، افزایش نرخ نان نسبت به افزایش هزینه اجاره و دستمزد در دو سال گذشته بسیار کمتر خواهد بود.»

وبسایت «اقتصاد ۲۴» تأکید کرده که خبرنگار این رسانه با فاطمه نظری رئیس جدید اتحادیه نانوائیان سنتی تهراس تلفنی گرفت، اما این مسئول صنفی پاسخگوی سوالی مبنی بر اینکه «آیا قیمت نان در تهران گران می‌شود؟» نبود! محمدعلی مهتری معاون اقتصادی استانداری تهران هم گران شدن نان در تهران را تأیید کرده است: «به نظر می‌رسد موضوعات مربوط به نرخ نان تا آخر مردادماه در استان تهران تعیین تکلیف شود.»

نان به عنوان قوت غالب مردم در ایران و مهمترین کالای خوراکی مورد مصرف اقشار تنگدست و کم‌درآمد در حالی از هفته گذشته گران‌تر شده که همچنان هیچ مقام ارشد دولتی بطور رسمی افزایش قیمت نان را تأیید نکرده است. فعالان اصناف نانوائی در روزهای گذشته و از شهرهای مختلف خبر داده‌اند که افزایش قیمت نان با بخشنامه‌ای از سوی دولت با امضای محمد مخبر معاون اول حسن روحانی به کارگروه آرد و نان هر استان سپرده شده است.

برای نمونه محمد امینی مدیر جهاد کشاورزی شهرستان اردستان روز گذشته اعلام کرد که ابلاغ افزایش قیمت نان از سوی دولت برای جهاد کشاورزی شهرستان اردستان ارسال شده و تا پایان امرداد قیمت نان در این شهرستان نیز افزایش

● یک منبع آگاه گفته که گران شدن نان در مشهد ۴۰ درصد بوده، اما با توجه به بالا بودن هزینه‌های زندگی در تهران میزان افزایش قیمت نان در تهران ۱۰ تا ۲۰ درصد بیشتر از مشهد خواهد بود.

● نان به عنوان قوت غالب مردم در ایران در حالی از هفته گذشته گران شده که همچنان هیچ مقام ارشد دولتی بطور رسمی افزایش قیمت نان را تأیید نکرده است.

● گران شدن نان به سرعت بر قیمت دیگر کالاها نیز اثرگذار خواهد بود و در روزهای گذشته خبرهایی از گرانی کرایه تاکسی‌های خطی به دلیل افزایش قیمت نان منتشر شده است.

با وجود تکذیب و سکوت مقامات دولتی افزایش قیمت نان در شهرهای مختلف کشور ادامه دارد. یک منبع آگاه گفته تا آخر امرداد قیمت نان در تهران با افزایش ۵۰ تا ۶۰ درصدی روبرو خواهد شد.

قیمت نان از هفته دوم امرداد در مشهد آغاز شده و به سرعت تا ۱۵ استان ایران گسترش یافته است. میانگین گرانتز شدن در استان‌های مختلف برای انواع مختلف نان از ۳۰ تا ۴۳ درصد گزارش شده است.

یک منبع آگاه در گفتگو با وبسایت «اقتصاد ۲۴» گفته معاون اقتصادی استانداری تهران در کارگروه آرد و نان اعلام کرده که قرار است قیمت نان در تهران از اواخر مردادماه گران شود.

این منبع آگاه گفته که افزایش قیمت نان در مشهد ۴۰ درصد بوده، اما با توجه به بالا بودن هزینه‌های زندگی در تهران میزان افزایش قیمت نان در تهران ۱۰ تا ۲۰ درصد بیشتر از مشهد خواهد بود.

منبع آگاه دیگری نیز درباره افزایش قیمت نان در تهران گفته که با پیگیری اتحادیه‌ها و موافقت کارگروه آرد و نان

➔ در خطر قرار گرفته است. نرخ نان از سال ۱۳۹۹ که قیمت جدید تعیین و سال ۱۴۰۰ ابلاغ و اجرایی شد تا امروز تغییری نداشت.

فعالان صنفی نانوايي بارها توضیح داده‌اند که قیمت آرد فقط ۱۰ تا ۱۵ درصد قیمت تمام شده نان را تشکیل می‌دهد و آنچه سبب افزایش هزینه و زیان نانوايي‌ها شده افزایش سایر هزینه‌ها از جمله حقوق و دستمزد، حمل‌ونقل، انرژی، اجاره‌بها و به طور کلی نرخ عمومی تورم است.

بر اساس گزارش‌ها طی دو سال گذشته نرخ هر کیلو خمیر مایه نان از ۴۰۰ تومان به بیش از ۸۰۰ تومان رسیده در حالی که قیمت آن در بازار آزاد بیشتر از ۵/۱ میلیون تومان است؛ علاوه بر این، هزینه اجاره‌بهای املاک تجاری نیز بین ۵۰ تا ۱۵۰ درصد افزایش یافته و دیگر هزینه‌ها مانند انرژی، دستمزد و انرژی هم افزایش یافته است.

فعالان صنفی می‌گویند در چنین شرایطی یا باید نان نیز مانند دیگر کالاها متأثر از تورم افزایش قیمت پیدا کند یا واحدهای نانوايي زیان‌دهنده یکی پس از دیگری تعطیل می‌شوند؛ اتفاقی که طی ماه‌های گذشته در شهرهای مختلف افتاده و تعداد قابل توجهی از نانوايي‌ها پروانه کسب خود را باطل کرده‌اند.

بیژن نوروزمقدم رئیس اتحادیه نانوابان سنتی تهران اردیبهشت امسال از لزوم متناسب‌سازی قیمت نان با نرخ تورم صحبت کرده و گفته بود که نرخ تورم در دو سال گذشته بیش از ۴۰ درصد بوده و همین رشد تورم در هزینه تولید نان تأثیر دارد و طبیعی است که با شرایط موجود سراغ تغییر قیمت نان برویم.

علی بابایی کارنامی رئیس فراکسیون کارگری مجلس شورای اسلامی با گذشت بیش از یک هفته از آغاز گران شدن نان در استان‌های مختلف و در حالی که مشخص شده دولت پیش از این بخشنامه افزایش قیمت نان را به استانداری‌ها ابلاغ کرده بود، گفته که «اگر نان گران شود، ما معترض هستیم. در حال حاضر در برخی از جاها که مردم برای خرید نان به نانوايي‌ها مراجعه می‌کنند نانی که تحویل مردم داده می‌شود با اشکالاتی روبرو است.»

علی بابایی کارنامی افزوده که «تأمین آرد و نان یکی از بحث‌های مهم در تأمین کالاهای اساسی و بخشی از سبب معیشتی مردم است. ما در حال حاضر نسبت به نحوه توزیع سهمیه آرد و نان اعتراض داریم. نه تنها در استان ما بلکه در کل کشور متأسفانه برنامه وزارت اقتصاد برنامه بسیار خوبی در این زمینه نبوده است و در حقیقت هم کسی پاسخگویی لازم را ندارد.»

گران شدن نان به سرعت بر افزایش قیمت دیگر کالاها نیز اثرگذار خواهد بود. روزنامه «جهان صنعت» گزارش داده که برخی از سرویس‌دهندگان از جمله رانندگان «مسافرکش خطنی» به بهانه افزایش قیمت نان اقدام به افزایش هزینه دریافتی از مردم کرده‌اند.

این روزنامه نوشته است که بطور مثال در غرب تهران مسیری که کرایه آن ۶ هزار تومان بود، از سوی برخی رانندگان ۱۰۰۰ تومان افزایش یافته است.

در این گزارش تأکید شده است که دولت از واکنش شهروندان به ویژه فروشنده‌ها و عرضه‌کنندگان دیگر کالاها و خدمات در هراس است و باور دارد که این اتفاق می‌تواند زنجیره‌ای از گرانی‌ها را به دنبال داشته باشد.

در این میان باز هم اقسار تنگدست و کم‌درآمد قربانیان اصلی گران شدن نان خواهند بود؛ به ویژه آنکه طی سال‌های گذشته با افزایش شدید قیمت مواد خوراکی و حتی برنج و ماکارونی، نان به عنوان خوراک اصلی این اقشار تبدیل شده است.

آسوشیتدپرس: احتمال استقرار تفنگداران آمریکا در کشتی‌های تجاری در تنگه هرمز برای جلوگیری از تهدیدات رژیم ایران



نزدیک شدن فایق‌های تندرو سپاه پاسداران به ناو آمریکایی در خلیج فارس / عکس: رویترز

دریایی تنها در صورت درخواست کشتی‌های دریگیر از آنها محافظت خواهند کرد. یکی از مقامات این فرآیند را پیچیده توصیف کرد و گفت که هرگونه استقرار احتمالاً نیازمند تأیید کشوری است که کشتی مربوطه تحت پرچم آن حرکت می‌کند و کشوری که مالک کشتی در آن ثبت شده است. این مقام گفت تا کنون، این اتفاق هنوز رخ نداده و ممکن است مدت‌ها هم این اتفاق نیفتد.

یک مقام نظامی در پنتاگون گفته که کشتی‌ها، هواپیماها و تفنگداران دریایی بیشتری در منطقه خلیج فارس مستقر شده‌اند که پاسخ سریع‌تر به هرگونه اقدام تحریک‌آمیز رژیم ایران را آسان‌تر می‌کند.

وی گفت که این تلاش ایالات متحده و شرکای آن با هدف اطمینان از باز ماندن تنگه هرمز، آزادی دریانوردی و جلوگیری از هر نوع فعالیت بدخیم انجام می‌شود.

جان کربی سخنگوی شورای امنیت ملی کاخ سفید در گفتگو با خبرنگاران بر اهمیت تنگه هرمز و نگرانی‌های آمریکا در مورد آزار و اذیت کشتی‌ها توسط رژیم ایران تأکید کرد. کربی گفت: «تنگه هرمز یک مسیر دریایی حیاتی است که تأثیر زیادی بر تجارت دریایی در سراسر جهان دارد... این یک گلوگاه حیاتی در عرصه دریایی است و ما شاهد تهدیدات ایران برای تأثیرگذاری بر این گلوگاه بوده‌ایم.»

معاون دریاسالار برد کوپر رئیس ناوگان پنجم نیروی دریایی مستقر در خاورمیانه با رئیس شورای همکاری خلیج فارس دیدار کرد. این بلوک متشکل از شش کشور شامل بحرین، کویت، عمان، قطر، عربستان سعودی و امارات متحده عربی است. در شرایطی که بیانیه شورای همکاری خلیج فارس در مورد این نشست اشاره‌ای به این پیشنهاد نداشت، اما در آن آمده است که برد کوپر و مقامات این شورا درباره «تقویت همکاری شورای همکاری خلیج فارس-ایالات متحده» گفتگو کردند.

دو ناو USS Carter Hall و USS Bataan روز دهم ژوئیه، ایالت ویرجینیا را برای مأموریتی که پنتاگون آن را «در پاسخ به تلاش‌های اخیر ایران برای تهدید جریان آزاد تجارت در تنگه هرمز و آب‌های اطراف آن» توصیف کرد، ترک کردند. پیش از این، ایالات متحده هواپیماهای شکاری A-۱۰ Thunderbolt II، جنگنده‌های F-۱۶ و F-۳۵ و همچنین ناوشکن یواس‌اس توماس هادرن و سایر کشتی‌های جنگی را به علت اقدامات جمهوری اسلامی در دریا به منطقه اعزام کرده بود.

● مقامات آمریکایی گفتند که تفنگداران دریایی و ملوانان نیروی دریایی تنها در صورت درخواست کشتی‌های دریگیر از آنها محافظت خواهند کرد.

● یکی از مقامات این فرآیند را پیچیده توصیف کرد و گفت که هرگونه استقرار احتمالاً نیازمند تأیید کشوری است که کشتی مربوطه تحت پرچم آن حرکت می‌کند و کشوری که مالک کشتی در آن ثبت شده است. این مقام گفت تا کنون، این اتفاق هنوز رخ نداده و ممکن است مدت‌ها هم این اتفاق نیفتد.

مقامات آمریکایی روز پنجشنبه چهارم اوت (۱۳ مرداد) به آسوشیتدپرس گفتند، ارتش آمریکا در حال بررسی استقرار پرسنل مسلح در کشتی‌های تجاری است که از تنگه هرمز عبور می‌کنند، اقدامی که برای جلوگیری از توقیف و مزاحمت‌های جمهوری اسلامی برای نفتکش‌ها و کشتی‌های تجاری انجام می‌شود.

از سال ۲۰۱۹ نیروهای مسلح جمهوری اسلامی و عوامل نیابتی آن در منطقه ایران مجموعه‌ای از کشتی‌ها را در تنگه هرمز، خلیج فارس و دریای عمان به عنوان اهرمی برای تحت فشار قرار دادن غرب در مذاکرات اتمی به کار برده است. تصمیم احتمالی آمریکا برای استقرار نیروهای نظامی در کشتی‌های تجاری بخشی از تعهد آمریکا به شرکای تجاری خود در منطقه است هرچند پنتاگون تلاش می‌کند بر روی تهدیدات روسیه و چین تمرکز نماید. آمریکا حتا در طول دوران پر تنش که به «جنگ نفتکش‌ها» در خلیج فارس مشهور بود و در سال ۱۹۸۸ به اوج خود رسید دست به چنین اقدامی نزد.

در حالی که مقامات آمریکا جزئیات کمی از این طرح ارائه کردند، هزاران تفنگدار دریایی و ملوان هر دو کشتی تهاجمی آبی خاکی USS Carter Hall و USS Bataan به سمت خلیج فارس در حرکت هستند. این تفنگداران دریایی و ملوانان می‌توانند ستون فقرات مأموریت محافظت از کشتی‌ها در تنگه هرمز باشند. جایی که ۲۰ درصد نفت خام جهان از آن عبور می‌کند.

پنج مقام آمریکایی که نخواستند نام‌شان فاش شود به جزئیات بیشتری از این طرح اشاره کردند. این مقامات تأکید کردند که هیچ تصمیم نهایی گرفته نشده و گفتگوها بین مقامات نظامی آمریکا و متحدان عرب آمریکا در خلیج فارس همچنان ادامه دارد.

این مقامات گفتند که تفنگداران دریایی و ملوانان نیروی

مین‌های جنگی علت اختلال مهار حریق در جنگل‌های کردستان؛

چرا سپاه پاسداران «ایلیوشین آتش‌نشان» را اعزام نکرد؟!

● کانال تلگرامی «انجمن سبز چیا» بر اساس تصاویر ماهواره‌ای گزارش داد آتش‌سوزی‌ها در جنگل‌های زاگرس بیش از دو هزار هکتار را در بر گرفته است.

● بهزاد شریفی‌پور مدیرکل منابع طبیعی و آبخیزداری استان کردستان می‌گوید «به دلیل آلودگی مناطق صفر مرزی به مین‌های بجا مانده از دوران جنگ، امکان عملیات اطفای زمینی میسر نبود».

● پرسش مردم این است که چرا سپاه پاسداران که هواپیمای ایلیوشین آتش‌نشان را برای اطفاء حریق در ترکیه و پاکستان اعزام کرد، حالا برای مهار آتش‌سوزی جنگل‌های زاگرس و استان‌های غربی کشور به کار نگرفته و فقط یک فروند هلی‌کوپتر را مأمور کردند که با توجه به وسعت آتش‌سوزی کافی نبود.

بر اساس اعلام مدیرکل منابع طبیعی و آبخیزداری استان کردستان در آتش‌سوزی جنگل‌های کوهستانی زاگرس در اطراف میروان ۴۵۰ هکتار جنگل سوخت.

کانال تلگرامی «انجمن سبز چیا» روز سه‌شنبه ۱۷ امرداد بر اساس تصاویر ماهواره‌ای گزارش داد آتش‌سوزی بیش از دو هزار هکتار را در بر گرفت.



آتش‌سوزی در جنگل‌های بلوط زاگرس

این انجمن از مسئولان حکومت می‌پرسد «وقت آن نرسیده که دستگاه قضایی و امنیتی ضمن دستگیری و معرفی عاملان و آمران این جنایات به افکار عمومی، برگرداندن صدها هکتار تصرف شده توسط مردم و بعضی از ارگان‌ها و نهادها به منابع ملی و بیت‌المال و ترک

فایننشال تایمز:

اختلاف بین وزارت کشور و وزارت خارجه بریتانیا بر سر قرار دادن سپاه پاسداران در فهرست سازمان‌های تروریستی



رزمایش مقابله با «اغتشاشات» در مشهد

از افزایش فشار وزیر کشور در مورد این موضوع خشنود نیست. همچنین نگرانی وزارت خارجه از خشمگین شدن یک کشور دیگر یا در واقع ترسیدن از جمهوری اسلامی برخی مقامات بریتانیا را از این وزارتخانه دلسرد کرده است.

روزنامه «تایمز» روز یکشنبه به نقل از منابع نزدیک به سوئلا برآورمن گزارش داد که وی معتقد است «تهدیدات جمهوری اسلامی چیزی است که بیش از هر چیزی باعث نگرانی است.» وزیر کشور بریتانیا باور دارد که سپاه پاسداران بر فعالیت‌هایش در بریتانیا افزوده است. گزارش‌های دستگاه‌های اطلاعاتی این کشور نیز از فعالیت نهادهای اطلاعاتی جمهوری اسلامی در بریتانیا و تلاش آنان برای به خدمت گرفتن اوباش و تبهکاران برای هدف قرار دادن چهره‌های اپوزیسیون جمهوری اسلامی خبر می‌دهد.

تام توگندات وزیر امنیت بریتانیا اوایل سال ۲۰۲۳ اعلام کرد که طی حدود یک سال، عوامل وابسته به حکومت ایران پشت ۱۵ تهدید و توطئه مربوط به کشتی یا ربودن شهروندان بریتانیایی یا افراد ساکن در بریتانیا قرار داشته‌اند. قرار دادن سازمان‌ها و نهادهای یک کشور در فهرست سازمان‌های تروریستی از سوی بریتانیا توسط وزارت کشور تصمیم‌گیری می‌شود. اما به نظر می‌رسد مقاومت وزارت خارجه تا کنون باعث شده است که این اقدام درباره سپاه پاسداران انقلاب اسلامی انجام نشود.

یک منبع آگاه در وزارت کشور بریتانیا در اینباره گفت: «هر سازمان برآوردها و توصیه‌های خودش را ارائه می‌دهد. ما نیز به وضوح اعلام کرده‌ایم که معتقدیم تروریستی شناختن سپاه پاسداران تصمیم درستی است.»

یک منبع دیگر تأیید کرد برآورمن تهدیدات از سوی جمهوری اسلامی را بزرگترین خطر برای امنیت ملی می‌داند. ماه گذشته جیمز کلورلی وزیر خارجه انگلیس بجای قرار دادن سپاه پاسداران در فهرست سازمان‌های تروریستی انگلیس تحریم‌های جدیدی را علیه رژیم ایران اعلام کرد که به بریتانیا قدرت بیشتری برای هدف قرار دادن تصمیم‌گیرندگان کلیدی در جمهوری اسلامی می‌دهد.

مؤسسه «تونی بلر» که به عنوان اندیشکده فعالیت می‌کند نیز اوایل سال ۲۰۲۳ اعلام کرد که سپاه پاسداران باید از سوی بریتانیا تروریستی اعلام شود.

● سوئلا برآورمن وزیر کشور بریتانیا می‌گوید سپاه برای امنیت ملی این کشور یک تهدید جدی است. یکی از منابع داخلی وزارت کشور به «فایننشال تایمز» گفت: «این مسئله برای دستگاه امنیتی بریتانیا یک آزر خطر به شمار می‌رود.» اما وزارت خارجه انگلیس در برابر قرار دادن سپاه پاسداران در فهرست سازمان‌های تروریستی مقاومت می‌کند.

● جیمز کلورلی وزیر خارجه بریتانیا مخالف قرار گرفتن سپاه در فهرست سازمان‌های تروریستی است. مقامات وزارت خارجه بریتانیا می‌گویند این نگرانی وجود دارد که این اقدام به انتقام‌گیری از سوی تهران علیه شهروندان دوتابعیتی انگلیسی- ایرانی در این کشور منجر شود. این اقدام همچنین امیدها به «احیای برجام» را نیز پیچیده خواهد کرد.

اختلافات میان سوئلا برآورمن وزیر کشور و جیمز کلورلی وزیر خارجه بریتانیا، بر سر شناسایی سپاه پاسداران انقلاب اسلامی به عنوان یک سازمان تروریستی افزایش پیدا کرده و این در حالیست که نگرانی‌ها در مورد تهدیداتی که سپاه پاسداران علیه امنیت ملی بریتانیا ایجاد می‌کند افزایش یافته است.

روزنامه «فایننشال تایمز» گزارش داد برآورمن بسیار نگران است که عوامل جمهوری اسلامی در حال طراحی نقشه برای کشتن شهروندان بریتانیایی، از جمله شخصیت‌های برجسته یهودی، یا افراد مستقر در بریتانیا باشند. یکی از منابع داخلی وزارت کشور به «فایننشال تایمز» گفت: «این مسئله برای دستگاه امنیتی بریتانیا یک آزر خطر به شمار می‌رود.» اما وزارت خارجه انگلیس در مقابل قرار دادن سپاه پاسداران در فهرست سازمان‌های تروریستی مقاومت می‌کند. به گفته مقاماتی که در جریان گفتگوهای داخلی قرار گرفته‌اند، ممنوعیت یک نیروی مسلح کشوری دیگر برای انگلیس بسیار غیرعادی خواهد بود و این نگرانی وجود دارد که این اقدام به انتقام‌گیری از سوی تهران علیه شهروندان دوتابعیتی انگلیسی- ایرانی در این کشور منجر شود. این اقدام همچنین امیدها به «احیای برجام» را نیز در خطر قرار خواهد داد.

برخی منابع گفته‌اند جیمز کلورلی وزیر خارجه بریتانیا

بلومبرگ: طالبان با «مبگذاران انتحاری» آماده جنگ با ایران بر سر حقایق هیرمند می‌شود



اوایل خرداد ۱۴۰۲ گزارش شد که نیروهای طالبان با نفربر در مرزهای ایران مستقر شدند

بازگشت به قدرت، عرضه آب را کاهش داده و مفاد معاهده هیرمند را در موضوع تأمین حقایق ایران، رعایت نمی‌کند. طرف طالبان نیز با رد این ادعا می‌گوید خشکسالی دلیل آزاد نکردن آب به سمت ایران است.

عُمر صمد کارشناس ارشد اندیشکده «شورای آتلانتیک» مستقر در واشنگتن به بلومبرگ گفت: «هر دو طرف می‌توانند برای توجیه مواضع خود ادعاهایی مطرح کنند... از نظر سیاسی درگیری احتمالی بین دو کشور غیرمنطقی خواهد بود و منجر به بی‌ثباتی منطقه می‌شود آنهم در شرایطی که هیچیک از طرفین نمی‌توانند درگیری را تحمل کنند.» منبعی که نخواست نامش فاش شود می‌گوید از زمان آغاز بحران آب با ایران در چند ماه اخیر، طالبان علاوه بر اعزام سربازان و مبگذاران انتحاری خود به منطقه، در نظر دارد از صدها جنگ‌افزار آمریکایی برجای ماند در افغانستان در صورت بروز یک جنگ احتمالی استفاده کند.

بلومبرگ به دلایل امنیتی از منابع خود نام نبرده اما نوشته است این اطلاعات دقیق است و طالبان برای جنگ آماده شده است.

درگیری مرزی جمهوری اسلامی با طالبان در حالی بالا گرفته که پس از خروج آمریکا از افغانستان و سقوط کابل و اشغال مجدد این کشور توسط گروه طالبان، مقامات رژیم ایران در حمایت از این گروه تروریستی پیشقدم شدند.

احمد نادری نماینده مجلس شورای اسلامی می‌گفت «طالبان از جنبش‌های اصیل منطقه است» و «ما با طالبان دشمن مشترک داریم». علی شمخانی دبیر شورای عالی امنیت ملی جمهوری اسلامی نیز رهبران طالبان را به خاطر عزم‌شان برای جنگیدن با آمریکا ستایش می‌کرد. محمدجواد ظریف وزیر خارجه سابق جمهوری اسلامی نمایندگان آنها را به دفتیش در تهران دعوت کرد و حسین امیرعبداللهیان وزیر خارجه فعلی نیز آنها را «دوست و برادر» خطاب می‌کند و در دیدارهای رو در رو به گرمی آنان را در آغوش می‌کشد.

● منبعی که نخواست نامش فاش شود می‌گوید از زمان آغاز بحران آب با ایران در چند ماه اخیر، طالبان علاوه بر اعزام سربازان و مبگذاران انتحاری خود به منطقه، در نظر دارد از صدها جنگ‌افزار آمریکایی برجای مانده در افغانستان در صورت بروز یک جنگ احتمالی استفاده کند.

● عُمر صمد کارشناس ارشد اندیشکده «شورای آتلانتیک» مستقر در واشنگتن به بلومبرگ گفت: «هر دو طرف می‌توانند برای توجیه مواضع خود ادعاهایی مطرح کنند... از نظر سیاسی درگیری احتمالی بین دو کشور غیرمنطقی خواهد بود و منجر به بی‌ثباتی منطقه می‌شود آنهم در شرایطی که هیچیک از طرفین نمی‌توانند درگیری را تحمل کنند.»

اواخر اردیبهشت ۱۴۰۲، ابراهیم رئیس‌ی به طالبان در مورد حقایق هیرمند هشدار داد و گفت «به توافقنامه تأمین آب افغانستان احترام بگذارید در غیر اینصورت» گله نکنند که به ما گفته نشد.»

یکی از چهره‌های سرشناس طالبان در واکنش به حرف‌های رئیس‌ی برای تمسخر یک دبه آب ۲۰ لیتری به وی هدیه داد و گفت از اولتیماتوم و تهدید طالبان دست بردارد. حدود یک هفته بعد، درگیری در مرز ایران و افغانستان آغاز شد و دو پاسدار ایرانی و یک عضو طالبان کشته شدند.

خبرگزاری بلومبرگ دوشنبه ۱۶ مرداد با اشاره به اختلاف بر سر حقایق هیرمند میان جمهوری اسلامی و طالبان به نقل از یک فرد مطلع گزارش داد گروه طالبان برای جنگ آماده است و هزاران سرباز و صدها مبگذار انتحاری را به منطقه فرستاده‌اند.

دولت جمهوری اسلامی در مورد حقایق هیرمند به طالبان هشدار داده و گفته است که این خواست ایران را «جدی بگیرند». وزارت خارجه طالبان اما خواهان بررسی این موضوع با توجه به خشکسالی و کمبود باران شده است. جمهوری اسلامی استدلال می‌کند که طالبان پس از

→ فعل‌های بی‌شماری که از سوی نهادهای متولی امر انجام گرفته وارد عمل شده و آنها را به سزای عمل‌شان برسانند تا درس عبرتی برای سایرین باشد؟!»

علاوه بر وزش باد و مسیره‌های دشوار، مهار حریق در این مناطق با موانع دیگری نیز روبرو بود. بهزاد شریفی‌پور مدیرکل منابع طبیعی و آبخیزداری استان کردستان می‌گوید «به دلیل آلودگی مناطق صفر مرزی به مین‌های بجا مانده از دوران جنگ، امکان عملیات اطفای زمینی میسر نبود و با کمک سه فروند هلی‌کوپتر وزارت دفاع و پشتیبانی، هلال احمر و نیروی هوایی سپاه، آتش مهار شد.»

مین‌هایی که در مسیره‌های کوهستانی زاگرس به ویژه معبرهای منتهی به مرز کار گذاشته شده‌اند باعث شد تا امدادسازان‌ها به بعضی از نواحی دسترسی پیدا نکنند.

منابع محلی اما می‌گویند بخش عمده این مین‌ها را سپاه پاسداران در سال‌های اخیر در مسیره‌های کوهستانی کار گذاشته است. در موارد متعدد انفجار این مین‌ها باعث گسترده‌تر شدن آتش‌سوزی و تلف شدن گونه‌های جانوری و نابودی گیاهان و درختان کهنسال شده است.

پرسش مردم این است که چرا سپاه پاسداران که هواپیمای ایلیوشین آتش‌نشان را برای اطفاء حریق در ترکیه و پاکستان اعزام کرد، حالا برای مهار آتش‌سوزی جنگل‌های زاگرس و استان‌های غربی کشور به کار نگرفته و فقط یک فروند هلی‌کوپتر را مأمور کردند که با توجه به وسعت آتش‌سوزی کافی نبود.

در مهرماه سال ۱۳۹۷ حکومت با تبلیغات گسترده از «اولین جت آتش‌نشان» کشور رونمایی کرد و اعلام شد، این جت آتش‌نشان برای حریق‌های شهری و فضاهای داخلی کاربرد زیادی ندارد اما برای حریق‌های باز، پرکاربرد است. در جریان آتش‌سوزی در جنگل‌های بلوط زاگرس استان کردستان از این هواپیما نیز خبری نشد.

در شبکه‌های اجتماعی ویدئوهایی منتشر شده که بر اساس آنها گفته می‌شود عوامل سپاه پاسداران عمدی اقدام به آتش‌زدن مراتع و جنگل‌ها کرده‌اند. رد یا تأیید این



ایلیوشین ۷۶- ساخت شوروی

ویدئوها بطور مستقل ممکن نیست اما در یکی از این موارد مردم محلی با چند بسیجی درگیر شده‌اند.

در روزهای اخیر مقامات استانی در کردستان تأیید کردند آتش‌سوزی‌ها منشاء انسانی داشته است اما اعلام کردند «عمدی» یا «سهوی» بودن آن در دست بررسی است.

دین سیاسی و بی‌اخلاقی اجتماعی



پایبند باشند. اینان به موجب همان باورهای مذهبی تعهد دارند که اعتقادات خود را از سیاسی شدن برای رسیدن به مال و منال مصون نگهدارند. به عنوان باورمند به دینی خاص، معتقدان می‌بایست با صداقت در برابر کاسبکاران شاید بایستند و اجازه ندهند بیش از این اعتقادات آنها را دست‌مایه اغراض سیاسی و توهّمات جزم‌گرایانه خود سازند. این نوشتار برای معتقدان است تا در مورد اعتقادات خود عمیق‌تر اندیشه کنند.

طرح موضوع

رسانه‌های حکومتی همواره به عنوان بلندگوی نظام به اصطلاح مذهبی به اشکال مختلف مردم را به اخلاق دینی مورد نظر خود فرا می‌خوانند. عده‌ای هم در این فضای هدایت شده توسط حکومت، به عنوان معلم اخلاق و یا الگوهای دینداری به نان و نوایی رسیده‌اند. مقامات بالای سیاسی در اختیار آنهاست، و به این ترتیب همه اهرم‌های مادی و اقتصادی جامعه نیز در انحصار آنان قرار گرفته است. فساد اقتصادی آنقدر عمیق و گسترده است که نیازی به توضیح آن نیست. آلودگی و تباهی جنسی بخش بزرگی از ارکان حاکمیت را فرا گرفته است. اخباری که هر روزه انتشار می‌یابد، همه حکایاتی از این آلودگی‌های جنسی توسط مقامات و هواداران حکومت اسلامی است. در حقیقت، میزان و گستردگی فساد از سوی منادیان اخلاق در حکومت چنان بالاست که اذهان عمومی را نه فقط با تردید نسبت به توانایی مذهب برای هدایت جامعه، بلکه با رویگردانی از آن همراه ساخته است. در نتیجه، تمامیت گفتمان مذهبی فقط در ←

برای هدایت زندگی خود آگاهانه و خردمندانه انتخاب می‌کند. اما هرگاه حفظ منافع فردی و یا خودخواهی جای این ویژگی شخصیت اخلاقی را بگیرد طبیعتاً دیدگاه شروانه جانشین آن می‌شود.

● اخلاق مذهبی حتی در جامعه باورمندان خود نیز مرزهای جدایی ایجاد کرده و جامعه را به انشقاق می‌کشاند. بنابراین نمی‌تواند به نیازهای پیوسته در حال دگرگونی جوامع پاسخ گوید.

محمود مسائلی - آیا دین سیاسی نهادینه شده می‌تواند اخلاق اجتماعی مورد قبولی به وجود آورد؟ اگر چنین است، چگونه زشت‌ترین نمونه‌های بی‌اخلاقی اجتماعی را در ایران امروز توضیح داد؟

اعلامیه جهانی حقوق بشر در ماده ۱۸ صراحت دارد که «هر انسانی شایسته برخورداری از آزادی اندیشه، وجدان، و دین است. این حق شامل آزادی دگراندیشی، تغییر مذهب، و آزادی برای آشکار کردن آیین و ابراز عقیده، چه به صورت انفرادی و چه به صورت جمعی یا به اتفاق دیگران، در آموزش، اجرای مناسک عبادت، و نظارت آن در محیط عمومی و خصوصی می‌باشد». مطابق با همین اعلامیه، آزادی در برگزیدن دین و آیین، تغییر آن، و یا حتی خروج از دین و آیین حق ذاتی همه مردم، بدون هیچ نوع تبعیض به شمار می‌رود. در حقیقت آزادی دین و مذهب با برابری و اختیار آزادانه همه مردم برای تصمیم‌گیری و انتخاب همراه است.

این مقاله خطاب به شهروندانی است که حق دارند با خلوص نیت و بدون اغراض سیاسی به آیین مورد نظر خود

● این مقاله خطاب به شهروندانی است که حق دارند با خلوص نیت و بدون اغراض سیاسی به آیین مورد نظر خود پایبند باشند. اینان به موجب همان باورهای مذهبی تعهد دارند که اعتقادات خود را از سیاسی شدن برای رسیدن به مال و منال مصون نگهدارند. به عنوان باورمند به دینی خاص، معتقدان می‌بایست با صداقت در برابر کاسبکاران شاید بایستند و اجازه ندهند بیش از این اعتقادات آنها را دست‌مایه اغراض سیاسی و توهّمات جزم‌گرایانه خود سازند. این نوشتار برای معتقدان است تا در مورد اعتقادات خود عمیق‌تر اندیشه کنند. هدف اصلی این نوشتار توضیح و اثبات این فرضیه است که اخلاق مذهبی اساساً نمی‌تواند واقعیات دنیای امروزین را دریافته و با آنها مناسباتی سازنده برقرار نماید.

● بر اساس نظام «اتیکال» کانتی (ایمانوئل کانت) هر نوع فرمانی برای هدایت زندگی باید از محاسبه سود و زیان‌های فردی رها بوده و از فرمان مطلق عقل عملی، که برای همه سرشت‌های خردمند قابل درک و دریافت است، برخیزد. انسان‌های خردمند به دلیل ذات عقلانی خود می‌دانند که راه و روش زندگی انسانی چیست، و این راهی است که از باور به انسانیت سرچشمه می‌گیرد. یعنی باور به اصل انسانیت، و صرف نظر از اینکه انسان در عالم شخصی خود چه اعتقاداتی را برای یافتن خویشیت خویش دنبال می‌کند.

● کانت می‌گوید اگر تمایل به شرّ و شیطان پیدا می‌شود به این دلیل است که فرمان اخلاق نادیده گرفته می‌شود. در حقیقت فرد به لحاظ شخصیتی و یا منش اخلاقی خوشرفتار و پرهیزگار، اصل اخلاقی احترام به انسانیت را

را برقرار می‌سازد یعنی «یقین» فرد در «ایمان» وی، و فقط وی، قرار دارد. این ایقان با روش‌های قیاسی مجرد انجام می‌شود، و در نتیجه نمی‌تواند به عرصه روش استقرایی اندیشه، یعنی نگرشی بر آمده از تجربیات مردم در حیات واقعی خویش وارد شود. عالم غیب سراسر اسرار است و می‌کوشد راز و رمزها را با شیوه‌های شهودی برای دوستداران و باورمندان به عالم غیب توضیح دهد. به عنوان مثال، در جهان اسلام، دریافت عالم غیب یا به «نباذهای شرعی» [۷] می‌آمیزد تا بتواند باورمندان را به راه و رسم خاص و از پیش تعیین شده‌ای برانگیزد، و یا راه خود را به عرفان و تصوف باز می‌کند. در حالی که اولی حتی الوهیت را به فهم‌های سطحی و ساده‌لوحانه‌ای تقلیل می‌دهد که با عقوبت و پاداش حضور خود را در اخلاق مذهبی توضیح می‌دهد، دومی می‌کوشد رمز و راز عالم الهی را با عشق و دلدادگی عارفانه فراخواند تا از طریق تجربه درونی بایدها و نبایدها ادراک شود. اما همین ادراک درونی عاشقانه نیز هرگز راهی برای اندیشه انسان مستقل عقلانی باز نمی‌کند. در نتیجه، یا به رمز و رازهای عبادانه [۸] کشیده می‌شود، و یا اعماق ادراک را به رازهای سرمستی عاشقانه [۹] فرا می‌خواند. اما حقیقت این است که هر دو نحله‌ی شرعی‌اندیشی و عرفان‌گرایی ذاتاً نمی‌توانند گفتمانی اجتماعی و مبتنی بر همگرایی فراگیر [۱۰] به وجود آورند که همه انسان‌ها در آن مشارکت داشته باشند.

به سخن بهتر، باور به عالم غیب می‌تواند در حیطه انتخاب انسانی قرار گیرد. البته حقوق بشر بین‌المللی این انتخاب را تصدیق و آنرا حق ذاتی انسان می‌داند. اما این حق است برای فرد انسانی و رفتار و باورهای او در حیطه شخصی، و نمی‌تواند و نباید به عالم اجتماع، یا عرصه عمومی، راهی برای خود باز کند زیرا عالم غیب نمی‌تواند واقعیات حیات اجتماعی را برای همگان توضیح دهد.

اگر چیزی و یا رفتاری بد است، و باید از آن امتناع شود، برای این است که سلامت اجتماعی برای همه مردم تامین شود. بنابراین، اخلاق نمی‌تواند در فرمان مذهب خلاصه شود چرا که همه مردم را در بر نمی‌گیرد. حال اگر از نقطه نظر باورمندان به دیانت اسلام هم بخواهیم به این بیان بپردازیم، همان آیه معروف «لااکراه فی الدین» کفایت می‌کند تا استدلال کنیم که اخلاق مذهبی ماهیتاً نمی‌تواند جهانشمول باشد. اساساً ذات فرمان‌دهنده و بالا به پایین اخلاق مذهبی با همان مبانی اعتقادی مانند آیه یادشده، و یا اینکه «خداوند از رگ گردن به شما نزدیکتر است» [۱۱] و یا «به هرسو نگرید، خداوند همانجاست» [۱۲] مغایرت ذاتی دارد.

کمترین معضل مربوط به اخلاق مذهبی در این حقیقت قرار دارد که نمی‌تواند کنکاش خردمندانه ذهن جستجوگر را قانع و راضی سازد. علاوه بر این، همان ماهیت فرمان‌دهنده ماوراء طبیعی مذهب که ریشه در اعتقاد به عالم غیب دارد، جامعه با به قطب‌بندی‌های ناگزیر می‌کشد. با نگرشی خوشبینانه، و متأثر از عرفان مست، این تفاوت در فهم‌ها لازمه تلاشی شهودی برای یافتن معشوق است. یعنی اینکه هر کسی معشوق خود را به گونه‌ای می‌جوید و طریق خاص خود را انتخاب می‌کند. در نگرش شهودی، این حقیقت هستی آدمیان است تا راه خود را به سوی معشوق بازکنند تا بتوانند در دستان او آرام بگیرند. به همین دلیل در عرفان مست، که با زیبارستی (آهنگ، شادی، و رقص) همراه است، این اعتقاد وجود دارد که راه‌های شناخت خدا بی‌شمار و به اندازه روح آدمیان فراخ است. پس هر کسی حق

باقی بماند و به افراد پیرو آن محدود است. به همین دلیل، ماهیتاً نمی‌تواند نیازهای بشری را که در طول زمان و با تغییرات در حیات اجتماعی و سیاسی شکل می‌گیرند پاسخ بگویند. به همین دلیل بجای مطابقت خود با این شرایط، در حالتی دفاعی جزمی، خشک، و غیرکارآمد فرو رفته و در آن محصور می‌مانند و مواضعی عمیقاً محافظه‌کارانه واغلب واکنشی [۴] و در عین حال حق به جانب و با ادعای «حقیقت مطلق» به خود می‌گیرند.

تفاوت دیگر میان اخلاق و اصول رفتار اجتماعی (اتیک) این است که نظام‌های اخلاقی مذهبی ادعاهای منحصر به فرد خود را داشته و هیچ تمایلی به گفتگو (دیالوگ) برای اثبات آن دایعه‌ها ندارند. اینان می‌کوشند پیروان خود را متقاعد سازند که آن باورها و دایعه‌ها کاملاً صحیح و غیرقابل تامل و یا پرسش هستند. پیروان نیز بجای اندیشه‌ی انتقادی باید تسلیم محض آن باورها و دستورات باشند. در حقیقت آن قواعد اخلاقی که زیر عنوان مذهب عرضه می‌شوند، ماهیتی از بالا به پایین دارند؛ به عبارت بهتر دستورات خداوند هستند که باید با جان و دل به آنها تسلیم شد. از نقطه نظر اخلاق مذهبی، هدف مذهب این است که انسان‌ها را از هوای نفس رها سازد تا رستگار شوند. راه رستگاری عرضه شده توسط صاحب نظران مذهبی نیز یکسویه بود و امکان هیچ نوع دیالوگ و همکاری و یا بازانندیشی در مورد آنها را بر نمی‌تابد. شایان ذکر است که دستگاه‌های اخلاق مذهبی، به ویژه آنهایی که در ایران امروز و یا در جهان اسلام بر آنها پا فشرده می‌شود، همگی غایت‌گرا [۵] بوده و منطق نهفته در آنها نیز با عقلانیت مستقل انسان آزاد قابل انطباق و یا سازش نیست، صرفاً به این دلیل ساده که طبق نظر معتقدان به آنها، همگی از منابع الهی و غیرقابل تردید حاصل می‌شوند.

اگر بخواهیم این استدلال را به زبان جامعه‌شناسی تعریف کنیم، باید بگوییم که اخلاق مذهبی بنیاد عقلانی مدرن و برآمده از توان فهمیدن انسان ندارد، بلکه ذات و ماهیت اینگونه نظام‌های اخلاقی از نوع قانع ساختن معتقدان، و به عبارتی روشن‌تر، تعطیل ساختن توان عقلانی انسان برای تأمل در خصوص خویشتی خویش و رابطه آن با محیط اجتماعی پیرامون است. به همین دلیل ساده، تلاش هواداران اخلاق مذهبی برای قانع ساختن دیگران، در مت و ماهیت خود با تلاشی بی‌وقفه برای دعوت دیگران به دیانت خاص خود به عنوان تنها راه رستگاری همراه است.

اساساً دعوت به دیانت خاص برآمده از همان ماهیت قانع‌کنندگی آن دین بر می‌آید. این دو با هم همراه و پیوسته هستند به گونه‌ای که با تامل انتقادی در خصوص یکی از آنها، دیگری نیز ماهیت وجودی خود را از دست می‌دهد. دعوت به راه و روش دینی خاص با تغییر آیینی و یا کیش می‌آمیزد، در نتیجه همه دستگاه اخلاق مذهبی به سوی سرنوشت محتوم جاندارانه بودن متعصبانه، یکسونگر، جزمی و سرکوبگر تبدیل می‌شود. در حالی که اصول رفتار اجتماعی (اتیک) به دلیل ماهیت ساختاری اجتماعی خود، پرسشگر و همواره همپای پذیرش حقایق اجتماعی، نقدپذیر و تغییرپذیر، و در نتیجه ماهیتی همگرا و جهانشمول به خود می‌گیرد زیرا هیچکس از دایره شمول آن اخراج نمی‌شود.

اخلاق مذهبی از نقطه نظر اصل و منشأ جهان [۶]، به عالم غیب اعتقاد داشته و راه را برای کنکاش عقلانی مسدود می‌سازد. عالم غیب جهانی غیرقابل مشاهده، آزمایش، و تجربه است و فقط ایمان به آن امکان «ایقان»

→ سطح شعارهایی بی‌محتوا که از واقعیات جامعه فاصله‌ی زیاد دارد، همچنان به عنوان ابزاری برای فریب در دست شیدان قرار دارد.

هدف اصلی این نوشتار توضیح و اثبات این فرضیه است که اخلاق مذهبی اساساً نمی‌تواند واقعیات دنیای امروزی را دریافته و با آنها مناسباتی سازنده برقرار نماید. برای این منظور، در ابتدا توضیحاتی ساده درباره پاره‌ای از مفاهیم پایه‌ای ارائه شده و سپس فرضیه مورد نظر با حفظ اصول بی‌طرفی به بحث گذاشته می‌شود.

منظور از اخلاق چیست؟

در زبان فارسی، واژه اخلاق مانند پاره‌ای از واژگان دیگر ممکن است با نارسایی‌های معنایی و مفهومی همراه باشد. در زبان انگلیسی اساساً دو واژه برای این مفهوم استفاده می‌شود، و هر دو در برگیرنده قضاوت انسان درباره عمل خوب یا بد، درست یا نادرست، و مجاز و ممنوع هستند. اولین واژه «مورال» [۱] است که به آن در زبان فارسی اخلاق می‌گویند، و در برگیرنده باورهای فردی در خصوص عمل درست و یا نادرست است. یعنی فرد تصمیم می‌گیرد چگونه رفتار اجتماعی خود را تنظیم کند. به عنوان مثال، یک باورمند به خدا، صرف نظر از اینکه عملی که می‌خواهد انجام دهد درست است یا نه، به صرف اینکه آن عمل در مغایرت با فرمان الهی است، از انجام آن خودداری می‌کند. در این مورد اخلاق آن چیزی است که به نمایندگی از طرف خدا کسانی به او آموخته‌اند، و آن فرد آن آموخته‌ها را چراغ راه رفتار اجتماعی خود قرار می‌دهد. در این چشم‌انداز مذهبی، اقدام اخلاقی با مفاهیم فضیلت دینی و ثواب می‌آمیزد، و عمل اخلاقی نادرست جامعه گناه می‌پوشد. در نقطه مقابل نگرش دینی، فردی که از ناحیه احترام به بشريت برنامه زندگی خود را تنظیم می‌کند، نیز انجام عملی و یا پرهیز از آنرا با اعتقادات شخصی خود می‌آمیزد. یعنی در تصورات خودانگاشته‌ی خویش [۲]، خواه متافیزیکی و خواه عقلانی فردی، باورهایی را به وجود آورده و بر اساس آنها تصمیم گرفته و اقدام می‌کند. در هر دو این موارد، انجام عمل و یا خودداری از انجام آن با اعتقادات شخصی فرد همراه و بر اساس اعتقادات و باورهای فردی است. یعنی اینکه این باورهای شخصی نظام‌مند نشده و به عنوان یکسری دستوراتی که بازتاب فضایل اجتماعی بوده، و هدایت جامعه را به حیات گروهی و همکارانه افراد به عهده گیرند، در نظر گرفته نمی‌شود و به افرادی که از آن پیروی می‌کنند محدود است.

اما «اتیک» [۳] که شاید بتوان آنرا به زبان فارسی «اصول اخلاقی» و یا «استانداردهای رفتار اجتماعی» نامید، وظیفه نظام‌مند شدن دستورات اخلاقی را به عهده گرفته و در نتیجه، مرزهای خودانگاشته‌ی بایدها و نبایدها را به حیطه مبتنی بر رضایت اجتماع انسان‌ها می‌کشد. بنابراین در حالی که اخلاق از منابعی از پیش تعیین شده، مانند خدا و دین، و یا باورهای غیردینی، سرچشمه می‌گیرد، و همواره می‌کوشد ثابت و غیرقابل تغییر باقی بماند، اتیک، و یا استانداردهای رفتار اجتماعی مولود عقلانیت همکارانه اجتماعی، و بنابراین ساختاری اجتماعی است.

به این ترتیب، برای پاسخگویی به نیازهای اجتماعی، اتیک آماده پذیرش تغییرات بوده و ماهیتی خلاق و پویا پیدا می‌کند. آنچه اما مذهب به پیروان خود تعلیم می‌دهد، «اخلاق» است که از منابع الهی-متافیزیک سرچشمه گرفته، و همواره می‌کوشد ثابت و غیرقابل تغییر

دارد، و باید راه خود را به سوی دلدار باز کند. اما با نگرشی واقع بینانه، مذهب و شرع فرماندهنده آن راه انتخاب را مسدود ساخته، ترسیم چهره معشوق را به قلم زشت و زهرآگین شریعتمدار خشک‌اندیش متعصب می‌سپارد، و نه فقط همه زیبایی عالم سرمستی عشق را به جهنمی تبدیل می‌سازد، بلکه با جدایی و تفرقه در جامعه، قطب‌های متعارض و سرکوبگر به وجود می‌آورد. در اینجاست که اخلاق مذهبی فرمان نابودی دیگران را می‌دهد، حتی آنانی که به عالم خداوندگاری باور دارند اما نگرش آنان با مذهب‌یون متعصب متفاوت است. در اینجا، اخلاق مذهبی به ضد ارزش، ضد مقام انسانیت، مخالف مدارا و تساهل، مسدودکننده فرآیند یادگیری، و در حقیقت نیروی مهیب سرکوبگری تبدیل می‌شود که تحت هیچ شرایطی نمی‌توان آنرا پذیرفت.

اینگونه استدلال‌ها را می‌توان بیشتر ادامه داد. «اتیک» از محدودیت‌های ذاتی در امان است. اتیک بطور عام ساختار اجتماعی است که از طریق همگرایی فراگیر ساخته شده و گفتمانی جهانشمول برای هدایت سرشت‌های خردمند فراهم می‌آورد.

بر اساس نظام «اتیکال» کانتی (ایمانوئل کانت) هر نوع فرمانی برای هدایت زندگی باید از محاسبه سود و زیان‌های فردی رها بوده و از فرمان مطلق عقل عملی، که برای همه سرشت‌های خردمند قابل درک و دریافت است، برخیزد. انسان‌های خردمند به دلیل ذات عقلانی خود می‌دانند که راه و روش زندگی انسانی چیست، و این راهی است که از باور به انسانیت سرچشمه می‌گیرد. یعنی باور به اصل انسانیت، و صرف نظر از اینکه انسان در عالم شخصی خود چه اعتقاداتی را برای یافتن خویشتن خویش دنبال می‌کند. بر اساس «اتیک»، به عنوان گفتمان همگرایی اجتماعی، اگر کاری خوب است، انسان آنرا به دلیل همان فرمان عقل در می‌یابد، و اگر کاری بد است، به این دلیل است که در تناقض در فرمان عقل برای احترام به اصل انسانیت است. در «اتیک»، پاداش و مجازات جایی ندارد، زیرا همه آفریدگان خردمند آنرا به دلیل ذات عقلانی خود ادراک می‌کنند. هرگاه این اتیک پا به عرصه اجتماعی بگذارد، حدود اجرایی آنرا قانون مدنی تعیین کرده و حقوق و آزادی‌های اساسی عصاره‌های آنرا به وجود می‌آورند. به همین دلیل، اتیک، علم و اصول رفتار اجتماعی در جامعه سکولار را تعریف و تعیین کرده، و به دلیل سرشت اجتماعی ساخته شده خود، ماهیتی عام و جهانشمول پیدا می‌کند، صرف نظر از اینکه افراد جامعه چه اعتقادات دینی دارند.

شرارت و نه اخلاق دینی

قضاوت نسبت به عمل اخلاقی، یکی از چالش برانگیزترین موضوعات فلسفی را در اندیشه‌های کانت شکل بخشیده است. در کتاب «مذهب در چارچوب عقل» [۱۳] کانت این پرسش را به بحث می‌گذارد که اگر خداوند مهربان و کامل است، چرا شیطان و عمل شیطانی را به وجود می‌آورد؟! پاسخ را شاید بتوان اینگونه توضیح داد که از نقطه نظر روش قیاسی، آنگونه که الهیون مذهبی توضیح می‌دهند، خداوند به انسان اراده آزاد می‌دهد تا او راه خود را برگزیند. بنابراین شیطان مولود اراده خداوند نیست بلکه این انسان است که عمل شیطانی را با اراده آزاد خود ایجاد کرده است. از نقطه نظر روش استدلال استقرایی نیز، عمل شیطانی می‌تواند از طریق مشاهده و تجربه، انسان‌های خردمند را برانگیزد تا فکر کنند که چرا نباید مرتکب اقدامات نادرست بشوند. البته پاسخ کانت با

این توضیحات متفاوت است. کانت از نقطه نظر الهیات به «مذهب پاک‌گرایان» تعلق خاطر دارد و بر همین اساس می‌تواند بپذیرد که انسان‌ها به دلیل گناه اولیه، گرایشی طبیعی به طرف امور نادرست و شیطانی دارند. اما برای عبور از محدودیت‌های این نگرش دینی، عمل شیطانی را به اراده آزاد خود فرد ارتباط می‌دهد. پیشتر از این در کتاب «بنیادهای مابعدالطبیعه اخلاق» [۱۴] توضیح می‌دهد که موضوع عمل اخلاق اساساً هیچ نیازی به بحث خداوند ندارد. بلکه انسان دارای این استعداد ذاتی است که فرمان اخلاق و پارسایی اجتماعی را به لحاظ عقلانی دریافت کند. بنابراین اگر هم بتوان به گرایش ذاتی بشر به شرور بودن اعتقاد داشت، منظور این است که آن گرایش به این دلیل به وجود می‌آید که فرد از فرمان عقل خود را جدا می‌سازد. در نتیجه، بنای هویتی خود را بر اساس محاسبه امتیازات و نیز منافع فردی استوار می‌گرداند. دقیقاً همین انحراف است که قانون جهانشمول اخلاق اجتماعی را زیر پا گذاشته و فرد را به خودپرستی کشانده، و در نتیجه شخصیت اجتماعی او را فاسد می‌سازد. به همین دلیل، منبع شیطان و امور نادرست را باید در همان سازگاری اراده انسانی با فرمان عقل جستجو کرد. این سازگاری را کانت «شیطان رادیکال» [۱۵] می‌نامد.

اما می‌توان با ایجاد تغییراتی بنیادین در اندیشه، به این گرایش به شرّ و شیطان غلبه کرده و به تدریج به اصلاح در شخصیت و رفتارها دست یافت. منظور این است که بدون اصلاح اولیه یعنی تغییرات بنیادین در اندیشه نمی‌توان شخصیت‌های اجتماعی را اصلاح کرده و جامعه را به صلاح و آرامش رساند. این نگرش اصلاح‌گرایانه توضیحاتی بیشتر را اقتضا می‌کند. کانت می‌خواهد بگوید که اگر تمایل به شرّ و شیطان پیدا می‌شود به این دلیل است که فرمان اخلاق نادیده گرفته می‌شود. در حقیقت فرد به لحاظ شخصیتی و یا منش اخلاقی خوشرفتار و پرهیزگار، اصل اخلاقی احترام به انسانیت را برای هدایت زندگی خود آگاهانه و خردمندانه انتخاب می‌کند. اما هرگاه حفظ منافع فردی و یا خودخواهی جای این ویژگی شخصیت اخلاقی را بگیرد طبیعتاً دیدگاه شرورانه جانشین آن می‌شود. به همین دلیل کانت توضیح می‌دهد که سرشت‌های خردمند باید هر معیاری برای قضاوت و رفتار در زندگی خود را تابع قانون مطلق اخلاق سازند نه اینکه قضاوت اخلاقی تابع مقتضیات زندگی و حساب و کتاب منافع فردی باشد. به سخن بهتر، همه آدمیان دارای این توان اخلاقی هستند و می‌توانند آگاهی داشته باشند که راهی جز پرورش شخصیت اجتماعی پرهیزگاران برای حیات انسانی شرافتمندانه وجود ندارد. حال اگر گرایش شیطانی در وجود انسان به وجود آید به این دلیل است که انسانیت او آسیب دیده است. برای عبور از این آسیب‌دیدگی می‌بایست بار دیگر به ضرورت شکوفایی انسانی او دقت نمود تا راه را بر رفتار شیطانی مسدود ساخت. انسان در برخورداری از ظرفیت عقلانی خویش می‌تواند آزادی اندیشه را تجربه نموده و آنرا با عقل عملی پیوند دهد تا در مسیری قرار گیرد که در آن احترام اصل انسانیت و عمل به آن اصل غیرقابل انکار حیات انسانی خواهد بود. برای این کار همواره بایستی به نیت خوب و اراده خیر برای اقدام کردن بر اساس اصل انسانیت توجه کرد. نیت و اراده خوب و خیر تنها امر مقدسی است که می‌تواند روح انسانی را در پرتو حمایت خود قرار دهد؛ یعنی اراده‌ای مقدس برای اندیشیدن خردمندانه مستقل در جهت احترام و اقدام بر اساس اصل انسانیت. در پرتو این نوع نگرش است که ضرورتاً می‌بایستی

با عبور از محدودیت‌های اخلاق مذهبی، اصول رفتار اجتماعی را را که از تجربه تغییرات بنیادین در اندیشه شده است، مبنای اصلی گفتمان اجتماعی قرار داد. در حقیقت، اگر قرار باشد هر نوع انقلابی برای اصلاح امور در جوامع استبداد زده انجام پذیرد، راه رسیدن به آن در اندیشه عقلانی انسان‌هاست و گرنه انقلابات فیزیکی، همانگونه که از انقلاب فرانسه یا انقلاب‌های دیگر مشاهده می‌شود، در نهایت فرجامی جز ترور و سرکوب دگراندیشان نخواهد داشت. برای دستیابی به اصول رفتار اجتماعی که بازتاب منش اخلاقی انسان است، باید به همان عقلانیت مستقل انسانی مراجعه کرد که می‌تواند بر گرایش شیطانی پیشی گیرد. اما در نظر داشته باشیم که تنها انقلاب فکری کافی نیست. بلکه فرآیندی عملی برای تحقق آن انقلاب نیز اجتناب‌ناپذیر است. انقلاب در اندیشه‌ها باید با تجربه انسانی در صحنه حیات اجتماعی و سیاسی پیوند پیدا کند. در حقیقت، اصل مقدس اراده انسان خردمند می‌تواند او را در مسیر تعالی اخلاقی اجتماعی قرار داده و در نتیجه این توانایی را دارد تا بر رذالت‌ها و گرایش‌های شرورانه غلبه کند. در اینجاست که باز دیالوگ سقراط به ذهن خطور می‌کند که عمل اخلاقی صحیح آن است که در ذات خود نیکو و اخلاقی است، و نه عملی که توسط مذاهب تصدیق شده و اعتبار پیدا کرده است.

ناتوانی ذاتی اخلاق دینی

با توضیحاتی که ارائه شد، اخلاق دینی به عنوان معیار راهنمای عمل اجتماعی، در ماهیت خود به چالش کشیده می‌شود. اخلاقی مذهبی داعیه تشخیص خوب از بد را دارد. اما این داعیه غیرقابل اثبات است زیرا معیار و ملاک تشخیص آن عقلانی و انسانی نیست بلکه از اعتقاد و ایقان به عالم غیب سرچشمه می‌گیرد. در نتیجه این ناتوانی ذاتی، اخلاق مذهبی در بهترین حالت ممکن باورمندان را به زهد و گوشه‌نشینی فراخوانده و نقش فعال اجتماعی را از آنان می‌گیرد، و در بدبینانه‌ترین حالت ممکن، به ابزاری برای حذف و یا سرکوب دیگران تبدیل می‌شود. علاوه بر این، همان باورهای مذهبی، با فرهنگ‌های جوامع مختلف می‌آمیزد، و به سرعت از منابع الهی ثابت خود فاصله می‌گیرد. به همین دلیل است که باورمندان به دیانت خاصی به گروه‌ها، دسته‌ها و تفاسیری متفاوت و حتی متعارضی که توسط آنها صورت می‌گیرد، تقسیم می‌شود. اخلاق مذهبی حتی در جامعه باورمندان خود نیز مرزهای جدایی ایجاد کرده و جامعه را به انشقاق می‌کشاند. بنابراین نمی‌تواند به نیازهای پیوسته در حال دگرگونی جوامع پاسخ گوید.

«اتیک» یا «اصول رفتار اجتماعی» به دلیل ماهیت ساخته شده خود جهانشمول است و در نتیجه‌ی عدم پیوستگی خشک با هر نوع نگرش الهیاتی می‌تواند به سرعت در پرتو انتظارات و نیازهای جامعه تحول یافته و طبیعتی پویا داشته باشد. برخلاف اخلاق که از مورد به مورد مواضع متفاوتی را اتخاذ می‌کند، اتیک اما گفتمانی فراگیر به وجود می‌آورد که توانایی عبور از مرزهای اعتقادی را دارد. به عنوان مثال، یک پزشک، یک استاد دانشگاه، و یا یک حقوقدان، صرف نظر از اینکه به چه آیین و باور مذهبی خاصی وابسته می‌باشد، بر اساس «اتیک» می‌تواند رفتار خود در جامعه را تنظیم و در پرتو انتظارات اجتماعی به وظایف خود عمل نمایند. به همین دلیل اتیک با مقتضیات جامعه سکولار درآمیخته و از محدودیت‌های اخلاق مذهبی به سرعت عبور ←

بیانیه مشترک سفرای هشت کشور در انتقاد از بازداشت روزنامه‌نگاران در ایران؛

احضار سفیر بریتانیا به وزارت خارجه



سایمون شرکیف

بر اساس همین گزارش، مسئولان این وزارتخانه به وی گفته‌اند «مطالب نسنجیده، غیرمسئولانه و خارج از عرف دیپلماتیک، مصداق بارز دخالت در امور داخلی بوده و غیرقابل پذیرش است.»

همچنین ادعا شد که در وزارت خارجه به شرکیف هشدار داده‌اند که «انگلیس با سابقه غیرقابل دفاع در قبال مردم ایران در جایگاهی نیست که بخواهد در خصوص جمهوری اسلامی ایران اظهار نظر کند. اینجا جمهوری اسلامی ایران است و اجازه نمی‌دهیم با اقدامات خودسرانه، حاکمیت جمهوری اسلامی مورد بی‌توجهی قرار گیرد.»

آنطور که تسنیم نوشته است «سفیر انگلیس در پاسخ، بر اراده کشورش برای حفظ روابط محترمانه با جمهوری اسلامی تأکید کرد.»

رئیس هیأت مدیره انجمن صنفی روزنامه‌نگاران استان تهران با اشاره به بازداشت بیش از ۱۰۰ خبرنگار و روزنامه‌نگار پس از آغاز اعتراضات در ایران، تأکید کرد که «دوران سیاه روزنامه‌نگاری» همچنان ادامه دارد.

سفیر بریتانیا در تهران پیشتر در دی‌ماه ۱۴۰۱ پس از واکنش به اعدام علیرضا اکبری معاون سابق وزارت دفاع به وزارت خارجه احضار شده بود. اتهام اکبری «جاسوسی» برای بریتانیا بود.

پیش از آن خبرگزاری «فارس» تیرماه ۱۴۰۰ در واکنش به انتصاب شرکیف نوشته بود او یک مأمور کارکنسته امنیتی و تکنسین «عملیات میدانی» است.

تنش در روابط میان تهران و لندن رو به افزایش است هرچند وزارت خارجه انگلیس فعلاً مخالف قرار دادن سپاه پاسداران انقلاب اسلامی در فهرست سازمان‌های تروریستی این کشور است. اقدامی که پارلمان این کشور با آن موافقت کرده است. دولت بریتانیا روز سه‌شنبه ۱۷ مرداد شرکت پهبادسازی «پراور پارس» و هفت عضو هیئت مدیره آن را همراه با طیف گسترده‌ای از شرکت‌های خارجی به اتهام تأمین سلاح برای روسیه در جنگ علیه اوکراین تحریم کرد.

● سایمون شرکیف به مناسبت «روز خبرنگار» در ایران در توییته نوشت: «با ادای احترام به خبرنگارانی که اجازه ندارند کار خود را انجام دهند و امنیت خود را در خطر می‌بینند. بار دیگر از جمهوری اسلامی می‌خواهیم تا آنهایی که خودسرانه بازداشت شده‌اند از جمله خبرنگاران را آزاد کنند.»

● سفرای هفت کشور دیگر شامل دانمارک، نروژ، فنلاند، چک، هلند، استرالیا و نیوزلند در تهران این متن را به دو زبان فارسی و انگلیسی ریتوییت کردند.

● جمهوری اسلامی اظهارات سفیر بریتانیا را «مداخله‌جویانه»، «نسنجیده»، «غیرمسئولانه»، «خارج از عرف دیپلماتیک» و «مصداق بارز دخالت در امور داخلی» دانسته و گفته «غیرقابل پذیرش است.»

سفرای بریتانیا، دانمارک، نروژ، فنلاند، چک، هلند، استرالیا و نیوزلند در تهران در بیانیه‌ای با حمایت از «آزادی مطبوعات» به بازداشت خودسرانه خبرنگاران در ایران اعتراض کردند.

پس از انتشار این بیانیه سایمون شرکیف سفیر بریتانیا در تهران به وزارت خارجه جمهوری اسلامی احضار شد.

سایمون شرکیف سفیر بریتانیا روز ۱۷ مرداد که در تقویم جمهوری اسلامی «روز خبرنگار» نامیده شده در توییته نوشت: «با ادای احترام به خبرنگارانی که اجازه ندارند کار خود را انجام دهند و امنیت خود را در خطر می‌بینند، بار دیگر از جمهوری اسلامی ایران می‌خواهیم تا آنهایی که خودسرانه بازداشت شده‌اند از جمله خبرنگاران را آزاد کنند.»

سفرای هفت کشور دیگر این متن را ریتوییت کردند. یکی از آنها فرانک مولن سفیر هلند در تهران است که با اشاره به انتشار این بیانیه تأکید کرد: «آزادی مطبوعات برای عملکرد هر دموکراسی ضروری است.»

خبرگزاری تسنیم چهارشنبه ۱۸ مرداد گزارش داد سفیر بریتانیا به دلیل انتشار «محتوای مداخله‌جویانه در یکی از شبکه‌های اجتماعی» به وزارت خارجه احضار شده است.

می‌کند. در حقیقت، اتیک تأملی فلسفی و انتقادی نسبت به ماهیت امور دارد، و به همین دلیل فرد انسانی در آن اهمیت مرکزی دارد. علاوه بر این اتیک تلاشی جمعی است برای رسیدن به توافقی فراگیر در خصوص بایدها و نبایدها. از این رو هیچکس از دایره شمول آن خارج نمی‌شود. در حالی که اخلاق مذهبی از نوع یقین و ایقان است، اتیک اما ذاتاً عقلانی و انتقادی و همواره معطوف به تغییر برای تأمین خیر همگانی است. فرضاً اخلاق مذهبی به آیین کمک به فقرا فرا می‌خواند و آنرا راهی در جهت کسب فضایل الهی تصور می‌کند که پاداش آن نزد خدواند قرار دارد. اتیک این پرسش را مطرح می‌سازد که اصلاً چرا فقر و نابرابری وجود دارد، و با این نگرش انتقادی جامعه را به مبارزه با علل ساختاری فقر و نابرابری فرا می‌خواند.

نتایج برآمده از اخلاق مذهبی جدایی ایجاد می‌کند و نمی‌تواند همگرایی بر سر اصول مورد توافق جامعه به وجود آورد. اما اصول برآمده از اتیک، همه باورهای فردی را به ملاحظات اجتماعی پیوند می‌دهد. به عنوان مثال، فضیلت و پارسایی در اخلاق مذهبی جای خود را به فضایل اجتماعی شامل حقیقت‌جویی، احترام به حقوق دیگران، و نیز عدالت اجتماعی می‌دهد. از این رو اتیک آیین رفتار مساوات‌طلبانه است و به همین دلیل می‌تواند نظم اجتماعی را به پایداری و انسجامی عمیق بکشد. همین ویژگی اتیک باعث می‌شود تا برخلاف اخلاق مذهبی، باورمند به مبارزه‌ای بی‌امان برای مساوات و عدالت برخیزد. اخلاق مذهبی در بهترین شرایط ممکن می‌کوشد درمانی برای تخفیف آلام و دردهای اجتماعی ارائه نماید. اتیک اما متعهد به رفع هر نوع بیماری و تباهی است و از این نظر روح پیشگیرانه و سازنده دارد.

دکتر محمود مسائلی بنیانگذار و دبیرکل افتخاری اندیشکده بین‌المللی نظریه‌های بدیل؛ با مقام مشورتی نزد سازمان ملل متحد؛ بنیانگذار و مدیر مرکز مطالعات عالی حقوق بشر و توسعه دموکراتیک؛ اتاوا؛ کانادا

- [۱] Morality, morals
- [۲] Subjective preference
- [۳] Ethics, sometime called ethics interchangeably
- [۴] Conservative reactionary
- [۵] Teleological
- [۶] Cosmology
- [۷] Hortatory negative
- [۸] Sober Sufism
- [۹] Intoxicated Sufism – Drunk Sufism
- [۱۰] Overlapping consensus

[۱۱] نَحْنُ أَقْرَبُ إِلَيْهِ مِنْ حَبْلِ الْوَرِيدِ

[۱۲] وَلِلَّهِ الْمَشْرِقُ وَالْمَغْرِبُ ۚ فَأَيْنَمَا تُوَلُّوا فَتَمَّ وَجْهُهُ
اللَّ

- [۱۳] Kant, I. (۱۷۹۳). Religion within the Limits of Reason Alone
- [۱۴] Kant, I. (۱۷۸۵). Groundwork of the Metaphysics of Morals
- [۱۵] Radical evil

تسویه حساب حکومت با کسانی که در «دهه محرم» با مردم و جانبختگان میهن همدلی کردند شروع شد



مراسم عزاداری ماه محرم متفاوت تر از هر سال برگزار شد و تعداد هیأت‌ها و دسته‌های زنجیرنی که در اعتراض به حکومت نوحه‌خوانی کردند بطور چشمگیری افزایش پیدا کرد.

در ادامه آمده بود که شماری از مداحان با عباراتی صریح و تند رهبر جمهوری اسلامی و کل نظام را زیر سؤال برده و شمار زیادی از جوانان با ابتکارات نو و مدنی ارزش‌های مکتبی حکومت را به چالش کشیدند. در مواردی حتا در بعضی هیئت‌ها نمادهای مذهبی را آتش زدند. مقامات نظام، به ویژه ملایانی که بر مناصب و مسئولیت‌های متفاوت تکیه زده‌اند، نسبت به این شرایط هشدار دادند. بر اساس این گزارش در هیئت «شاه‌حسین‌گویان» جوادیه در جنوب تهران مداح با تأکید بر غیرحکومتی بودن این هیئت و اینکه «فقط برای امام حسین اینجا هستیم» و آنها وابسته به هیچ نهاد و ارگانی نیستند، از جوانانی که در خیابان کشته شده‌اند ولی اجازه برگزاری مراسم عزاداری به خانواده‌های آنها داده نشده و از مادران و خانواده‌های داغدار آنان یاد کرد. نوحه‌خوان همچنین خطاب به عزاداران می‌گوید: «اگر کسی بی‌حجاب آمده به ما ربطی ندارد.»

غلام کویتی‌پور مداح و خواننده سرودهای حماسی و مذهبی در همین ایام ترانه اعتراضی «رئیس» را منتشر کرد. کویتی‌پور چند سالی است انتقادات تند و صریحی از نظام می‌کند. بسیاری می‌گویند متن این ترانه برگرفته از خیزش ضدحکومتی و خطاب به علی خامنه‌ای است به ویژه در بخشی از آن که می‌گوید: «مسئولین کودن، گنده مملکت... حاجی اینجا دارند همه جوان‌ها می‌درند، تو صورت ناموس مردم بی‌رحمانه می‌زنند.»

در محرم امسال طیف گسترده‌ای از مردم با ابتکارات و اقدامات خود به ارزش‌ها و بدعت‌هایی تاخندت که حکومت در ۴۴ سال گذشته با سوء استفاده از باورهای مذهبی مردم بر آنها موج‌سواری کرده. ابتکاراتی که مسئولان و حزب‌اللهی‌ها را کلافه کرده است.

بر اساس ویدئوهای منتشر شده در شبکه‌های اجتماعی شماری از شهروندان امروز به مناسبت زادروزش بر مزار او حاضر شدند.

شب عاشورا که به «شام غریبان» معروف است نیز شماری از شهروندان بر مزار غزاله چلابی رفتند و با اینکه مأموران پیشتر مزار او را با نرده و سیمان محصور کرده بودند تا کسی نتواند آنجا حاضر شود، آواز «به سوی تو» از داریوش رفیعی را همخوانی کردند.

مادر غزاله در واکنش به دیوارکشی اطراف مزار دخترش با انتشار تصویری از گلباران آن از سوی شهروندان نوشت: «حتی اگر دیوار برلین باشد باز مردم کم نمی‌آورند. چشم‌هایتان را باز کنید، ببینید و از حسرت و حسادت بپیرید: آنها در قلب مردم حک شده‌اند.»

در خبر دیگری از استان قزوین، محمد صمدی دادستان شهرستان تاکستان از بازداشت مداح سوگنامه «باید ز شما پرسید، کو آنهمه مهساها؟ کو آنهمه نیکاه‌ها؟» خبر داد. دادستان تاکستان روز چهارشنبه ۱۱ مرداد اعلام کرد که پرونده قضایی برای این مداح به دلیل «هتاک به عزاداری سیدالشهدا» در یکی از شعبه‌های دادسرای تاکستان تشکیل شده است.

محمد صمدی گفته «فردی که در دسته عزاداری سیدالشهدا با قرائت شعری باعث تشویش اذهان و وهن عزاداری اباعبدالله الحسین علیه السلام شده بود با دستور قضایی بازداشت شد.»

هیئت «بعثت» شهر یزد هم بعد از خواندن «از خون جوانان وطن لاله دمیده» از سوی اطلاعات سپاه تحت فشار قرار گرفت و نیروهای این نهاد نظامی با حضور در محل هیئت مانع از خواندن این سرود شدند. این هیئت در نهایت ناچار شد در بیانیه‌ای با مخالفان جمهوری اسلامی مرزبندی کرده و آنها را «معاند» بخواند.

کیهان لندن پیشتر در گزارشی پیرامون «محرم» امسال نوشته بود در آستانه اولین سالگرد خیزش ملی در ایران،

● در استان مازندران گروه موسیقی طایفه «سادات نیاک» که در روز عاشورا بر مزار غزاله چلابی از جانبختگان جنبش ملی مارش عزاداری نخواستند زیر فشار نهادهای امنیتی ناچار به اعتراف اجباری شدند.

● دادستان شهرستان تاکستان از بازداشت مداح سوگنامه «باید ز شما پرسید، کو آنهمه مهساها؟ کو آنهمه نیکاه‌ها؟» به دلیل «هتاک به عزاداری سیدالشهدا» و تشویش اذهان عمومی خبر داد.

● هیئت «بعثت» یزد هم بعد از خواندن اشعار انتقادی در «محرم» امسال از سوی اطلاعات سپاه تحت فشار قرار گرفت و ناچار شد در بیانیه‌ای با مخالفان جمهوری اسلامی مرزبندی کرده و آنها را «معاند» بخواند.

با پایان «دهه محرم» نهادهای امنیتی و قضایی در ایران تسویه حساب با گروه‌های موسیقی مذهبی و مداحانی را که با مردم و جانبختگان اعتراضات سال گذشته همراهی کردند و در اشعار خوانده شده در مراسم به ظلم جمهوری اسلامی پرداختند، آغاز کرده‌اند.

در استان مازندران گروه موسیقی طایفه «سادات نیاک» که در روز عاشورا بر مزار غزاله چلابی از جانبختگان جنبش ملی مارش عزاداری نخواستند زیر فشار نهادهای امنیتی ناچار به اعتراف اجباری شدند.

روز عاشورا اعضای این گروه برخلاف روال مرسوم در «دهه محرم» بجای سیاه، لباس سفید پوشیده و با حضور بر مزار غزاله چلابی با طبل و سنج و شیپور تصنیف «از خون جوانان وطن لاله دمیده» اثر عارف قزوینی را اجرا کردند. اعضای این گروه موسیقی هنگام حضور بر مزار غزاله مورد استقبال مادر غزاله و دیگر اعضای خانواده او قرار گرفتند. ویدئوی مارش طایفه «سادات نیاک» بطور گسترده در شبکه‌های اجتماعی منتشر شد.

در روزهای گذشته خبرهایی غیررسمی از بازداشت اعضای گروه موسیقی طایفه «سادات نیاک» در شبکه‌های اجتماعی منتشر شده بود.

در ویدئویی که اکنون به شکل «اعترافات اجباری» در جمهوری اسلامی منتشر شده یکی از نوازندگان این گروه می‌گوید که آنچه آنها انجام دادند «ارتباطی به آنچه برداشت شد» نداشت. نوازندگان این گروه با عذرخواهی از مردم آمل «اعتراف اجباری» کردند که مارش عزاداری برای امام سوم شیعیان نواخته‌اند.

فاطمه مجتباتی مادر غزاله چلابی در استوری اینستاگرام خود با انتشار تصویر یکی از اعضای این گروه، خطاب به او نوشت: «مهم کار ارزشمندی بود که انجام دادی بقیه‌اش اصلا مهم نیست.»

غزاله چلابی روز ۳۰ شهریور ۱۴۰۱ در جریان تجمع اعتراضی مردم مقابل فرمانداری آمل با شلیک مستقیم گلوله مأموران از درون فرمانداری زخمی شد و پس از چند روز کما در بیمارستان درگذشت.

این دختر جوان هنگام اصابت گلوله به سرش با دوربین تلفن همراهش در حال فیلمبرداری بود و لحظات قبل و بعد و هنگام گلوله خوردن او ثبت شده است.

امروز جمعه ۱۳ مرداد زادروز غزاله چلابی است و اگر توسط مأموران حکومت به قتل نمی‌رسید ۳۴ ساله می‌شد.

ادامه بحران برق و آب در ایران؛ تجمعات و شعارهای شبانه شهروندان معترض



● چند محله تبریز بیش از یک هفته است با قطع آب روبرو هستند و به دلیل وعده‌های بی‌عمل مسئولان، در نهایت شهروندان معترض در محله باغ‌میشه این شهر تجمع اعتراضی برگزار کردند.

● قطع آب در شهرهای مختلف از ابتدای تابستان از استان سیستان و بلوچستان و خوزستان آغاز شده و اکنون به دیگر استان‌های ایران رسیده است.

بحران قطع آب و برق در شهرها مختلف کشور گسترش یافته و زندگی شبانه‌روزی شهروندان را با اختلال جدی روبرو کرده است. در پی تداوم بحران قطع برق و آب، شهروندان در تهران و تبریز به سر دادن شعارهای شبانه پرداختند و تجمع اعتراضی برگزار کردند.

شهروندان ساکن تبریز شامگاه یکشنبه ۱۵ مرداد ۱۴۰۲ در محله باغ‌میشه این شهر تجمع کرده و با شعارهایی چون «ما آب آشامیدنی می‌خواهیم والسلام!» به قطع بیش از یک هفته‌ای آب در این محله و دیگر محلات تبریز اعتراض کردند. چند محله تبریز بیش از یک هفته است با قطع آب روبرو هستند و به دلیل وعده‌های بی‌عمل مسئولان، در نهایت شهروندان معترض دست به تجمع اعتراضی زدند.

گزارش‌ها از تبریز نشان از آن دارد که محله‌های باغ‌میشه، گلشهر، «فجر»، حیدرآباد، سرخاب، کوی سهند، «مفتح»، کوی لاله، مارالان، دامپزشکی، عباسی، راه آهن، «ولی امر»، توانیر، فروغی، «ولیعصر»، کوی لاله، رشدیه، کوچه باغ، ایده لو، شمس تبریزی، «پاسداران» و ائل گلی از هفته گذشته با قطع آب روبرو هستند. مقامات شرکت آبفای کشور و آذربایجان شرقی هفته گذشته وعده داده بودند که از روز جمعه ۱۳ مرداد با جایگزین کردن منابع جدید تامین آب، به بحران بی‌آبی در تبریز پایان خواهند داد. این در حالیست که قطع آب در تبریز همچنان تا امروز سه‌شنبه ۱۷ مرداد ادامه دارد.

جدا از محلاتی که از هفته گذشته آب آنها قطع شده، همزمان با روزی که بر اساس وعده مسئولان قرار بود مشکل حل شود، آب در چند محله دیگر از جمله شهرک ارم، شهرک «نصر» و شهرک مرزداران و بسیاری از دیگر مناطق، محله‌ها و شهرک‌های کلانشهر تبریز بطور کامل یا برای ساعات طولانی قطع شده است. مسئولان آبفای تبریز بجای حل بحران یا توضیح شفاف به مردم، «شهروندان» را مسئول قطع آب خوانده‌اند و این موضوع بر خشم و ناراضی شهروندان افزوده است. محمد خانی مدیرعامل شرکت آب و فاضلاب آذربایجان شرقی علت قطع آب را «افزایش مصرف بیش از حد آب» عنوان کرده و گفته «با توجه به تعطیلی دو روز اخیر در سراسر کشور به دلیل گرما، مصرف آب در سراسر تبریز بطور

ناگهانی افزایش یافته و در تعطیلی دو روزه میزان افزایش مصرف آب در تبریز به ۲۰ درصد» رسیده است.

فراکنی مسئولان در برخورد با بحران‌های زیربنایی یا مدیریتی شیوهی رایج در جمهوری اسلامی است. این در حالیست که رسانه‌های محلی در تبریز پیشتر از ناراضی مردم به دلیل قطع آب خبر داده بودند اما باز هم مسئولان اقدام موثری انجام ندادند. از جمله وبسایت خبری «شمس تبریز» قطع آب آشامیدنی در این کلانشهر را «رژه شرکت آبفا روی اعصاب شهروندان تبریز» خوانده و هشدار داده بود قطع آب در روزهای اخیر موجب مشکلات بسیاری برای مردم تبریز شده و گلابه و ناراضی شدید مردم را در پی داشته است.

رسانه‌های محلی در تبریز همچنین تصاویری از «سد نهند» که یکی اصلی‌ترین منابع تأمین آب لوله‌کشی این شهر است منتشر کردند که نشان می‌دهد این سد تابستان سال گذشته پر آب بوده اما در حال حاضر خشک شده است.

قطع آب در شهرهای مختلف از ابتدای تابستان از استان سیستان و بلوچستان و خوزستان آغاز شده و اکنون به دیگر استان‌های ایران رسیده است. طی یکی دو هفته گذشته شهرهای مختلفی از جمله کرج، شهریار، فردیس، ایلام، «قائم‌شهر» (شاهی)، همدان، اصفهان و دیواندره با قطع کامل و یا افت شدید فشار آب در محلات مختلف روبرو بوده‌اند.

مردم در مناطق وسیعی از شهریار در استان تهران بیش از یک ماه است که قطع آب بین ۱۳ تا ۲۱ ساعت در روز را تحمل می‌کنند. شهر فردیس نیز با قطع گسترده آب آشامیدنی مواجه شده و شرکت آبفای استان البرز روز دوشنبه ۱۶ مرداد در اطلاعیه‌ای «افزایش دمای هوا، وجود باغ ویلاها و تراکم بالای جمعیت فردیس» را دلیل «تشدید افت فشار و قطع آب» در مناطق مختلف این شهر اعلام کرد. پرویز ناصری مدیرعامل شرکت آب و فاضلاب استان ایلام درباره قطع آب چندین روزه در این شهر گفته که «قطع برق سد ایلام باعث مشکل چند روزه افت فشار و قطعی آب در مناطقی از استان و شهر ایلام شده است.» ناصر موسوی لارگانی نماینده اصفهان در مجلس شورای اسلامی نیز از شهروندان «دبه به دست و منتظر تانکر آب» در اصفهان خبر داده و از سیاست‌های مدیریت آب در دولت رئیسی انتقاد کرده است.

این نماینده خطاب به مقامات دولتی گفته که «قطع آب آشامیدنی استان اصفهان را ببینید، مردم دبه به دست در برخی از محلات شهر اصفهان و شهرستان فلاورجان منتظر تانکر آبرسانی هستند. بستر خشکیده زاینده رود را بنگرید که پل خواجوی، سی و سه پل، ورگان، پل بابا محمود را آرام آرام به پایین می‌کشد. بسته احیای زاینده رود دولت هم تنها ترک‌های بستر این رودخانه را بزرگتر و عمیق‌تر کرد.»

نماینده استان اصفهان تأکید کرده که ده‌ها شهر و ۳۵۰ روستای استان با کمبود آب آشامیدنی مواجه هستند. این در حالیست که طبق آمار رسمی میانگین مصرف آب اصفهان ۵ درصد پایین‌تر از میانگین مصرف کشوری است.

او همچنین با طرح این پرسش که «تفاوت امسال که سال پربارشی در سر چشمه‌های زاینده رود بود با سال قبل چیست؟ که مطابق همیشه آب به ما نمی‌رسد؟» گفته که «۸۵ درصد از آب مورد نظر این شهرستان از منابع سطحی تامین می‌شود که دلیل آن خشکی کامل چاه‌های منطقه است. وزارت نیرو به بهانه برداشت از راه آبخوان قبض‌های جریمه میلیاردری برای کشاورزان صادر کرده است. از سوی دیگر برای نصب کنتورهای هوشمند با هزینه بالای ۳۰ میلیون تومان به کشاورزان فشار می‌آورد، در حالی که پرداخت این رقم از عهده کشاورزان خارج است.» قطع برق در کنار قطع آب مشکل دیگر شهروندان در شهرهای مختلف طی روزهای گذشته است. در حالی که دولت وعده داده بود قطع برق شامل بخش خانگی نخواهد شد اما گزارش‌ها از افزایش قطع برق در شهرهای مختلف حکایت دارد. گزارش‌های منتشر شده در شبکه‌های اجتماع حاکی از شعارهای شبانه شهروندان تهران از جمله «مرگ بر دیکتاتور» در شامگاه دوشنبه ۱۶ مرداد ۱۴۰۲ در اعتراض به قطع برق در این شهر است.

طی دو روز گذشته محلات زیادی در تهران با قطع چندین ساعته برق روبرو شدند. برق بخش زیادی از خیابان «پاسداران»، «سلطنت آباد»، خیابان «مطهری» (تخت طاووس)، چهارراه قصر و بزرگراه «صیاد شیرازی»، خیابان‌های «خواجه عبدالله» و جلفا، بخش‌هایی از خیابان «ولیعصر» (ولیعهد) و بلوار فردوس در غرب تهران برای مدتی طولانی قطع شده بود. صبح دوشنبه ۱۶ مرداد ۱۴۰۲ نیز بخش‌های دیگری از تهران با قطع برق گسترده و طولانی همراه بود. بر اساس گزارش‌ها، برق محله‌های حوالی میدان «هفت‌تیر» (۲۵ شهریور)، خیابان‌های «سلیمان‌خاطر»، سهروردی جنوبی و شمالی، بهار شیراز، بهار و «مفتح» (روزولت)، «بهشتی» (عباس آباد)، هویزه، آیدانا، قائم‌مقام فراهانی و «مطهری» (تخت طاووس) قطع بود. در بسیاری از خیابان‌ها، از جمله در خیابان «مطهری» قطع برق علاوه بر خاموشی مراکز تجاری و اماکن مسکونی، باعث خاموشی چراغ‌های راهنمایی و رانندگی و ایجاد اختلال ترافیک نیز شد.

برق صنایع مختلف از فولاد تا سیمان نیز از اوایل بهار امسال جیره‌بندی شده و اکنون بسیاری از واحدهای تولیدی و صنعتی و خدماتی با قطع برق روبرو هستند. گزارش‌های مختلفی از خسارت هنگفت به اقتصاد کشور با قطع برق صنایع در تابستان و قطع گاز در زمستان منتشر شده است.

سیاست‌گذاری‌های آموزش و پرورش در فردای ایران با نگاهی به تجارب توسعه آموزشی در کره جنوبی و ژاپن (بخش دو)



منظور سیاست‌های زیر در سیستم آموزشی اتخاذ شدند:

- اصلاحات مبتنی بر دموکراتیک کردن و برابری فرصت‌های آموزشی
- اجرای قانون اساسی آموزش و پرورش در سال ۱۹۴۷
- معیارهای جدید ملی، تربیت معلم و سیستم‌های ارزیابی آموزشی
- نرخ بالای ثبت نام در مدارس ابتدایی و دوره اول دبیرستان

تقویت آموزش در پاسخ به تغییرات و تحولات اجتماعی (۱۹۷۰ تا ۲۰۰۰)

پس از طی کردن اصلاحات آموزشی و گسترش کمی مدارس و دانشگاه‌ها، در این مرحله تمرکز ژاپن بر توسعه مدیریتی و کیفیت سیستم آموزشی قرار گرفت. ارزش‌گذاری اصلی ژاپن در ارتباط با موضوع تنوع جمعیتی (Diversification) بوده است. بر این مبنا اقدامات زیر در رابطه با توسعه آموزش در نظر گرفته شده‌اند:

- تأکید بر ارتقاء کیفی آموزش
- بهبود شرایط معلمان، ارتقاء کیفیت مدیریت و اداره مدارس
- سیستم توسعه مدارس از نظر کمی در دهه ۱۹۷۰ تکمیل شد که منجر به تمرکز دولت و آموزش و پرورش بر ارتقاء کیفی مدارس و دانشگاه‌ها شد.

خلاصه‌ای از تاریخچه توسعه آموزش و پرورش در ژاپن و کره جنوبی

با توجه به آنچه درباره روند سیستم آموزش و پرورش در کره جنوبی و ژاپن توضیح داده شد، نکات زیر می‌توانند در مسیر توسعه آموزشی این دو کشور قابل توجه و بهره‌گیری تجربی باشند:

معرفی سیستم آموزشی مدرن (۱۸۹۹ تا ۱۸۶۸)

در این دوره تاریخی، ژاپن در بستری قرار داشته که بر مدرن‌سازی کشور متمرکز بوده است بطوری که از طرفی به دلیل شرایط تاریخی و منطقه‌ای بر مبنای نظامیگری و از طرف دیگر بر ارزش‌های لیبرال سیاست‌های خود را پیش می‌برد. بر چنین زمینه‌ای می‌توان به طرح‌های زیر در آن دوران برای سیستم آموزشی اشاره کرد:

- ایجاد سیستم آموزشی مدرن بر اساس الگوهای غربی
- تمرکز بر مدیریت آموزشی و تنظیم قوانین و مقررات لازم و آموزش معلمان
- گسترش کمی آموزش به دلیل ثبت نام کم در مدارس ابتدایی

گسترش سیستم آموزشی (۱۹۰۰ تا ۱۹۴۵)

در این برهه تاریخی که تقریباً نیم قرن طول کشید، ژاپن درگیر جنگ شد. بنابراین نظامیگری شدت بیشتری یافت بدون آنکه توجه به حفظ ارزش‌های لیبرال کاهش یابد. از همین رو سیاست‌های آموزشی زیر در اولویت دولت این کشور قرار گرفتند:

- اصلاحات رادیکال از جمله:
- لغو هزینه‌های تحصیل اجباری
- امکانات خودارزیابی برای دانش‌آموزان
- تلاش برای بهبود آموزش دختران و معلولان جسمی
- تمرکز بر تحقیقات، آموزش و الگوهای آموزشی جدید
- تأکید بر بهبود کیفی در زمینه‌هایی مانند محتوای آموزشی

بازسازی سیستم آموزش و پرورش پس از جنگ (۱۹۴۵ تا ۱۹۶۹)

در این دوره، تمرکز ژاپن بر توسعه دموکراسی بود و به همین

توجه به هویت فرهنگی ملی کشور و زنده نگه داشتن

آن با استفاده از بستری که در دل تاریخ و همچنین تمایل مردم ایران به حرکت در این جهت وجود دارد و روز به روز در حال افزایش است، مسئله‌ای حیاتی برای طی کردن مسیر توسعه آموزشی کارآمد در ایران است. هویتی که دو کشور ژاپن و کره جنوبی نیز بر بستر آن رشد و توسعه‌ی خود را در هماهنگی با روندهای جهانی پیش بردند.

این گزارش تحقیقی توسط فائزه علوی کارشناس برای اندیشکده «پروژه ققنوس ایران» تهیه شده که در دو بخش در اختیار علاقمندان قرار می‌گیرد.

در بخش نخست به تاریخچه سیاست‌گذاری‌های آموزش در کره جنوبی و همچنین سیاست‌های آن در قرن بیست و یکم پرداخته شد. در این بخش به سیاست‌های آموزشی ژاپن و آنچه می‌بایست با توجه به تجربه‌ی این دو کشور و خود ایران، در سیاست‌های آموزشی آینده‌ی ایران مورد توجه قرار گیرد پرداخته می‌شود.

تاریخچه توسعه آموزش در ژاپن

در این بخش نگاهی به مراحل توسعه آموزشی در ژاپن بین سال‌های ۱۹۶۸ تا ۲۰۰۰ می‌اندازیم. تغییرات تاریخی در سیاست آموزشی ژاپن به چهار مرحله تقسیم می‌شود:

معرفی سیستم آموزشی مدرن (۱۸۶۸ تا ۱۸۹۹)

گسترش سیستم آموزشی (۱۹۰۰ تا ۱۹۴۵)
بازسازی سیستم آموزش و پرورش پس از جنگ (۱۹۴۵ تا ۱۹۶۹)
تقویت آموزش در پاسخ به تغییرات و تحولات اجتماعی (۱۹۷۰ تا ۲۰۰۰)



استفاده از تجربه سایر کشورها و در عین حال استفاده از کمک‌های مالی بین‌المللی)

همکاری با کشورهای مختلف چه کشورهای آسیای جنوب شرقی (همچون ژاپن و کره جنوبی) و چه کشورهای منطقه غرب می‌تواند بستر بسیار مناسبی برای توسعه سیستم آموزشی ایران بر مبنای سیاست‌های استاندارد که کارکرد آنها قبلاً توسط بقیه کشورها آزموده و تجربه شده، فراهم کند. این کار از چند جهت حائز اهمیت است:

۱- جلوگیری از اتلاف زمان در تکرار آزمون و خطای سیاست‌هایی که ممکن است شکست بخورند.

۲- بعضی کشورها تمایل دارند تا از طریق کمک‌های مالی به توسعه کشورهای در حال توسعه کمک کنند. به عنوان مثال کره جنوبی به این دلیل که در مسیر توسعه خود از کمک‌های مالی کشور آمریکا بسیار استفاده کرده و خود را مدیون آنها می‌داند و در حال حاضر خودش به یک کشور توسعه یافته تبدیل شده، آماده است تا برای توسعه‌ی کشورهای دیگر، با آنها همکاری کرده و کمک‌های مالی ارائه دهد. با توجه به شرایط مالی و بودجه‌ای که در فردای ایران آزاد نیاز است، استفاده از این امکانات گنجینه ارزشمندی برای کشور به شمار می‌رود.

۳- این همکاری‌ها می‌تواند منجر به مشارکت‌های سودمند از جمله همکاری‌ها و برنامه‌های بین دانشگاهی شود که بستر بسیار مناسبی برای آشنایی دانشجویان ایرانی با دانش سایر کشورها فراهم می‌کند. این تنها یک مثال از نتایج و فرم این نوع همکاری‌هاست.

۴- این همکاری‌ها با سایر کشورها می‌تواند به چهره‌ای که ایرانی‌ها تمایل به ارائه‌ی آن دارند کمک بزرگی کند: ایران صلح‌دوست که با کشورهای دیگر دشمنی ندارد و برعکس خواستار روابط دوستانه و مفید است. از این منظر، استفاده از بستر توسعه‌ی سیاست‌های آموزشی برای برقراری ارتباطات عادی با کشورهای دیگر، فرصت بسیار مناسبی است.

خلاصه

در این پژوهش نگاهی مختصر به تاریخچه توسعه سیستم آموزشی کره جنوبی و ژاپن در دوره‌های مختلف انداختیم و با توجه به تجربه این دو کشور، تلاش کردیم تا نگاهی به گام‌های نخست در مسیر توسعه سیاست‌های آموزشی کشور ایران در فردای آزادی داشته باشیم. هدف این پروژه ارائه راهکارهایی با جزئیات مشخص برای توسعه سیستم آموزشی ایران نیست بلکه هدف ارائه‌ی یک نقشه راه اولیه و ترسیم معیارهایی بوده است که برای شروع طراحی سیاست‌های آموزشی در ایران می‌تواند مهم و تعیین کننده باشند. علاوه بر آن، لازم به یادآوری است که استفاده از این پژوهش باید با احتیاط و توسط متخصصان مرتبط با این عرصه‌ی مهم انجام شود.

برای استفاده کاربردی از این پژوهش، نیاز به متخصصانی در زمینه‌های مختلف در ارتباط با سیاست‌های آموزشی (سیاستمداران، اقتصاددانان، متخصصان آموزش و پرورش و...) هست تا بتوان یک نظام آموزشی را پایه‌گذاری کرد و توسعه داد که در کنار سایر سیاست‌گذاری‌های توسعه‌ی عرصه‌های مختلف کشور، روندی یکپارچه و پایدار ایجاد شود. همچنین، توجه به این نکته که پایه‌ریزی سیاست‌های آموزشی نمی‌تواند بدون توجه به منافع ملی و موقعیت سیاسی ایران باشد، بسیار ضروری است.

امید است تا در سایه ارزش‌های ملی در کنار ارزش‌های بشری جهانشمول، ایران در مسیر توسعه پایدار از جمله در سیستم آموزشی گام بردارد و نسل‌های جوان کشور در آینده‌ای نزدیک طعم فرصت‌های برابر را در شرایط عادی برای شکل دادن به زندگی فردی و اجتماعی خود بچشند.

پایان

مستحکمی نخواهد داشت.

از جمله مواردی که به عنوان مثال می‌توان در این بخش به آنها اشاره کرد که می‌توانند مورد توجه سیاست‌گذاران قرار بگیرند، نکات زیر است:

۱- توجه به غلبه ایدئولوژی چپ‌محور در دانشگاه‌ها

به واسطه اتفاقاتی که در سال ۵۷ در ایران رخ داد، از جمله تغییرات بزرگ در سیستم آموزشی ایران، غلبه ارزش‌های چپ‌محور است که عموماً ارزش‌های عادی و طبیعی نیستند ولی در دانشگاه‌های ایران شروع به رشد کردند. حتی با وجود خیزش اخیر ایرانی‌ها (پس از قتل مهسا امینی) و موجی که به سمت ملی‌گرایی در سال‌های اخیر شکل گرفته است، باز هم دانشگاه‌های ایران (به ویژه دانشگاه‌های بزرگ در تهران) خالی از ایدئولوژی‌هایی نیستند که تفکرات چپ عادی و میهن‌دوست را نمایندگی نمی‌کنند. این گرایش‌ها عموماً همچنان به صورت ریشه‌ای با ارزش‌ها و منافع ملی در تضاد هستند. بنابراین از طرفی توجه به تعادل میان تبلیغ ارزش‌های راستگرا و چپگرا در سیستم و توسعه آموزشی برای ایجاد فرصت‌های برابر، و از طرف دیگر، کنترل رشد ضد ارزش‌ها که برای کشور مخرب هستند، اهمیت بالایی دارد. فضای آموزش و پرورش از دیستان تا دانشگاه‌ها می‌بایست در ارتباط با گرایش‌های مختلف متعادل و نقش آموزش و پژوهش در آن برجسته باشد.

۲- سکولاریسم در آموزش

در حال حاضر با توجه به تجربه سیستم آموزشی مخرب در طول ۴۴ سال گذشته که مبتنی بر ارزش‌های مذهبی و فرقه‌ای رژیم جمهوری اسلامی بوده، سیاست‌گذاری‌هایی که مبتنی بر خنثی بودن سیستم آموزشی کشور و جدایی آن از هر ایدئولوژی و دین و مذهبی باشد، اهمیت بالایی دارد.

• توجه و حرکت همگام با روندهای جهانی (برای داشتن توسعه‌ای پایدار و جلوگیری از آشوب)

همزمان با در نظر گرفتن شرایط و اولویت‌های ملی و فرهنگی ایران، حرکت همگام با روندها و ارزش‌هایی که در جهان مطرح می‌شود و بر روی آنها توافق وجود دارد، اهمیت بالایی دارد.

در جهان کنونی، ساختن سیستم آموزشی و رشد اقتصادی تنها و تنها با تمرکز بر ارزش‌های داخلی یک کشور نمی‌تواند بطور کامل موفقیت‌آمیز باشد. ایران آینده برای اینکه در نگاه سایر مردم و سیاست‌گذاران جهان بتواند حرفی برای گفتن داشته باشد و تجربه‌ی موفق را ارائه دهد، نیاز به حرکت در مسیر توسعه‌ی مناسب و نه در تضاد با ارزش‌های جهانی دارد. به عنوان مثال در زمان‌هایی که تمرکز بر حقوق بشر تبدیل به یک روند جهانی می‌شود، ایران نیز برای مقابله با آشوب نیاز دارد تا توجه خود به این ارزش‌ها را در توسعه سیستم آموزشی و اقتصادی خود انعکاس دهد و گرنه می‌تواند به نمونه‌ای منفی تبدیل شود که توجه رسانه‌های جهانی را بیش از حد به خود جلب کند. و یا در دورانی که تمرکز جهان بر فناوری‌های مرتبط با هوش مصنوعی AI به ویژه در کشورهای توسعه یافته است، در صورت عدم توجه ایران به این فناوری‌ها، رشد کشور می‌تواند به تأخیر بیفتد و فرصت‌های زیادی از دست برود. بدیهی است که در گام‌های نخست جهت توسعه‌ی سیستم آموزشی ایران، چه بسا پتانسیل لازم برای توجه کافی به روندهای مورد توافق جهانی وجود نداشته باشد اما به مرور زمان می‌بایست این توجه برای رسیدن به توسعه پایدار بیشتر شود.

• همکاری با کشورهای منطقه‌ای و آسیایی و غربی (برای

• در نظر گرفتن بستر و شرایطی که کشور و جهان در آن قرار دارند. در هر دو کشور، هدف‌گذاری‌ها برای توسعه سیستم با توجه به شرایط و بستر و ارزش‌های هر کدام از دو کشور و متناسب با روندهای جهانی در نظر گرفته شد.

ژاپن به دلیل ساختار سیاسی پایدارتر در طول تاریخ بسیار زودتر از کره جنوبی اصلاحات و توسعه آموزشی خود را آغاز کرد. از این جهت تجربه‌های قابل توجهی برای سیاست‌گذاران در این زمینه دارد، چرا که می‌توان مراحل توسعه سیاست‌ها را به خوبی در این کشور دید. ابتدا تمرکز بر رشد کمی سیستم آموزش و پرورش بوده و بعد از آن بود که رشد و ارتقاء کیفی در دستور کار و اولویت قرار گرفت. پس از گسترش کمی و رشد کیفی، اصلاح و ارتقاء مدیریت نظام آموزشی و مدارس و دانشگاه‌ها می‌بایست مورد توجه قرار گیرد. روشن است که بین این مراحل نمی‌توان خط و مرز زمانی مشخصی رسم کرد چرا که اینهمه بطور نامحسوس در هم تنیده پیش برده می‌شوند و بر یکدیگر تأثیر متقابل می‌گذارند.

• در هر دو کشور تمرکز بر ارزش‌های ملی و بومی نقش بسزایی در توسعه آنها داشته است.

• کره جنوبی با توجه به مسیر کوتاهی که از نظر زمانی طی کرده و جایگاهی که در حال حاضر از منظر ارزش‌های توسعه دارد، برای کشورهایی که بخواهند رشدی سریع و در عین حال پایدار داشته باشند، نمونه مناسبی به شمار می‌رود.

در عین حال باید توجه داشت که استفاده از تجربیات کره جنوبی باید با احتیاط انجام شود چرا که کره جنوبی از معدود کشورهایی است که در زمینه اقتصادی رشد بسیار سریع داشته و عوامل مختلفی می‌تواند منجر به رشد استثنایی این کشور شده باشد که این عوامل ممکن است در کشورهای دیگر وجود نداشته باشد. بنابراین استفاده از تجربیات هر دو کشور نیاز به سنجش بستر و شرایط اجتماعی و فرهنگی ایران دارد و به ویژه در مورد استفاده از تجربیات کشور کره جنوبی. الگوبرداری و تقلید بدون توجه به شرایط خاص کشورها به نتایج ناگوار منجر می‌شود.

ایران؛ گام‌های نخست کدامند؟

در این بخش، تلاش این پروژه بر این است تا با توجه به تجربیات کره جنوبی و ژاپن، نکاتی که می‌بایست توسط سیاست‌گذاران در حیطه آموزش و پرورش در نظر گرفته شوند، مورد دقت قرار گیرند. در ابتدای کار توجه به سه نکته بسیار اهمیت دارد:

۱- ایران در حال حاضر در چه شرایطی قرار دارد؟ بطور خاص سیستم آموزشی فعلی ایران چگونه است؟

۲- چشم‌انداز و ارزش‌های ما برای نظام آموزش و پرورش در آینده‌ی ایران چیست؟

۳- چگونه می‌خواهیم از جایی که در حال حاضر ایستاده‌ایم به سمت چشم‌انداز ایران آینده حرکت کنیم؟ چه مسیری باید طی شود تا ما را به نقطه دلخواه برساند؟

در مسیر رسیدن به آینده دلخواه (از منظر سیستم آموزشی) به نظر می‌رسد که توجه به نکات زیر حیاتی است:

• هویت و فرهنگ ملی ایران (برای ساختن پایه‌های مستحکم در سیستم آموزشی)

توجه به هویت فرهنگی ملی کشور و زنده نگه داشتن آن با استفاده از بستر و تاریخ و همچنین تمایل مردم ایران به حرکت در این جهت وجود دارد و روز به روز در حال افزایش است، مسئله‌ای حیاتی برای طی کردن مسیر توسعه آموزشی کارآمد در ایران است.

با نگاه به نمونه‌های ژاپن و کره جنوبی، بدون در نظر گرفتن هویت ملی، توسعه پایدار ممکن نخواهد شد و پایه‌های

جایگاه ادبیات ایران در مهاجرت و جوامع میزبان در گفتگو با سرور کسمائی

تمام تحصیلات من در ایران به دو زبان فارسی و فرانسوی- در کنار هم و به شکل همسنگ- در مدرسه «رازی» بوده است. در دوره‌ی دانشگاه در فرانسه نیز زبان روسی خوانده‌ام و مترجم تخصصی فرانسوی به روسی و برعکس در زمینه تئاتر و ادبیات هستم. همین کار با زبان‌های مختلف و بده‌بستان‌های زبانی آدم را متوجه تفاوت‌ها در جهان بینی‌ها و دنیاها می‌کند. تمام اینها توشه‌ی نویسنده را می‌سازد. من نیز در بازآفرینی تخیلی جریان‌ات انقلاب ایران در قالب رُمان از چنین توشه‌ای استفاده کرده‌ام. در ذهن انسان تمام تجارب و دانش آموخته شده مانند ماشین «میکسر» یا مخلوط‌کن ترکیب می‌شود و آدم نمی‌تواند تشخیص دهد که این و آن بخش از کجا آمده است. نوشتن برای من در هر دو زبان همزمان اتفاق می‌افتد. این دو زبان چنان در تار و پود رمان‌هایم بهم تنیده می‌شوند که در پایان کار، خودم هم قادر نیستم نقش هر کدام را جداگانه در آفرینش متن بسنجم. یعنی کجاها از فرانسه آمده و کجا از فارسی و به این ترتیب رمان‌های من دو زبانه است. این هم بازتابی است از دنیای مدرن ما که در آن انسان‌ها چند هویت فرهنگی دارند. در روزگار ما این پدیده دیگر غیرطبیعی به نظر نمی‌رسد.



سرور کسمائی

که همه‌ی آنها نویسندگان مهمی بودند. یا برخی مغازه‌های عکاسی و فتوکپی و روزنامه‌فروشی دایر کردند. البته اضافه کنم که زیستن از راه حق تألیف و عواید ادبی برای نویسندگان فرانسوی هم چندان مقدور نیست و بجز نویسندگان پرفروش که تعدادشان هم بسیار کم است، بیشتر آنها کار دیگری در کنار نویسندگی دارند. اما کارهای دیگری که یک نویسنده فرانسوی در کنار نویسندگی انجام می‌دهد مشاغلی نظیر استادی دانشگاه، ترجمه و روزنامه‌نگاری است یعنی حوزه‌هایی که چندان بی‌ارتباط با کار نویسندگی نیستند.

● در هر حال، زندگی در خارج کشور کمک می‌کند تا نویسنده با فاصله به ایران و جامعه‌اش نگاه کند و چه بسا نکات و مسائلی را ببیند که شاید با زندگی در خود آن جامعه متوجه آنها نمی‌شد...

به قول میلان کوندرا ادبیات، و دقیق‌تر رُمان، بهترین راه شناخت جهان پیرامون است. من حدود چهار سال است که در فرانسه زندگی می‌کنم و تحت تأثیر تاریخ و فرهنگ این کشور هستم. با وجود این تا حالا سوژه‌های کارهایم هنوز در مورد ایران کنونی و یا اتفاقات تاریخی آن بوده، از جمله رُمان اولم، در مورد انقلاب ۱۳۵۷ و جنگ؛ کتاب دومم شرح گریز و فرار از مرز و شروع زندگی در تبعید، کتاب سومم درباره مسئله‌ی هویت در جامعه‌ی انقلاب‌زده ایران و کتاب آخرم در مورد زندان و اعدام در قالب یک رُمان تخیلی است. کوندرا می‌گوید آنچه را یک رُمان خوب می‌تواند بر ما آشکار کند یک کتاب جامعه‌شناختی یا تاریخی می‌تواند. مردم فرانسه هم اهل رُمان هستند. اصلاً خود واژه‌ی رُمان نام زبان مردم عامی پاریس و حومه در قرون وسطا بوده و گونه‌ی ادبی که امروزه به این نام می‌شناسیم، با آن زبان نوشته می‌شده است. این گونه‌ی ادبی از همان زمان نزد این مردم جایگاه خاصی داشته، به ویژه از دوران مدرنیته به بعد. بازتاب مدرنیته و چندآوایی و دموکراسی را ما در رُمان می‌توانیم ببینیم.

اما در ارتباط با نکته‌ای که مطرح کردید باید بگویم شما حتی وقتی رُمانی در مورد ایران می‌نویسید، به هر حال آن تجربه و دانشی که در جامعه میزبان اندوخته‌اید بر کارتان اثر می‌گذارد. جامعه‌ی فرانسه همه چیز را به من آموخته است؛

● سرور کسمائی: «درست است که ما نویسندگان یک نقش سیاسی و اجتماعی در این دوران داریم و به رسانه‌ها و حتی پارلمان فرانسه برای شرکت در بحث‌ها و مصاحبه‌ها دعوت می‌شویم ولی ما نویسنده‌ایم، سیاستمدار که نیستیم؛ ما از دید ادبیات دنیا را نگاه می‌کنیم و بازتاب می‌دهیم. بنابراین، کاری که ما در طول چهار سال گذشته انجام داده‌ایم و یا رُمان‌هایی که من در بیست سال اخیر نوشته‌ام اکنون زمینه‌ای شده برای کسب شناخت بیشتر مخاطب فرانسوی که دنبال دانستن از ایران است.»

چندی پیش «بنیاد ژاله اصفهانی» یک نشست مجازی با عنوان «جایگاه ادبیات ایران در مهاجرت و در جامعه میزبان» برگزار کرد که در آن سرور کسمائی نویسنده، مترجم و ناشر و آزاده پارساپور مدیر «نشر نوگام» سخنرانی کردند. کیهان لندن در ارتباط با وظایف و رسالت‌های اجتماعی و سیاسی نویسندگان به ویژه رمان‌نویسان و نقش آنها در تحولات جامعه با سرور کسمائی گفتگو کرده است.

● خانم کسمائی، فکر می‌کنید چه نیازی به معرفی ادبیات ایران به جامعه میزبان ایرانیان مهاجر وجود دارد؟

-دلایل چنین نیازی بی‌شمار است. ابتدایی‌ترین آنها این است که نویسنده نمی‌تواند نسبت به محیط خود بی‌تفاوت باشد. نویسنده یک موجود زنده است و چون هر موجود زنده‌ای نیاز دارد که با دنیای پیرامونش بده‌بستان داشته باشد، تأثیر بپذیرد، تأثیر بگذارد، شاخک‌های حسی‌اش از آن محیط تغذیه بشود. رویارویی با یک محیط تازه برای هر فرد یک اتفاق رادیکال است و نگاه آدم را به خودش، به جامعه، به جهان تغییر می‌دهد. حالا در نظر بگیرید که این فرد هنرمند و نویسنده باشد. پیامدهای این اتفاق رادیکال در او بسی بیشتر محسوس و اثرگذار خواهد بود. برای برقرار کردن ارتباط با جامعه‌ی میزبان آنچه بیش از همه اهمیت دارد زبان است. زبان ابزار ارتباط است که در درجه‌ی اول امکان گفتگو را می‌سازد و سپس نوشتن در زبان جامعه میزبان ممکن می‌شود. اینها مراحل گوناگون فرآیندی هستند که به راحتی طی نمی‌شوند. یعنی برخی نیاز به ارتباط با جامعه‌ی میزبان را به شدت حس می‌کنند برخی کمتر. ما نمونه‌های مختلفی در میان نویسندگانمان از هر دو دسته داریم؛ مثلاً برخی کاملاً خودکفا هستند و تکیه‌شان فقط به زبان فارسی است و برای آنها اهمیتی ندارد که در محیطی خارج از جغرافیای زبان فارسی زندگی می‌کنند. این به آن معنا هم نیست که آنها فرانسه یا زبان اصلی جامعه میزبان را نمی‌دانند. ولی در جهان ادبیات، جغرافیای آنها زبان فارسی است. اما دیگرانی هم هستند که هرچند از دنیای ادبیات فارسی تغذیه می‌شوند اما به زبان دیگری هم گذر کرده‌اند. جالب است که بسیاری از این دسته نویسندگان که به زبانی جز فارسی می‌نویسند سوژه‌ی کارشان تغییر نکرده یعنی همچنان در مورد ایران و ایرانی می‌نویسند هرچند تغییر زبان داده‌اند.

از دلایل دیگر چنین نیازی می‌شود به مسئله‌ی امرار معاش از طریق قلم اشاره کرد. نویسنده به امرار معاش نیاز دارد. بسیاری از نویسندگان برجسته‌ی ما که در ایران از راه قلم‌شان زندگی می‌کردند، وقتی در مهاجرت و تبعید پای‌شان به کشورهای غربی رسید مجبور شدند که به کارهای دیگری روی بیاورند. مثلاً در فرانسه ما تعداد زیادی راننده تاکسی داشتیم

● در کنار عوامل فردی، عوامل اجتماعی و فرهنگی چقدر در این زمینه نقش دارند؟ چقدر دغدغه‌های سیاسی و اجتماعی در این میان مطرح هستند؟

-در فرانسه کنجکاوای نسبت به ادبیات خارجی یک سنت است. پُرواضح است که آشنایی با ادبیات کشورهای دیگر می‌تواند نقش تعیین‌کننده‌ای در ساختن افکار عمومی داشته باشد. مثلاً در ده ماه گذشته ما هربار سخنرانی و میزگرد در مورد انقلاب «زن، زندگی، آزادی» به زبان فرانسه داشتیم، کتاب‌های ما هم بیش از گذشته فروش داشته‌اند. برای نمونه هربار از من دعوت می‌شود که در برنامه‌ای راجع به اتفاقات ایران صحبت کنم، همزمان کتاب‌هایم با استقبال خوانندگان روبرو می‌شود. حتی اگر مستقیماً مربوط به زمان حاضر نباشند. به هر حال رویدادهایی که در ایران کنونی می‌گذرد ریشه در گذشته دارد و برای مردم فرانسه مهم است که بدانند چرا زنان ایران اکنون اینگونه ایستادگی می‌کنند. توجه به شخصیت‌های زنان رمان‌های ما، به آنها در این زمینه کمک می‌کند. یعنی نیاز آشنایی عمیق‌تر با واقعیت پیچیده‌ی ما، فرانسویان را تشویق می‌کند که کتاب‌های کسانی چون مرا بخوانند. درست است که ما نویسندگان یک نقش سیاسی و اجتماعی در این دوران داریم و به رسانه‌ها و حتی پارلمان فرانسه برای شرکت در بحث‌ها و مصاحبه‌ها دعوت می‌شویم ولی ما نویسنده‌ایم، سیاستمدار که نیستیم؛ ما از دید ادبیات دنیا را نگاه می‌کنیم و بازتاب می‌دهیم. بنابراین، کاری که ما در طول چهار سال گذشته انجام داده‌ایم و یا رُمان‌هایی که من در بیست سال اخیر نوشته‌ام اکنون زمینه‌ای شده برای کسب شناخت بیشتر مخاطب فرانسوی که دنبال دانستن از ایران است. پاسخ به این نیاز برای من که ناشر هم هستم انگیزه‌ای شد که مجموعه‌ای از داستان‌ها و روایت‌های دوازده نویسنده زن ایرانی، پنج تن از داخل و هفت نفر از خارج را گرد بیاورم و ترجمه و منتشر کنم که در ابتدای پاییز به بازار خواهد آمد. از این دوازده نفر، هفت نفر به فارسی، دو نفر به انگلیسی، دو نفر به فرانسوی و یک نفر هم به سوئدی قلم زده‌اند. این نویسندگان زن در جواب پرسش من که «زن، زندگی، آزادی» چه چیزی را

فرانسوی‌زبان بود که شامل آثار نویسندگانی بود که فرانسوی‌تبار نیستند. ولی چهار پنج سالی است که این تمایز هم از میان رفته و همه‌ی این کتاب‌ها کنار هم و تحت عنوان ادبیات فرانکوفون چیده می‌شوند. فرق نمی‌کند نویسنده الجزایری باشد یا اصالتاً پارسی باشد. حتی به باور برخی نویسندگان فرانسوی، خوانندگان فرانسوی اشتیاق بیشتری به آثار نویسندگان خارجی دارند که به فرانسوی می‌نویسند. این علاقه در مورد ادبیات خارجی غیرفرانسوی هم محسوس است. اینها همه به نزدیک شدن خواننده‌ی فرانسوی به فضاهای بیگانه و همذات‌پنداری با شخصیت‌های ژمان‌های خارجی کمک می‌کند. نویسندگان مهاجر و تبعیدی هم در این زمینه بسیار کار کرده‌اند، از جمله برخی نویسندگان ایرانی که تلاش کرده‌اند آثارشان را به دست خواننده فرانسوی برسانند تا پلی باشند برای آشنایی فرانسویان با ادبیات ایران.

اما در خصوص تأثیر در جامعه میزبان مثلاً می‌شود به نقش سینمای ایران اشاره کنیم که برای من الگوست. سینمای ایران بیشترین تأثیر را در تغییر نگاه فرانسوی‌ها نسبت به ما داشت و باعث شد که فرانسوی‌ها با تصاویر و روایت‌های هنرمندان ایرانی آشنا شوند. آرزوی من این است که روزی ادبیات ایران هم بتواند چنین نقش بازی کند.

● **به نظر شما نویسنده مهاجر در جامعه ایرانی فرانسه چه نقشی باید برای خود قائل باشد؟ مثلاً آیا باید سعی بکند که با آثارش یاری دهد که مهاجران ایرانی سریع‌تر و راحت‌تر در فرانسه ادغام شده و از حالت برزخی مهاجر و پناهنده بودن هرچه زودتر خارج شوند؟**

- جامعه تبعیدی و مهاجر ما در این چهار دهه اخیر - که زمان کوتاهی نیست - کار زیادی انجام داده است. در بازه زمانی نسبتاً طولانی، تنها ویت‌ترین ادبیات فارسی در فرانسه صادق هدایت بود آتیم تنها با یک کتاب یعنی «بوف کور». بعدها به همت افرادی چون م. ف. فرانزه و ژیلبرت لازار و دیگران داستان‌های دیگر هدایت هم به فرانسوی ترجمه شد. ایرانی ترجمه و منتشر شد. اخیراً هم تعدادی نویسنده از نسل دوم و برخی از نسل اول به زبان فرانسوی و زبان‌های دیگر اروپایی گذر کرده‌اند. طبق پژوهشی که من کرده‌ام، در دهه ۲۰۰۰ میلادی، بیش از پنجاه ژمان ایرانی به زبان فرانسوی ترجمه و منتشر شد. یعنی از چهار یا پنج‌تای یک دهه پیش از آن، یکبار رسیدیم به بیش از پنجاه عنوان که فروش هم می‌رفت و سینمای ایران هم در این زمینه بی‌تأثیر نبود. کار فرهنگی یک‌شبه انجام نمی‌شود و نیاز به پیگیری و تلاش دارد و این کار در زمینه‌ی رمان و ادبیات از سینما مشکل‌تر است. سینما تصویر است و تصویر راحت‌تر منتقل می‌شود تا ادبیات نوشتاری.

اما در مورد نقش خودم در جامعه مهاجر... برای اینکه شما نقشی داشته باشید، باید ابتدا کتاب‌های تان خوانده بشود. متأسفانه جامعه‌ی مهاجر و تبعیدی ایرانی زیاد ژمان خوان نیست. تیراژ رمان‌های ما به فارسی در اینجا بسیار پایین است. در ایران هم که سانسور مجوز انتشار به کارهای من و امثال من نمی‌دهد. اما حتی بدون خواننده هم، من همچنان دل‌بسته زبان فارسی هستم و دلم خوش است که کتاب‌هایم را به دو زبان می‌نویسم و وقتی ژمانی را به پایان می‌رسانم، دو نسخه از آن موجود است، یکی به فارسی، دیگری به فرانسوی. بدین ترتیب خوانندگان فارسی‌زبان هم می‌توانند اگر مایل باشند، کارم را بخوانند. در مورد تأثیر آن بر جامعه ایرانی چیزی نمی‌توانم بگویم، اما تأثیر آن را بر روی مخاطب فرانسوی که کار مرا دنبال می‌کند، می‌توانم ببینم و این سبب دلگرمی من است.

که در ادبیاتی که به زبان فارسی می‌نویسد کشور میزبان، هلند، کاملاً حضور دارد. به نظر من این اتفاق فرخنده‌ای است در کار وی. یا هستند نویسندگانی که تنها در مورد کشور میزبان می‌نویسند یا کسانی که فضای ایران و فضای کشور میزبان را در هم ادغام می‌کنند. افرادی هم مانند من اما همچنان درگیر فجایع انقلاب و پیامدهای آن هستیم. البته من ناامید نیستم. ممکن است روزی ژمانی راجع به پارسی که اینقدر دوستش دارم بنویسم ولی تا حالا هر وقت آنرا شروع کرده‌ام سر از تهران در آورده‌ام...

● **...آفرینش ادبی خودانگیخته است و از درون می‌جوشد... -...بله، زورکی نمی‌شود.**

● **گویا جامعه میزبان هم چندان دوست ندارد که نویسنده‌ی مهاجر خیلی زود و تصنعی خودش را آشنا به کشور میزبان نشان دهد و راجع به آن بنویسد؛ هر چند که مهاجر می‌تواند نکاتی از این جامعه را متوجه شود که یک نویسنده‌ی بومی شاید آنها را نبیند. برخی هم تصور می‌کنند چون زبان کشور میزبان را می‌دانند پس در آن جا افتاده‌اند در حالی که طول می‌کشد تا کشور میزبان را خانه خود دانست...**

- ما نویسندگانی داریم که هیچگاه علاقه‌ای به تغییر زبان نشان نداده‌اند. البته خُب، از حق نگذریم، تغییر زبان برای نویسنده کار ساده‌ای نیست. یک دانشجو می‌تواند در طول تحصیل خود زبان کشور میزبان را یاد بگیرد بعد برود کار پیدا کند. ولی نویسنده باید جهان خودش را با زبان خلق کند. این کار در یک زبان دیگر کاری است کارستان. شما باید آن زبان را از دوره‌ی نوجوانی یاد گرفته باشی و در فضای فرهنگی و جهان‌بینی آن قرار گرفته باشی و شناخت عمیق از ادبیات آن داشته باشی. برای مثال نگاهی که ما در زبان روسی به دنیا داریم با فرهنگ زبان فرانسه متفاوت است. اینها همه سد راه است. در عین حال دل‌بستگی ما به زبان فارسی بقدری قویست که بسیاری از ما نیازی به تغییر زبان حتی پس از سال‌های طولانی زیست در جامعه‌ای دیگر حس نمی‌کنیم. مثلاً من که به زبان فرانسه هم می‌نویسم همچنان دل‌بند زبان فارسی‌ام هستم و در هر دو زبان قلم می‌زنم. مشکل ارائه ادبیاتی که به فارسی نوشته می‌شود به جهانیان آن است که مکتب ترجمه ما بسیار ضعیف است. مثلاً اگر ما مثل روس‌ها مکتب ترجمه‌ی اُس و قوس‌دار می‌داشتیم که هر رمان و داستانی را در یک بازه‌ی زمانی مناسب در اختیار مخاطب فرانسوی زبان قرار می‌داد، شاید وضع ما امروزه بهتر از آنچه هست می‌بود. ما متأسفانه مترجمان قدری که این رسالت را بر عهده بگیرند نداریم، مگر اینکه نسل جوان در این راه قدم بردارد.

● **منظورتان از اینکه فرانسویان به ادبیات خارجی علاقمندند چیست؟ ممکن است بیشتر توضیح بدهید.**

- ادبیات خارجی در فرانسه از دیرباز جایگاه برجسته‌ای دارد یعنی بسیار بیشتر به آن توجه می‌شود تا در کشورهای آنگلساکسون. از دو دهه پیش ادبیاتی که توسط نویسندگان خارجی به زبان فرانسوی نوشته می‌شود زیرمجموعه‌ای به حساب می‌رود از ادبیات فرانسوی که به آن می‌گویند ادبیات فرانسوی‌زبان یا فرانکوفون. در دهه ۲۰۰۰ اگر شما خارجی بودید و به فرانسوی می‌نوشتید - مانند من - در کتابفروشی‌ها آثارتان در قفسه‌ی ادبیات فرانسوی‌زبان چیده می‌شد. قفسه ادبیات فرانسوی هم داشتیم که فقط شامل آثار نویسندگان فرانسوی‌تبار بود. در کنار این قفسه، قفسه بزرگتر ادبیات

→ در ذهن آنها تداعی می‌کند، این داستان‌ها، روایت‌ها و جستارها را نوشته‌اند. چون همانطور که می‌دانید رسالت گزارش‌های رسانه‌ای جلب توجه کاربران به جنبش بود، اما هرچه بیشتر در این راه پیش می‌رویم نیاز شناخت دقیق‌تر و عمیق‌تری از موقعیت زنان و تاریخ مبارزات‌شان در ایران حس می‌شود. تنها از یک سال پیش نیست که زنان ایران به حقوق‌شان آگاه شده‌اند. از پیش از مشروطه، از روزگار طاهره قره‌العین زنان ایران مبارزه را آغاز کرده‌اند و حجاب و روبنده از چهره برکشیده‌اند. یعنی این مسائل را در بُعد تاریخی دیدن به نظر من یکی از وظایف ادبیات است.

● **یعنی مجموعه تلاش‌ها و مبارزات زنان ایران در ۱۵۰ سال گذشته موجب تحولات ژرف فرهنگی و اجتماعی شده تا زنان ایران نسبت به حقوق خود آگاه باشند؟**

- دقیقاً و این دارای یک پیشینه است یعنی یک پدیده نوزا نیست. مبارزات چهل و چهار سال اخیر در جمهوری اسلامی از همان تظاهرات معروف «نه روسری، نه توستی» که در مقابل نخست‌وزیری برگزار شد و من خودم هم در آن شرکت داشتم شروع شد؛ بعد کم‌کم یک میلیون امضا و یا کاری که هما دارایی کرد که در اعتراض به حجاب اجباری وقتی که به او گفتند که نمی‌تواند در دانشگاه تدریس کند، در میدان تجریش خودسوزی کرد. یا کنش ویدا موحد و دختران خیابان انقلاب. یعنی این جنبش هیچوقت از نفس نیفتاده است. فراز و فرود داشته ولی پیگیر بوده است. به نظر من حرکت ویدا موحد و دختران خیابان انقلاب در پنج سال پیش، مرحله اول جنبش «زن، زندگی، آزادی» بود. وقتی شما روند تاریخی را نگاه می‌کنید، تمام اینها مانند تکه‌های جداگانه‌ی پازلی هستند که کنار هم چیده شده‌اند تا رسیده به زمان حال که زن ایرانی جرئت و شهامت و خودآگاهی دارد و اینگونه ایستادگی می‌کند. مبارزات زنان از زمان پیش از انقلاب پشتوانه‌ی زن ایرانی مدرن و آگاه است. اگر ما بتوانیم این موضوع را با همه پیچیدگی‌اش به افکار عمومی غرب از طریق ادبیات معرفی کنیم، مسلماً کارزار را برده‌ایم. ادبیات ما به زبان‌های اروپایی در این راستا می‌تواند تأثیر مهمی داشته باشد

● **آیا فکر می‌کنید که رمان می‌تواند فراتر از تحسین‌کردگان و روشنفکران، روی عموم مردم در کشوری مانند فرانسه هم تأثیر بگذارد؟**

- همانطور که اشاره کردم، مردم فرانسه اهل رمان هستند. در تظاهراتی که ما در خارج کشور برگزار می‌کنیم فقط روشنفکران شرکت نمی‌کنند. برخی از مردم از طریق رسانه‌ها تحت تأثیر رویدادها و مسائل ایران قرار می‌گیرند و به اعتراضات ما می‌پیوندند. همانها خواننده رمان هم هستند.

● **نویسنده مهاجر و تبعیدی تا چه اندازه باید تحت تأثیر مسائل جامعه میزبان باشد که بتواند درباره‌ی آن بنویسد؟ مثلاً خود شما که گفتید آثارتان عمدتاً در ارتباط با ایران است، آیا به این دلیل است که هنوز شناخت کافی از جامعه میزبان ندارید که بتوانید ظرایف و پیچیدگی‌های فرهنگی آن را موضوع رمان‌های خود قرار دهید؟**

- در این خصوص هیچ نسخه‌ای نمی‌توان پیچید. در مورد خودم فقط می‌توانم بگویم که این شاید مربوط به تعلق نسلی باشد. من در ۱۶-۱۷ سالگی با انقلاب ۵۷ روبرو شدم، انقلابی که تمام دنیای ما را زیر و رو کرد و هنوز هم درگیر پیامدهای آن هستیم و از زیر آوار آن بیرون نیامده‌ایم. البته بسیاری از هم‌نسلان من و حتی پیش از من درباره جامعه‌ی میزبان نوشته‌اند و می‌نویسند، مثلاً نویسندگانی مانند نسیم خاکسار که احتمالاً ۱۵-۲۰ سالگی از من بزرگتر است، می‌بینید

مردم می گویند آتش سوزی جنگل‌های زاگرس «عمدی» است؛ بازداشت پنج فعال محیط زیست در مریوان!



گروه‌های محلی در تلاش برای مهار آتش سوزی جنگل‌های زاگرس

- حدود ۳۰۰ هکتار از جنگل‌های زاگرس در آتش سوخت.
- مسیره‌های دشوار و کمبود امکانات، مهار آتش سوزی را بسیار دشوارتر کرده است.
- روزنامه «شرق» با اشاره به «دخالت‌های مضر بشری» در آتش سوزی‌ها گزارش داد با وجود گستردگی آتش سوزی‌ها در کشور، هلی‌کوپترهای امدادی برای مهار آتش به منطقه نرسیدند و امکانات امدادی و تخصصی مهار آتش جنگل‌ها، متناسب با نیازهای کشور تأمین نشده است.
- سازمان حقوق بشری «هنگاو» گزارش داد آزاد روحی، لایق احمدی، سرکوت عبادی، آلان اردشیری و دلیر محمدی ذکر از فعالان محیط زیست توسط وزارت اطلاعات بازداشت شده‌اند.

آتش سوزی گسترده در جنگل‌های ارتفاعات زاگرس که از ۱۱ مرداد ۱۴۰۲ آغاز شده تا کنون ده‌ها هکتار از پوشش گیاهی غرب ایران را از بین برده و شمار زیادی از گونه‌های جانوری آن مناطق طعمه آتش شده‌اند.

طبق اعلام سرهنگ رضا اکبری فرمانده یگان حفاظت منابع طبیعی حدود ۳۰۰ هکتار از جنگل‌های زاگرس در آتش سوخت. فاجعه‌ای که هر سال تکرار می‌شود!

بخش اصلی آتش سوزی جنگل‌ها در حوالی مریوان بود اما مسیر این آتش سوزی شهرها و استان‌های غرب کشور را درگیر کرد. مسیره‌های دشوار و کمبود امکانات لازم و فن...

ترس حکومت از حضور زنان و شعارهای ضد رژیم در استادیوم‌ها

مسابقه پرسپولیس و آلومینیوم اراک بدون حضور تماشاگر برگزار می‌شود!



در سال‌های اخیر نهادهای امنیتی جمهوری اسلامی برای فرار موقت از جریمه‌های فیفا در حضور زنان در استادیوم موافقت کردند

حضور زنان در استادیوم‌ها گفته «با توجه به تعطیلی که از سوی دولت اعلام شد و البته آماده نبودن زیرساخت‌ها برای ورود زنان به ورزشگاه‌ها، تصمیم گرفتیم لیگ را با تأخیر آغاز کنیم تا شرایط حضور زنان در ورزشگاه‌ها محقق شود.»

مسئولان فیفا دیگر بهانه‌های جمهوری اسلامی از جمله «آماده نبودن زیرساخت‌ها برای حضور زنان در ورزشگاه‌ها» را باور نمی‌کنند. در نامه‌ای که کنفدراسیون فوتبال آسیا به فدراسیون فوتبال جمهوری اسلامی ارسال کرده بطور واضح عنوان شده که اگر زنان از ورود به استادیوم منع شوند، مسابقات فوتبال در ایران از درجه اعتبار ساقط خواهد بود.

در روزهای اخیر اعلام شد چهار یا پنج استادیوم در تهران، تبریز، اصفهان، اهواز و سیرجان برای حضور زنان آماده شده اما برخی منابع گزارش دادند فقط یک استادیوم مجوز حضور زنان را دریافت کرده است.

راهکار تکراری نظام هم برای حل موقت حضور زنان که یک موضوع پیش پا افتاده است اما جمهوری اسلامی آن را به مشکل تبدیل کرده و هم برای پیشگیری از شعارهای ضد رژیم که هربار در ورزشگاه‌ها سر داده می‌شود آنهم در آستانه‌ی نخستین سالگرد جنبش ملی ایرانیان، ممنوعیت ورود تماشاگر به استادیوم‌هاست. بر همین اساس روز سه‌شنبه ۱۷ مرداد خبرگزاری‌های رسمی اعلام کردند مسابقه تیم‌های پرسپولیس و آلومینیوم اراک روز چهارشنبه ۱۸ مرداد در استادیوم «آزادی» (آریامهر) بدون حضور تماشاگر برگزار می‌شود!

اینهمه در حالیست که هرگونه تعطیلی لیگ فوتبال در ایران خسارات‌های هنگفت چند ده میلیاردی به تیم‌های فوتبال می‌زند که اغلب آنها با مستقیم توسط حکومت حمایت مالی می‌شوند یا اسپانسرها و کارخانه‌هایی برای آنها هزینه می‌کنند که مستقیم و غیرمستقیم وابسته به حکومت هستند.

همچنین استادیوم‌ها در دو دهه گذشته کانون اعتراضات ضدحکومتی بودند. این اعتراضات به ویژه از دی‌ماه سال ۱۳۹۶ شکل روشن‌تری به خود گرفت و با شعارهای ضد رژیم و به سود پهلوی‌ها به یکی از ارکان جنبش ملی تبدیل شد.

● مهدی تاج رئیس فدراسیون فوتبال گفته «شورای امنیت ملی» مجوز حضور زنان در ورزشگاه‌ها را صادر کرده ولی این مورد به تنهایی کافی نیست و باید پنج نهاد دیگر هم این مجوز را صادر کنند که موافقت نکرده‌اند.

● راهکار تکراری نظام هم برای حل موقت حضور زنان که یک موضوع پیش پا افتاده است اما جمهوری اسلامی آن را به مشکل تبدیل کرده و هم برای پیشگیری از شعارهای ضد رژیم که هربار در ورزشگاه‌ها سر داده می‌شود آنهم در آستانه‌ی نخستین سالگرد جنبش ملی ایرانیان، ممنوعیت ورود تماشاگر به استادیوم‌هاست. بر همین اساس روز سه‌شنبه ۱۷ مرداد خبرگزاری‌های رسمی اعلام کردند مسابقه تیم‌های پرسپولیس و آلومینیوم اراک روز چهارشنبه ۱۸ مرداد در استادیوم «آزادی» (آریامهر) بدون حضور تماشاگر برگزار می‌شود!

در آستان سالگرد خیزش ضدحکومتی در ایران، با شروع فصل جدید مسابقات لیگ برتر فوتبال، فدراسیون جهانی فوتبال (فیفا) در نامه‌ای به فدراسیون فوتبال جمهوری اسلامی هشدار داده در صورت ممنوعیت ورود زنان به استادیوم‌ها برای تماشای مسابقات، فوتبال ایران با محرومیت و جریمه‌های سنگین روبرو خواهد شد.

بیست و سومین دوره رقابت‌های لیگ برتر فوتبال ایران قرار بود از پنجشنبه ۱۲ مرداد آغاز شود اما دولت به علت «گرمای شدید» تعطیل عمومی اعلام کرد و این مسابقات با حدود یک هفته تأخیر از روز چهارشنبه ۱۸ مرداد آغاز خواهد شد.

برخی منابع رسانه‌ای در ایران نوشته‌اند این تعطیلی برای فدراسیون فوتبال جمهوری اسلامی فرصتی شد تا موقتاً از احتمال محرومیت، جان سالم به در برد اما اصل مشکل برای حکومت همچنان پابرجاست.

مهدی تاج رئیس فدراسیون فوتبال گفته «شورای امنیت ملی» مجوز حضور زنان در ورزشگاه‌ها را صادر کرده ولی این مورد به تنهایی کافی نیست و باید پنج نهاد دیگر هم این مجوز را صادر کنند که موافقت نکرده‌اند.

سهیل مهدی رئیس کمیته مسابقات سازمان لیگ درباره

➔ مهار آتش‌سوزی را دشوارتر کرد.

روز جمعه یک فروند هلی‌کوپتر امدادی به منطقه اعزام شد اما کافی نبود و یک روز بعد دو هلی‌کوپتر برای مهار آتش اعزام شد. با اینهمه وزش باد باعث می‌شد آتش در گوشه‌ای دیگر از جنگل مجدداً شعله‌ور شود.

با همکاری نیروهای حفاظت منابع طبیعی و جنگلبانی و همچنین کمک‌رسانی فعالان محیط زیست و گروه‌های مردمی آتش در بعضی مناطق از جمله «آسن‌ئاوا» و «ماسی‌در» مهار شد اما همچنان در «دره‌وران» عملیات مهار و خاموش کردن آتش ادامه دارد.

روزنامه «شرق» در گزارشی با اشاره به افزایش موارد آتش‌سوزی به دلیل تغییر شرایط اقلیمی و «دخالت‌های مضر بشری» نوشته در همه این حوادث مشخص شده با وجود گستردگی این آتش‌سوزی، هلی‌کوپترهای امدادی برای مهار آتش به منطقه نرسیدند و امکانات امدادی و تخصصی مهار آتش جنگل‌ها، متناسب با نیازهای کشور تأمین نشده است. در این گزارش همچنین آمده است که دولت‌ها برای تهیه و تولید و خرید تجهیزات تخصصی و به‌روز، عزم جدی نداشته‌اند و کم‌توجهی مزمن موجب شده تا توان و قابلیت کشور برای مقابله با آتش‌سوزی‌های گسترده بسیار کم و محدود باشد. به ویژه در مناطق مرزی همچون مرزبان این محدودیت امکانات امدادی بیشتر خود را نمایان می‌کند. روزنامه «شرق» همچنین اشاره کرده با «تضعیف نهادهای مدنی» از ظرفیت نیروهای محلی نیز برای مهار آتش‌سوزی به خوبی استفاده نمی‌شود. هم‌زمان با ادامه آتش‌سوزی جنگل‌های مرزبان، منابع حقوق بشری از بازداشت پنج فعال محیط زیست اهل مرزبان خبر دادند.

سازمان حقوق بشری «هنگاو» شنبه ۱۴ مرداد گزارشی داد آزاد روحی، لایق احمدی، سرکوت عبادی، آلان اردشیری و دلیر محمدی ذکر در روزهای چهارشنبه و پنجشنبه، ۱۱ و ۱۲ مرداد توسط وزارت اطلاعات بازداشت شده‌اند.

اینهمه در حالیست که اعتراض به نهادهای حکومتی در مورد سهل‌انگاری و بی‌تفاوتی آنها نسبت به وقایعی که در کشور می‌گذرد بالا گرفته است. در شبکه‌های اجتماعی برخی کاربران نوشته‌اند سپاه پاسداران که برای کمک به مهار آتش‌سوزی ترکیه سال گذشته هواپیمای ایلوشین آتش‌نشانی را اعزام کرد اما این امکانات را پس از آتش‌سوزی در جنگل‌های مناطق غرب کشور به کار نگرفت.

منشاء انسانی آتش‌سوزی جنگل‌ها

سال‌هاست که مردم محلی پس از چینی آتش‌سوزی‌هایی می‌گویند که عمدیست. آنها انگشت اتهام را به سوی سپاه پاسداران انقلاب اسلامی دراز می‌کنند. بسیاری از فعالان محیط زیست علت آتش‌سوزی را زمین‌خواری و جنگل‌خواری از جمله برای قاچاق چوب و فسادهای مربوطه و در نهایت سودجویی افراد و گروه‌های مافیایی وابسته به دستگاه حکومت می‌دانند.

در تأیید این مورد سرهنگ اکبری فرمانده یگان حفاظت سازمان منابع طبیعی و آبخیزداری درباره منشأ این آتش‌سوزی‌ها گفت: «منشأ این آتش‌سوزی‌ها قطعاً انسانی است اما ما در حال بررسی هستیم که آیا سهوی بوده یا عمدی؟ هرچقدر هم هوا گرم باشد تا آتشی روشن نشود و اقدامات انسانی وجود نداشته باشد، چنین آتش‌سوزی‌هایی رخ نمی‌دهد.»

اکبری توضیح می‌دهد «درست است که به دلیل گرمای هوا و کاهش رطوبت ظرفیت آتش‌سوزی بالاست، اما عوامل انسانی در بروز این اتفاقات تأثیر زیادی دارند. ما دستورات لازم را صادر کرده‌ایم تا عمدی یا سهوی بودن این آتش‌سوزی‌ها بررسی شود.»

رجزخوانی اسماعیل قآنی در مرزهای سوریه؛ احتمال دیدار با حسن نصرالله در لبنان



اسماعیل قآنی در مرز سوریه

موشک‌های کروز و پهپاد است. همچنین مقامات جمهوری اسلامی از تأسیس بانک و بیمه مشترک با سوریه خبر داده‌اند. احسان خاندوزی وزیر اقتصاد جمهوری اسلامی ۱۱ مرداد اعلام کرد شعب دو بانک غیردولتی ایران در سوریه افتتاح شده و این بانک‌ها قرار است با پشتیبانی مالی و بیمه‌ای شرکت‌های ایرانی فعال در سوریه، برای پیمانکاران و صدور خدمات فنی مهندسی فعال شوند. وی همچنین تأکید کرد که کنسرسیومی متشکل از سه شرکت بیمه ایرانی غیردولتی و شرکت بیمه سوریه، با سهم ۶۰ درصد ایران و ۴۰ درصد سوریه، بیمه تجاری و تکافلی راه‌اندازی کرده‌اند.

جمهوری اسلامی به دنبال سهم خود در بازسازی سوریه است. حسین اکبری سفیر جمهوری اسلامی در دمشق می‌گوید موانعی مثل زیر ساخت‌های بانکی، انتقال پول و ضمانت اقتصادی از موانع اصلی حضور بخش خصوصی ایران در سوریه است.

طبق گفته‌های اکبری «تعداد پروازها از ایران ما به سوریه افزایش یافته است و تقریباً هر هفته یک پرواز به این کشور انجام می‌شود.» وی همچنین توضیح داده «در بخش ترانزیت زمینی و کشتیرانی برنامه منظمی داریم که می‌تواند باعث توسعه عرضه و تقاضا باشد.» قرار است دو کارخانه اتمبیل‌سازی ایرانی نیز در سوریه فعال شود.

مهرداد بذپاش وزیر راه و شهرسازی جمهوری اسلامی گفته «می‌توانیم کشتی‌های بزرگتری برای ارسال کالاها به سوریه داشته باشیم که لازم است پس‌کرانه‌هایی در اختیار کشتی‌های ایرانی قرار گیرد.»

منظور از پس‌کرانه محوطه‌ی پشت بندرگاه‌هاست که پشتیبانی و تأمین و رساندن کالاها صادراتی به بندرگاه و پخش و جذب کالاها وارداتی از بندر در آنجا صورت می‌گیرد. در یک سال گذشته در چند مورد هواپیمای ارتش اسرائیل بندرگاه‌های سوریه را پس از انتقال محموله‌های تسلیحاتی از ایران هدف قرار دادند. مقامات تهران که از لغو تحریم‌ها و آزاد شدن پول‌های بلوکه شده ناامید شده‌اند تلاش می‌کنند مراودات تجاری و نظامی خود را با دولت‌هایی مثل بولیوی، ونزوئلا، بلاروس و سوریه افزایش دهند. در این میان، حملات راکتی شبه‌نظامیان مورد حمایت جمهوری اسلامی در سوریه علیه پایگاه نظامیان آمریکایی در روزهای اخیر بار دیگر افزایش پیدا کرده است.

● اشاره‌ای به زمان سفر قآنی به سوریه نشده اما از وی نقل کرده‌اند «دشمنان ایران و سوریه به خوبی می‌دانند که جنگ در منطقه غرب آسیا در دستان محور مقاومت است.»

● طونی بولس روزنامه‌نگار لبنانی در توفیتی با تأیید خبر حضور قآنی در سوریه پرسیده آیا دولت لبنان از این دیدار خبر دارد و می‌دانند چه تهدیدی برای امنیت و ثبات کشور دارد؟ آیا قآنی از مسیرهای قانونی وارد می‌شود یا از تونل‌های حزب‌الله؟

● حسین اکبری سفیر جمهوری اسلامی در دمشق می‌گوید پروازها از ایران به سوریه افزایش پیدا کرده و تقریباً هر هفته یک پرواز به این کشور انجام می‌شود.

● مهرداد بذپاش وزیر راه و شهرسازی جمهوری اسلامی گفته «می‌توانیم کشتی‌های بزرگتری برای ارسال کالاها به سوریه داشته باشیم که لازم است پس‌کرانه‌هایی در اختیار کشتی‌های ایرانی قرار گیرد.»

منابع خبری در ایران روز جمعه ۱۴ مرداد تصویری از بازدید اسماعیل قآنی فرمانده نیروهای قدس سپاه پاسداران از مرزهای سوریه منتشر کردند.

اشاره‌ای به زمان این بازدید نشده اما از قآنی نقل کرده‌اند «دشمنان ایران و سوریه به خوبی می‌دانند که جنگ در منطقه غرب آسیا در دستان محور مقاومت است.»

سفر فرماندهان ارشد سپاه پاسداران انقلاب اسلامی به سوریه هم‌زمان با «ایام محرم» برای یگان‌های سپاه و زیارت قبلا هم انجام می‌شده است.

طونی بولس روزنامه‌نگار لبنانی در توفیتی با تأیید خبر حضور قآنی در سوریه نوشته وی برای برای بازرسی از شبه‌نظامیان لبنانی و فلسطینی به لبنان می‌رود و با حسن نصرالله دیدار می‌کند.

وی پرسیده آیا دولت لبنان از این دیدار خبر دارد و می‌دانند چه تهدیدی برای امنیت و ثبات کشور دارد؟ آیا قآنی از مسیرهای قانونی وارد می‌شود یا از تونل‌های حزب‌الله؟

تصویر قآنی در مرزهای سوریه پس از آن منتشر شد که مؤسسه تحقیقاتی «آلما» اسرائیل اعلام کرد رژیم ایران به دنبال کنترل صنایع ساخت تسلیحات شیمیایی در سوریه است. محققان این مرکز همچنین گفته‌اند رژیم ایران با همکاری مرکز مطالعات و تحقیقات علمی سوریه (SSRC) به دنبال توسعه و ساخت موشک‌ها و راکت‌های دقیق،

تلاش حکومت علیه پوشش اختیاری؛ از «وعده جمع شدن بساط کشف حجاب» تا «تعیین پوشش شرعی»



و تصویب قانون به دور از چشم افکار عمومی انجام می‌شود. اکنون به نظر می‌رسد که برخی از نمایندگان مجلس شورای اسلامی تلاش دارند این لایحه به صورت محرمانه و دور از چشم رسانه‌ها و بخشی از نمایندگان بررسی و تصویب شود.

بر اساس گزارش‌ها، این لایحه با وضع جریمه‌های سنگین، به دنبال ایجاد «بازدارندگی» است. به این معنا که جریمه‌ها آنقدر سنگین وضع شده‌اند که افراد (خصوصاً افراد مشهور و سلبریتی‌ها) حتی اگر مخالف صد درصدی نیز با حجاب داشته باشند اما از ترس جریمه‌های سنگین دست به این کار نزنند. با این حال، در همان ساعات تصویب طرح، توصیه به رفتارهای رادیکال در شبکه‌های مجازی دست به دست می‌شد.

حسن نوروزی عضو کمیسیون حقوقی و قضایی مجلس شورای اسلامی روز سه‌شنبه ۱۷ مرداد گفت که تصویب لایحه «عفاف و حجاب» در صورت ارسال به صحن علنی حدود سه ماه طول می‌کشد و «اگر اینگونه شود، مانند طرح صیانت، هوا می‌شود.»

حسن نوروزی در دفاع از «هشتاد و پنجمی شدن» تصویب این لایحه گفت کسانی باید درباره آن نظر بدهند که «کار حقوقی کرده باشند، حکم داده باشند، تفهیم اتهام کرده باشند» و اذعان کرد در صورت آمدن به صحن علنی، بررسی آن ممکن بود تا سه ماه طول بکشد.

عضو کمیسیون حقوقی و قضایی مجلس شورای اسلامی افزود: «الان لایحه یک جمع‌بندی یکی دو روزه می‌خواهد تا پس از آن به شورای نگهبان برود.»

مرتضی آقا تهرانی رئیس کمیسیون فرهنگی مجلس شورای اسلامی نیز امروز پنجشنبه ۱۹ مرداد ۱۴۰۲ گفته که «کمیسیون فرهنگی و حقوقی-قضایی در حال رسیدگی به این لایحه هستند، نمایندگان تا دیروقت در شب در مجلس

در تلاشند تا به هر شکلی شده حجاب تحمیلی جمهوری اسلامی از سوی همه شهروندان رعایت شود. ابراهیم رئیسی که مدت‌ها درباره «مبارزه با بی‌حجابی» سکوت کرده بود نیز وعده جمع شدن بساط کشف حجاب را داده است.

ابراهیم رئیسی روز چهارشنبه ۱۸ مرداد در یک سخنرانی در جمع خانواده «مدافعان حرم» وعده داد که «حتماً بساط کشف حجاب جمع می‌شود». او همچنین بخشی از زنان مخالف حجاب اجباری را افرادی «غافل» خواند که باید به آنها «آگاهی» داده شود.

رئیس دولت سیزدهم شهروندانی را که از پوشش اختیاری و عادی استفاده می‌کنند متهم کرد که «برنامه دشمن» را اجرا می‌کنند و سپس به نقل از علی خامنه‌ای رهبر جمهوری اسلامی گفت چون «دشمن» با برنامه‌ریزی آمده «ما هم باید با برنامه‌ریزی به میدان برویم و کار کنیم.»

او گفت: «یک عده معدودی هم هستند که ممکن است به صورت سازمانیافته حرکتی جهت‌دار داشته باشند با آموزش‌های بیگانگان، آنها هم تکلیف‌شان مشخص خواهد شد.»

در آنسو، لایحه «حجاب و عفاف» که از سوی قوه قضاییه تدوین شده در مراحل نهایی در مجلس شورای اسلامی بسر می‌برد و قرار است به زودی تصویب و به شورای نگهبان فرستاده شود. در جلسه توجیهی و غیرعلنی ۱۵ مرداد مجلس شورای اسلامی، فراکسیون انقلاب اسلامی موفق شد نظر دادن کل نمایندگان درباره این لایحه را حذف کند و همراهی اعضا را برای بررسی این لایحه طبق اصل ۸۵ قانون اساسی جلب کند. بر اساس اصل ۸۵ قانون اساسی، مجلس شورای اسلامی می‌تواند در موارد ضروری صلاحیت وضع قوانین آزمایشی را به کمیسیون‌های خویش تفویض کند که در اینصورت بررسی

● وزیر ارشاد و فرهنگ اسلامی از «تعیین پوشش شرعی» خبر داده و گفته که با حمایت مجلس نیازهای جامعه جوان در مقوله پوشش را تعیین خواهیم کرد!

● ابراهیم رئیسی در یک سخنرانی در جمع خانواده «مدافعان حرم» وعده داد که «حتماً بساط کشف حجاب جمع می‌شود.»

● رئیس کمیسیون فرهنگی مجلس شورای اسلامی گفته که کمیسیون فرهنگی و حقوقی-قضایی در حال رسیدگی به لایحه حجاب و عفاف هستند تا بتوانیم به قانونی در تراز انقلاب اسلامی دست یابیم.

در حالی که لایحه معروف به «حجاب و عفاف» تدوین شده در قوه قضاییه از صحن علنی خارج و به کمیسیون ویژه سپرده شده تا به سرعت تصویب و به شورای نگهبان ارسال شود، ابراهیم رئیسی گفته «حتماً بساط کشف حجاب جمع می‌شود» و وزیر ارشاد اسلامی نیز از «تعیین پوشش شرعی» خبر داده است.

محمد مهدی اسماعیلی وزیر ارشاد و فرهنگ اسلامی از «تعیین پوشش شرعی» خبر داده و گفته که «با حمایت مجلس نیازهای جامعه جوان در مقوله پوشش را تعیین خواهیم کرد تا در چارچوب شرع، قانون و اخلاق به زیبایی و تنوع برسند.»

محمد مهدی اسماعیلی با اشاره به ایجاد کارگروه ساماندهی مد و لباس افزوده که «در این کارگروه تلاش می‌کنیم تا با استفاده از زیبایی‌های فرهنگ اسلامی، جلوه‌های جدیدی را به کار بگیریم تا مردم و به ویژه جوانان، هم زندگی عقیفانه‌ای داشته باشند و هم از مظاهر زیبایی در پوشش و لباس استفاده کنند.»

در هفته‌های گذشته نهادها و ارگان‌های مختلف حکومتی

حضور دارند و در حال تلاش برای ساماندهی و بررسی این لایحه هستند تا بتوانیم به قانونی در تراز انقلاب اسلامی دست یابیم.»

رئیس کمیسیون فرهنگی مجلس شورای اسلامی افزوده است تا زمانی که قانون جدید ابلاغ نشده به قانون قبلی باید رجوع و عمل کرد. اما به محض تصویب و تایید شورای نگهبان و ابلاغ قانون جدید توسط دولت باید قانون جدید عملیاتی

نمایندگان موافق اصل ۸۵ شدن لایحه عفاف و حجاب بودند و تنها ۴۰ نفر مخالفت کردند.»
هرچند مرتضی آقا تهرانى رئیس کمیسیون فرهنگی مجلس شورای اسلامی گفته این لایحه پس از تصویب اجرایی می‌شود اما موازی کاری نهادها و سازمان‌ها برای بستن فضای اجتماعی در آستانه نخستین سالگرد اعتراضات ۱۴۰۱ و به بهانه حجاب ادامه دارد.

می‌کنند مهار کنیم.»

مخالفت‌ها با نگاه ابزاری جمهوری اسلامی به «مبارزه با بی‌حجابی» که با هدف بستن فضای جامعه و استقرار نیروهای لباس‌شخصی در قالب حجاب‌بان و آمر به معروف صورت می‌گیرد همچنان در جریان است.
محسن برهانی حقوقدان و وکیل دادگستری که در ماه‌های گذشته به چهره منتقد جمهوری اسلامی تبدیل شده روز



شود و همه باید ملتزم به آن باشند.

برخی دیگر از نمایندگان مجلس شورای اسلامی اما مخالف «هشتاد و پنجی شدن» لایحه حجاب و عفاف هستند. احمد علی‌رضایی عضو کمیسیون شوراها و امور داخلی مجلس شورای اسلامی در اینباره گفته که «کلیت مجلس از بیان نظر خودش در قبال لایحه عفاف و حجاب واهمه دارد و ترجیح می‌دهد جای دیگری با این موضوع درگیر باشد و افکار عمومی آن‌ها را مورد چالش قرار دهند.»

به گفته احمد علی‌رضایی «همانطور که قابل پیش‌بینی است همان اتفاقی که برای صیانت از فضای مجازی رخ داد برای لایحه عفاف و حجاب هم رخ خواهد داد. یعنی جامعه نسبت به این موضوع واکنش نشان خواهد داد و مجلس مجبور می‌شود در صحن علنی نسبت به آن تصمیم‌گیری کند و در نهایت مثل همان صیانت از فضای مجازی که مجلس نمی‌خواست درگیر تصویب آن شود و به شورای عالی فضای مجازی سپرده شد، این لایحه هم بعد از کش و قوس و آمدن به صحن علنی، به شورای عالی انقلاب فرهنگی ارجاع داده خواهد شد.»

معین‌الدین سعیدی در گفتگو با خبرنگاری «ایلنا» درباره اقدام فراکسیون انقلاب اسلامی گفته که «این رأی‌گیری استمراجی به نظر من نگرانی‌ها را در این مسئله بیشتر می‌کند چرا که جامعه احساس می‌کند فارغ از چشم و نگاه آنها در کمیسیون مشترک بررسی خواهد شد و همان اتفاقی که برای طرح صیانت افتاد در این لایحه هم اتفاق خواهد افتاد بدون اینکه نظرات کارشناسی قاطبه نمایندگان اتخاذ شود.»

او درباره تعداد آرای اخذ شده در این رأی‌گیری استمراجی گفت: «۱۷۱ رای موافق دادند یعنی حدوداً بالای ۷۴ درصد

احمدرضا رادان فرمانده کل انتظامی جمهوری اسلامی امروز پنجشنبه ۱۹ مرداد ۱۴۰۲ از بازداشت شماری از افراد دارای پوشش اختیاری خبر داده و گفته که «اگر فردی بر این موضوع (بی‌حجابی) اصرار داشته باشد، حتماً توسط مأموران پلیس دستگیر و تحویل مقامات قضایی می‌شود تا برابر قانون با او برخورد شود.»

احمدرضا رادان همچنین شهروندان فعال در شبکه‌های اجتماعی را تهدید کرده و گفته «گروهی هم هستند که بی‌حجابی را در فضای مجازی ترویج می‌دهند که مستقیماً افرادی را مخاطب قرار می‌دهند و عاقدانه این جرم را مرتکب می‌شوند به همین دلیل برخورد قضایی با اینها سخت‌تر خواهد شد.»

همچنین ۴۰۰ تن با عنوان شغلی «حجاب‌بان» با حقوق ماهانه ۱۲ میلیون تومان برای فعالیت در متروها توسط شهرداری تهران استخدام شده‌اند.

یک منبع آگاه در یک شرکت پیمانکاری در اینباره گفته است که شهرداری تهران، به زودی ۴۰۰ نیرو را با عنوان «حجاب‌بان» در ایستگاه‌های مترو پایتخت مستقر خواهد کرد. این نیروها که توسط یگان حفاظت شهرداری تهران گزینش شده و کلاس‌های آموزشی مربوط به این کار را نیز گذرانده‌اند، به زودی در ایستگاه‌های مترو وارد فعال خواهند شد.

این منبع آگاه افزوده که «حجاب‌بان»ها تنها وظیفه «تذکر لسانی و ممانعت از ورود بی‌حجاب‌ها و بدحجاب‌ها به مترو» و در صورت مقاومت، معرفی آنها به پلیس را دارند و در صورت درگیری با شهروندان، از خدمت معلق خواهند شد.

پیش از این احمد حسین فلاحی نماینده مجلس شورای اسلامی گفته بود که «ما می‌خواهیم کسانی را که در ادامه اغتشاشات سال گذشته، در خیابان، مترو و... هنجارشکنی

چهارشنبه ۱۸ مرداد در توثیت تازه‌ای به مجلس شورای اسلامی انتقاد کرده که «تا دیروز ادعای شفافیت در آرا را داشت»، اما «به موضوع حجاب که رسید می‌خواهند ملت نفهمند چه بحث‌هایی در صحن مجلس خواهد شد و چگونه حقوق مردم به حراج گذاشته می‌شود.»

محسن برهانی با اشاره به طرح گروهی از نمایندگان مجلس برای فرستادن لایحه «عفاف و حجاب» دولت ابراهیم رئیسی به یک کمیسیون ویژه در قالب اجرای اصل ۸۵ قانون اساسی جمهوری اسلامی، گفته که «دروغ نگویید: اصل ۸۵ ابزاری است برای مخفی کاری شما.»

محسن برهانی ۱۵ مرداد نیز در توثیتی با «ننگین» خواندن لایحه حجاب اجباری نوشت که در تنظیم متن نهایی این لایحه سه نفر شامل «آقایان قالیباف، موسی) غضنفرآبادی و جلیل محبی» نقش کلیدی داشتند.

به نوشته این وکیل دادگستری، آنها «لایحه قوه قضائیه را کنار گذاشتند، شخصی در سه روز نوشته‌ای را آماده کرد و دور هم نشستند و تماش کردند.»

این وکیل دادگستری، این نحوه قانون‌نویسی را «مایه ننگ» خوانده و افزوده که «کمیسیون و مجلس شورای اسلامی هم که یک شوخی بی‌مزه‌اند.»

روزنامه «هم‌میهن» نیز به نقل از علی تقی‌زاده حقوقدان و نماینده مجلس ششم نوشت مهمترین علت تصمیم‌گیری مجلس برای تصویب لایحه حجاب براساس اصل ۸۵ قانون اساسی، تلاش برای عدم آگاهی افکار عمومی از اهداف و مسائلی است که در این لایحه گنجانده شده‌اند.

این حقوقدان موضوع حجاب را امری مربوط به همه خانواده‌ها و جامعه توصیف کرد و گفت: «به نظر می‌رسد برخی سعی دارند جنگ رسمی با جامعه را آغاز کنند.»



عکس هفته | توماج صالحی

توماج صالحی هنرمند موسیقی و رپر سرشناس ایران جایزه‌ی بخش موسیقی اعتراضی با عنوان «هرتیک» را از «گلوبال موزیک ۲۰۲۳» دریافت کرد. این خبر ۸ اوت در اکانت توئیتر وی اعلام شد.

«گلوبال موزیک» ضمن ابراز امیدواری برای آزادی توماج صالحی از زندان، اعلام کرده است که این جایزه به خاطر آهنگ «فال» به این هنرمند اهدا شده است.